

ون

روزنامه

شنبه ۱۵ حمل ۱۳۶۰
۴ اپریل ۱۹۸۱
شماره دوم
سال سی و سوم

LIBRARY OF CONGRESS
JUN 6 - 1981
COPY COPY
ORDER DIVISION

RB

A-P
77-9380



15521/0271/00



Ketabton.com

15521 0271 00



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خاستق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم ج. د. ا. هنگامی که نمایندگان اقوام احمدزی، و زیسر و موسی نیکه وزیرستان رادر قصر گلخانه مقر شورای انقلابی به حضور پذیرفته و با ایشان صحبت می کند.

د افغانستان د خلك ديمو كراتيك گوند د مركزى كميته دعمومى منشى دانغا نستان د ديمو كراتيك جمهوريت دانقلابى شورا رئيس او صدر اعظم ببرك كارمل لخوا دايراند اسلامى جمهوريت د جوړيدو د كاليزي له امله دهغه هيواد د جمهور رئيس جلالتماب ابوالحسن بنى صدر په نامه تهران ته دمباركې ټيلگرام مخابره شويدي .

افغان نستان ظهر ۱۱ حمل هيات عالمترتبه اتحاد شوروى برياستت سيمون اندر يو پچ سكاچكوف عضو كميته مركزى حزب كمونست اتحاد شوروى و رئيس كميته دولتي اتحاد جماهير شوروى سو سياليستى براى همكارى اقتصادى با کشور هسای خارجى را در مقر شورای انقلابی پذیرفته با آنها در فضای آنها است دوستانه و صمیمانه صحبت کردند.

قبعه عضو بيروى سياسى كميته مركزى ومسوول شعبه روابط بين المللى كميته مركزى جنبه خلق براى آزادى فلسطين ملاقات نموده و در فضای دوستانه و صميمانه با آن صحبت کردند .

ببرك كارمل منشى عمومى كميته مركزى حزب دمو كراتيك خلق افغان نستان رئيس شورای انقلابى و صدر اعظم جمهورى دمو كراتيك

اختصار وقایع مهمه

ببرك كارمل منشى عمومى كميته مركزى حزب دمو كراتيك خلق افغان نستان رئيس شورای انقلابى و صدر اعظم جمهورى دمو كراتيك افغان نستان ساعت چار بعد از ظهر روز پنجشنبه ۶ حمل بزرگان، موسفیدان و نمایندگان قوم احمدزی و زیسر، موسی نیکه وزیرستان را برای ملاقات در قصر گلخانه مقر شورای انقلابی پذیرفته و در فضای نهایت دوستانه و صمیمیت با ایشان صحبت کردند .

دانغا نستان د خلك ديمو كراتيك گوند د مركزى كميته دعمومى منشى دانغا نستان د ديمو كراتيك جمهوريت دانقلابى شورا د رئيس او صدر اعظم ببرك كارمل له خوا د جنوبى افريقا د كمونست گوند د مركزى كميته دعمومى منشى په توگه دماب هيداد ټوكنوله امله دده په نامه دمباركې پيغام ليږل شويدي .

ببرك كارمل منشى عمومى كميته مركزى حزب دمو كراتيك خلق افغان نستان، رئيس شورای انقلابى و صدر اعظم جمهورى دمو كراتيك افغان نستان روز ۸ حمل در مقر شورای انقلابى با هيات جنبه خلق بسراى آزادى فلسطين برياست تى سير -



مدال طلايى جنبه خلق بسراى آزادى فلسطين موقعيكه تى و سبطى سير قبعه به پاس موفقيتگيرى فعال وانقلابى ببرك كارمل در قبال مساله فلسطين با ایشان اهداء میگردد.



دستگیر پنجمین دولايتی گوندي کمیټو، دکابل ښار د گوندي ناحیو، دټولنیزو سازمانونو، دوسله وال پوځ، څارندوی او ددولتی اطلاعاتو دخدماتو دتشیلاتو دمسوولینو په دوهم سیمینارکی ویناکوی .

غړی دانقلابی شورانغړی، دافغانستان دښځو ددیمو کراتیک سازمان رئیسې او دافغانستان ددیمو کراتیک جمهوریت دسولې، دوستی او پیوستون دټولنی رئیسې ډاکټره انا هیټا راتیزاد چی په عدن کی دآسیا او افریقا دیوستون دسازمان په دیار لسو غونډو کی دافغانستان ددیمو کراتیک جمهوریت دهیات په مشری دیمو کراتیک جمهوریت ته تللی وه دحمل ۱۲ هیواد ته راغله .

غړی او د گوندی څارنی او کنټرول دکمیسیون درئیس دستگیر پنجمین په وینا سره پیل شوه. پرو توکول همکاری اقتصادی و تخنیکي بین جمهوری دمو کراتیک افغانستان واتحاد شوروی بتاريخ ۱۱ حمل درعمارټ کمیټه دولتی پلان گذاری عقد گردید. دافغانستان دځلک دیمو کراتیک گوند دمرکزی کمیټی دسیاسی بیرو غړی احمد نور حاضر و دسیاسی بیرو د

سازمانونو دوسله وال پوځ، څارندوی او ددولتی اطلاعاتو دخدماتو دتشیلاتو دمسوولینو دویم سیمینار دحمل ۱۳ له غرمی مخکی دافغانستان دځلک دیمو کراتیک گوند دمرکزی کمیټی په مقر کی خپل کار ته دوام ورکړ. غونډه په داسی حال کی چی دافغانستان دځلک دیمو کراتیک گوند دمرکزی کمیټی دسیاسی بیرو غړی او دگوند دمرکزی کمیټی منشی نور احمد نور حاضر و دسیاسی بیرو د

دافغانستان دځلک دمو کراتیک گوند دمرکزی کمیټی دسیاسی بیرو غړی دانقلابی شو را مرستیال اود صدر اعظم مرستیال سلطا نعلی کښمند دیو گوندي هیات په مشری دچکوسلوا کیاد کمونسټ گوند په شپاړسم کانگرس کی دگبون له پاره دحمل ۱۳ نیټه پراگ ته لاړ. دولايتی گوندي کمیټو، دکابل ښار دگوندي ناحیو، دټولنیزو و



سلطا نعلی کښمند و سیمون اندروبو یچ سکاچکوف حین امضای پروتوکول همکاری اقتصادی بین ج.د. افغانستان واتحاد شوروی .

• ما اکنون وظایف عمده، مبرم و جدی را در امر ساختمان جامعه شگوفان مرفه و خوشبخت
بیشتر داریم. وظیفه همه افراد و طبیرست و خاصاً متسویین قوای مسلح قهرمان ما
اینست تا هر چه زودتر تمام نیروهای ضدانقلاب در وجود اشراک صادر شده از خارج را سرکوب
سازیم.

بیرک کزامل

شنبه ۱۵ حمل ۱۳۶۰ - ۴ - اپریل ۱۹۸۱

قانون جدید مکلفیت عسکری به نفع زحمتکشان ما است

پیروزی انقلاب شکوهمند ثور که نقطه عطف عظیمی است در تاریخ مبارزات آزادخواهی مردم دلییر و قهرمان ما، برای نخستین بار به فرمانروایی از باب قدرت و ستم پایان داده و حاکمیت سیاسی را از طبقه ستمگرفیو دال به طبقه مردم زحمتکش و ستمدیده کشور ما انتقال داد و همه ضابطه ها و مناسبات فرتوت و پو سیده دوران فیودالی را دگرگون ساخته و مناسبات جدیدی را در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به نفع توده های وسیع مردم زحمتکش و غذابنده ما بنیاد نهاد که همه و همه حافظ منافع خلقهای ملیونی و متضمن رفاه و سعادت مردم ما می باشد.

در زمره اقدامات نیک و کارهای سودمند و انقلابی که حزب و دولت مترقی مادرجهت بهبود وضع زندگی مردم و تنظیم امور حیاتی زحمتکشان جا معه ما در بخش های گوناگون حیات اجتماعی آنها انجام داده است یکی هم انفاذ قوانین و مقرره های دموکراتیک است البته مهمتر از همه اصول اساسی جمهوری دموکراتیک

تیک افغانستان است که از جمله دست آورد های انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن محسوب گردیده و بحیث قانون اساسی موقت کشور بشمار می آید درین قانون همه وجایب حقوق و مکلفیت های اتباع کشور آشکارا بیسان گردیده و تکلیف و مسؤولیت همه

افراد کشور در آن روشن گردیده است.

قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری که اخیراً به منظور فراهم آمدن تسهیلات بیشتر در زمینه جلب و جذب اتباع کشور به صفوف قوای مسلح و تنظیم بهتر امور دفاعی کشور بخاطر دفاع از دست آورد های انقلاب ثور، استقلال ملی و تمامیت ارضی میهن عزیز ما تدوین گردید یگانه قانونی است که نسبت به قوانین مکلفیت عسکری گذشته مزایای برتری هایی داشته و انفاذ آن به نفع اکثریت زحمتکشان ما می باشد.

طوری که درین قانون تصریح گردیده است دیگر آن مشکلات اداری و بوروکراتیک که هنگام جلس و احضار بخدمت عسکری در سابق وجود داشت حل گردیده و تسهیلات زیادی در مورد مجلو بین عسکری فراهم آمده است. همچنان درین قانون دوره مکلفیت بخدمت عسکری تا سن چهل تعیین گردیده که شش سال کمتر از دوره مکلفیت در گذشته است از مزایای دیگر قانون مکلفیت عسکری اینست که برای آن عده سربازان که بیش از میعاد معینه بخدمت عسکری دوام میدهند معاش کافی پرداخته می شود به این معنی که در سه ماه اول دوره اضافه خدمت دو هزار و بعد از آن ماهانه سه هزار افغانی معاش در یافت می دارند که این خود یک عمل انقلابی دولت مردمی ما را نشان میدهد که همواره مشکلات و نیاز-

مندی های مردم زحمتکش ما را در نظر داشته و ازین طریق کمک بزرگی به فامیل سربازان دلییر و بسا شهباهت ما مینماید.

خلاصه اینکه قانون مکلفیت جدید عسکری یک قانون دموکراتیک و عادلانه و به نفع زحمتکشان ما بوده و مطابق احکام آن رسالت و مسؤولیت هموطنان ما بخصوص سربازان و مسؤولین امور دفاعی کشور ما را بیشتر از هر وقت دیگر سنگین تر و با اهمیت تر ساخته است زیرا درین مرحله حساس تاریخی و درین شرایطی که دشمنان و طین و انقلاب ما به فعالیت های ضد انسانی و جنایات شان می افزایند و می خواهند با تخریب، تحریک دهشت افکنی، ترور و اختناق سد راه پیشرفت و ترقی مردم و کشور ما گردند وظیفه و رسالت وطنپرستان صدیق و هم میهنان شریف و آگاه ما اینست که با استفاده ازین قانون جدید مکلفیت عسکری به صفوف قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان، این مدافع مطمئن انقلاب، نوامیس ملی، آزادی تمامیت ارضی و استقلال کشور بیوندند و مانند نیاکان خود بسا غرور و افتخار علیه تجاوزگران مزدوران اجیر و باند های ارسال شده از خارج و همه دشمنان رنگا رنگ وطن و مردم، از انقلاب و وطن خود آگاهانه، قاطعانه و قهرمانانه دفاع نمایند.

در این شماره



عاید ملی در سال ۱۳۵۹ به پیمان ۱۱۶۹۹ میلیارد ارتقاء کرده است.

وقایع مهم جهان در سال ۱۳۵۹

نوشخند ها و نیش خند هایی با هنر مندان

مولانا جلال الدین بلخی زاده توفان و شوریده عشق.

در سال ۱۳۶۰ به تعداد ۵۵ باب مکتب دیگر در مرکز و ولایات کشور تاسیس میگردد.

بسرلی او دهغه ذکر به پشتو شعر او شاعری کی.

زنان کشور با سلاح علم و دانش مجهز می گردند.

بررسی مختصر از وضع زنان در کشور.

مرگ نا به هنگام صدیق زرگر.

دبانوگ افکار او زمو نبرد دوران واقعیت.

شرح روی جلد و پشتی چهارم. هنر مندان اتحاد شوروی (به صفحه ۲۹ مراجعه شود)

تصحیح ضروری:

در شماره اول، صفحه (۱)، ستون (۴)، سطر (۲۶) ۱۳۹۵ به ۱۳۵۹ - تصحیح گردد.

بهار

حزب و دولت در خدمت مردم

در جریان تقریباً سه ساله که از پیروزی انقلاب شکوهمند شور می گذرد و بخصوص پس از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شور روند تکامل جامعه ما بوضوح نمایانگر این حقیقت است که وحدت ارگانیک و همه جانبه حزب، دولت و مردم می تواند به اسرع وقت کشور ما را از حالت عقب ماندگی قرون وسطایی بیرون آورد و مردمان بلاکشیده ما را به روز و خوشبخت سازد، مظهر بزرگ این ادعا را می توان از نتایج ثمر بخش این وحدت ضروری که بخصوص پس از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شور عملاً بوجود آمده مشاهده کرد.

برای مردم افغانستان سالها پس از انقلاب و بخصوص پانزده ماه پس از پیروزی مرحله نوین انقلاب شور سالها آسان و بی درد سر نبود چه در حالیکه مردم شرافتمند ما بادل و جان و با تمام نیرو مصروف ساختن جامعه نوین بودند و هستند، در پهلوی سایر مشکلات، دوام جنگ اعلان ناشده ارتجاع و امپریالیسم جهانی علیه افغانستان انقلابی مواضعی را در راه رسیدن به بهروزی و نهضت سستی در مقابل مردم ما ایجاد کرده است و از همین سبب در ساحت تولید و انکشاف در کشور ما سنگینی های رخ داده است و با وجود این همه تلاشهای غیر انسانی ارتجاع و امپریالیسم توانسته ایم گام هایی در راه انکشاف اقتصادی و اجتماعی برداریم. چنانچه یک تعداد پروژه های دولتی و مختلط توانسته است حجم تولیدات خود را در سال ۱۳۵۹ با مقایسه سال ۱۳۵۸ ازدیاد ببخشد، به این معنی که پلان های طرح شده این موسسات نه تنها صد درصد تطبیق

گردید بلکه نظر به پیش بینی پلان کار زیاد تر هم صورت گرفت. همچنان در ساحت زراعت سال ۱۳۵۹ نظر به سال ۱۳۵۸ پررورق تر بود. در مورد اخلاص گری های باند های خرابکار که به دستگیری امپریالیسم و ارتجاع جهانی مانع رشد سریع اقتصادی و اجتماعی کشور و مردم ما می شود، ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان طی گزارشی مفصل و همه جانبه شان که به تاریخ ۲۸ خوت ۱۳۵۹ به جلسه چارم شوروی انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ارائه کردند، چنین فرمودند:

((اگر نیروهای سیاه ارتجاع و امپریالیسم فعالیت تجاوزکارانه و مداخله آشکار خود را در امور داخلی کشور ما قطع می کردند، دست آورد های مادر رشد اقتصادی و ارتقای سطح رفاه مردم باز هم بیشتر می بود.

... امپریالیسم و جیره خواران آن باید بدانند که روند انقلاب افغانستان برگشت ناپذیر است. انقلاب ما توطئه ها و تهاجمات امپریالیسم همو نیزم، ارتجاع و تمام ضد انقلابیون کثیف را از سر راه خود برمی دارد...))

زحمتکشان میهن ما عملاً شاهد اند که با وجود توطئه های عناصر فروخته شده به ارتجاع و امپریالیسم حزب و دولت انقلابی شان با تمام نیرو تلاش می ورزد تا آرامی و خوشبختی همه جانبه برای شان ایجاد نماید و درین راه به شکل بیگانه و صادقانه پویا است. هکذا با اتکاء به نیروی بر توان خلق، حزب و دولت ملی و مترقی ما مشت های پولا دین و کوبنده ای را به دهان

دشمنان آرامش و پیشرفت میهن و مردم ما حواله کرده می کنند. با تطبیق پلانهای مردمی و مترقی ای که رویداد است می توان تولید یک حیات مرفه با سعادت و خوشبختی را به مردم داد.

در پهلوی سایر اقدامات، دولت مترقی و مردمی ما طی سال گذشته مزده از دیاد معاش کارگران و اجیران و مستخدمین دولت برای سال ۱۳۶۰ را تا پنجاه درصد و هکذا از دیاد مالکولات مامورین کارگران، اجیران و غیره کارمندان دولت را پنجاه درصد افزود ساخت که این اقدامات را می توان بحق ناشی از خصلت و ماهیت مردمی و مترقی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان دانست:

با بسیج نیروها و عناصر ایجادگر و مولد میهن و با استفاده درست و معقول و علمی از منابع سرشار طبیعی و با استفاده از کمک های برادرانه کشورهای مترقی و انقلابی در راس کشور کبیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی این همسایه نیک و شریف، ما توانسته ایم می توانیم مکلفیت های سترگ تاریخی خویش را انجام دهیم.

هدف های عمده ای حزب، انقلاب و دولت انقلابی ما بهتر شدن حیات توده ها، ختم مناسبات پوسیده فئودالی، رفع پس ماندگی فرهنگی و اقتصادی رها بی مردم از چنگال فقر، مرض، بی سوادی، می باشد که این روند انسانی با پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند شور به ابعاد گسترده تر و سریع تر جریان دارد. بانگای مختصر به این دوران کوتاه گفته می توانیم که خلق آزاده و قهرمان افغانستان در طریق انقلاب بسوی حیات بر نور فردا باطمینان و قاطعیت رهسپار اند. طی همین مدت

قصیر وحدت حزب و دولت است حکام بیشتر یافته و نقش سیاسی رهبری کننده طبقه کارگر و سازجرحمت کشان میهن تقویه گردیده است. همچنان برای تنظیم بهتر حیات مادی و معنوی مردم بادر نظر داشت و رعایت بهترین سنن و عنعنات ملی، فرهنگی و مذهبی مردم ما قوانین و مقررات مختلف در تمام ساحت وضع گردیده است. به پیروی از اراده مردم حماسه آفرین افغانستان قانون جدید مکلفیت عسکری طرح و تدوین و نافذ گردید که درین قانون بر عکس دوران های گذشته هر فرد افغانستان بدون استثنا (مگر نظر به حکم قانون) مکلف است تادوره مکلفیت عسکری راسپری نماید و نمی تواند شخص دیگری را به عوض خود به این وظیفه بگمارد همچنان دوره وسن احتیاط الی چهل سالگی تعیین شده است که نسبت به قانون سابق شش سال کمتر میباشد.

قانون نشان ها و مدال ها، قانون درباره حفظ آثار تاریخی و فرهنگی و غیره همه و همه شاهد ادعای بالای ماست و نمایانگر توجه دولت مردمی ما برای تنظیم بهتر حیات مردم و خدمت گسترده تر به آنهاست و جز اینکه طی پانزده ماهی که از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب سپری گردیده است حزب و دولت گام های فراخی در راه بهروزی مردم، تامین وحدت حزب و مردم، بهبودی بخشیدن و ارتقای سطح حیات مردم و دفاع از میهن انقلابی و مبارزه بی امان علیه باند های صادر شده از خارج برداشته است.

زنده باد مردم افغانستان این صاحبان اصلی جامعه ما، زنده باد جمهوری دموکراتیک افغانستان این دولت همه مردم افغانستان.



سلطانعلی کشتمند معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم هنگامیکه به سوالات خبرنگار ژولنون پاسخ میدهد .
قسمت دوم

عاید ملی در سال ۱۳۵۹ به پیمانۀ

۹، ۱۱۶ میلیارد تقاء کرده است

جمهوری دموکراتیک آلمان جبران همه کمک هایی را به عهده گرفت که آلمان فدرال با آنکه قرار داد هایی هم در زمینه داشت بعد از پیروزی انقلاب کریدت های آنرا معطل قرار داده بود.

جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا بیش از هفت میلیون دالر کریدت های پروژه وادی هلمند را به عوض ایالات متحده امریکا پرداخت میکند.

* عاید سرانه ملی تولیدی طی چند سال اخیر عملاً ثابت بوده در حالیکه عاید ملی سرانه مصرف شده به میزان قابل ملاحظه ای بلند رفته است .

...

شما در شماره پیش خواندید که چگونه بابه پیروزی رسیدن انقلاب شکوهمند ثور در ابعاد کیفی پلان گذاری کشور دگر گو نیهای عمیق به وجود آمد و با الخصوص بعد از مرحله تکاملی انقلاب چگونگی و به چه دلایلی وزارت پلان به کمیته پلان گذاری دولتی بدل شد ، وهم چنین چه عواملی موجب گردید که برای نخستین بار بی آنکه صدمه ای به سکتور خصوصي وارد آید حجم تولید در سکتور دولتی و سکتور مختلط از سکتور خصوصي پیش

افتاد و اینک پرسش های دیگر و پاسخ های ارائه شده به آن از نظر تان میگردد .
* با توجه به اینکه با پیروزی انقلاب شکوهمند ثور کشور های امپریالیستی کمک های اقتصادی خود را به کشور ما قطع نموده و در کار بعضی از پروژه های صنعتی کشور سکتگی رو نما گردیده است اکنون آیا مقادیر کمی که کشور های مترقی جهان به افغانستان انقلابی میکنند ، برای تکمیل کار پروژه های نا تکمیل و پروژهای

شما در شماره پیش خواندید که چگونه بابه پیروزی رسیدن انقلاب شکوهمند ثور در ابعاد کیفی پلان گذاری کشور دگر گو نیهای عمیق به وجود آمد و با الخصوص بعد از مرحله تکاملی انقلاب چگونگی و به چه دلایلی وزارت پلان به کمیته پلان گذاری دولتی بدل شد ، وهم چنین چه عواملی موجب گردید که برای نخستین بار بی آنکه صدمه ای به سکتور خصوصي وارد آید حجم تولید در سکتور دولتی و سکتور مختلط از سکتور خصوصي پیش

و به خصوص هر حله نوین تکاملی آن قطع نمود ، ولی در عوض جمهوری دموکراتیک آلمان این همکاری ها را به عهده گرفت .

جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا به عوض ایالات متحده امریکا ماشین آلات و سایر وسایط تخنیکي مورد نیاز پروژۀ هادی وادی هلمند را که بالغ به هفت میلیون دالر میگردد به افغانستان تحویل خواهد داد .

سه ماه پیش میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی موافقتنامه جدیدی پیرامون همکاری های اقتصادی و تخنیکي به امضاء رسید .

به اساس این موافقتنامه اتحاد شوروی در ساحات زراعت ، آب رسانی ، انرژی برق ، صنایع خفیف و ارتزاقی و دیگر ساحه های مهم اقتصادی همکاری و مساعدت خواهد نمود

ما ایمان کامل داریم که افغانستان انقلابی با پشتیبانی دوستان واقعی خویش بر این مشکلات مو قتی فایق خواهد آمد و پیروزی های بزرگی را در راه رشد اقتصادی واجتماعی خویش بدست خواهد آورد .

* میتوانید به صورت مستند توضیح دهید که عاید سرانه سالانه کشور در پیش از انقلاب به چه اندازه بوده و اکنون به چه پیمانۀ است و در پنج سال آینده شما آنرا چگونه پیشبینی میکنید ؟ در صورتیکه این عاید افزودی فیصدی قابل ملاحظه ای داشته باشد ، لطفاً دلایل عمده اقتصادی آنرا به گونه مختصر توضیح فرمایید ؟

** عاید سرانه ملی یکی از مهم ترین شاخص هایست که مبین سطح رشد اقتصادی يك کشور می باشد .

در سال ۱۳۵۶ عاید سرانه ۶۱۸۵- افغانی بود که افغانستان در شمار فقیر ترین کشور های جهان به حساب می آمد ، عواید اکثریت مردم نمیتوانست احتیاجات آنان را از نظر مواد غذایی مورد نیاز شان تامین نماید و با بین بودن سطح دانش مردم که ناشی از تسلط دستجات کهنه فیودالی بود نیز به عقب مانگی کشور میافزود .

طوریکه ارقام نشان میدهد عاید سرانه ملی تولیدی طی چند سال

جدید اقتصادی کافی می باشد ؟ در صورتی که چنین نباشد شما خلای اقتصادی موجود را چگونه حل میکنید ؟

** بلی ، برخی از کشور ها به شمول ایالات متحده امریکا ، آلمان فدرال ، چین و بعضی کشور های دیگر امپریالیستی که انقلاب افغانستان به ذوق شان برابر نیست علی الرغم موافقتنامه ها کمک های خود را به کشور ما متوقف ساختند ، در سال ۱۳۵۹ مجموع کمک های خارجی به استثنای کشور های شوروی تعاون متقابل اقتصادی و ملل متحد که در پروژه های انکشافی به مصرف رسیده است صرف ۳۶۷ میلیون دالر را تشکیل میدهد .

اما اگر چنین تلفی گردد که ازین طریق میتوانند افغانستان را از راه اصلی منحرف سازند اشتباه محض خواهد بود .

افغانستان دوستان با اعتماد دارد که از کمک و پشتیبانی آنها برخوردار است .

آلمان فدرال همکاری های خویش را در بخش مخابرات و انرژی برق پس از پیروزی انقلاب ثور

کشور دوست ، شوروی در سال ۱۳۶۰ - ۱۱۸۵ میلیون دالر
گرفت پولی رادر پلان انکشافی ما میپردازد که این مبلغ به مقایسه
گرفت این کشور در سال ۱۳۵۴ - ۴۴ مرتبه بیشتر است.

در سال ۱۳۶۷ نمود فیصد مجموعی قوای بشری کشور در
رشته های مختلف اقتصاد ملی مصروف کار خواهد شد که این
بالاترین شاخص در سراسر جهان است.

اخیر عمل ثابت بوده در حالیکه عاید
سرايه ملی مصرف شده به میزان
قابل ملاحظه ای بالا رفته است .
اما باید در نظر گرفت که نه تنها
خود تولید عاید ملی بلکه توزیع
آن میان طبقات ، اقشار و گروه
های مختلف مردم دارای اهمیت
فراوان است .

در نتیجه تحولات اجتماعی که
پس از پیروزی انقلاب شکوهمند
ثور صورت گرفت ، حزب دمو -
کراتیک خلق افغانستان و حکومت
جمهوری دموکراتیک افغانستان
توانست با وجود امکانات محدود
مادی و مالی و با نظر داشت توزیع
عادلانه عاید ملی یک سلسله تدابیر
مهم رابه خاطر ارتقای سطح زندگی
زحمتکشان افغانستان عملی سازد .
طی سال ۱۳۵۹ قیمت خرید
پخته خام و لبلبو افزایش یافت
و قیمت فروش کود کیمیا وی وسامان
آلات زراعتی پایین آمد که این امر
به رشد عواید دهقانان از درك
فروش محصولات زراعتی آنان به
دولت از یکطرف و به تقلیل مصارف
خریداری وسایل تولید آنان از طرف
دیگر مساعدت نمود .

بر اساس فیصله های حزب
دموکراتیک خلق افغانستان و
حکومت جمهوری دموکراتیک
افغانستان از اول حمل سال
۱۳۶۰ در معاش کارگران و اجیران
به طور اوسط ۲۶٫۶ فیصد و در
معاش کارگران و اجیران کم مزد
چهل تا پنجاه فیصد افزایش به عمل
آمده است که به طور عموم معاشات
یکصد و هفتاد و هفت هزار نفر
افزایش می یابد همچنان در
ماکولات ماموران ، کارگران و
اجیران پنجاه فیصد افزایش بعمل
آمده است .

با افزایشی که در عاید بیش
از یکصد و هفتاد و هفت هزار نفر
به عمل آمده است و بادر نظر داشت
این نکته که قدرت خرید نیز افزایش
می یابد ، و این امکان نیز وجود دارد
که تثبیت قیمت در حد کنونی عملی

با لیونید ایلیچ بر ژنل منشی
عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه
شورای عالی اتحاد شوروی در
انکشاف بعدی و تحکیم دوستی
و همکاری همه جانبه بین خلق
های مامران نوین تاریخی را
گشود .

در جریان این مذاکرات که در
فضای صمیمانه ، حسن تفاهت هم
کامل و صداقت و صراحت رفیقانه
انجام یافت ، یک بار دیگر پشتیبانی
همه جانبه و کمک های بی غرضانه
اتحاد شوروی در تمام ساحت
اقتصاد ملی در مبارزه علیه
مداخلات مسلحانه ضد انقلابی و
مداخله امپریالیسم در امور داخلی
افغانستان به خاطر تطبیق و عملی
ساختن وظایف انقلاب ثور ، تأیید
گردید ، برای روشنی موضوع فقط
به چند مورد از کمکهای اقتصادی
اتحاد جماهیر شوروی سو سیاه
لستی نگاه می اندازیم :

طی سال ۱۳۵۶ برای پروژه های
انکشافی از ۲۷۲۲ میلیون دالر
گرفت اتحاد شوروی استفاده
گردید ، ولی طبق پلان انکشاف
اقتصادی و اجتماعی سال ۱۳۶۰
جمهوری دموکراتیک افغانستان
در نظر است که مبلغ ۱۱۸۵

میلیون دالر در بودجه انکشافی
کشور از گرفت اتحاد شوروی
استفاده به عمل آید که این مبلغ به
مقایسه سال ۱۳۵۶ به اندازه -
۴۴ مرتبه بیشتر می باشد .

علاوه از گرفت عمده یاد شده
ما کمک های قابل ملاحظه و بلا
عوض به صورت اموال استهلاکی
نیز دریافت نموده و مینماییم
چنانچه در سال گذشته اتحاد
شوروی مبلغ یکصد میلیون روبل
از طریق تحویل دهی اموال مختلف
استهلاکی به گونه بلا عوض به ما
کمک نمود که بر اساس فیصله
جمهوری دموکراتیک افغانستان
به اشخاص نیاز مندو مستحق طور
رایگان توزیع گردید ، همچنان
مقدار زیاد گندم ، شکر و غیره مواد
از کشور دوست اتحاد شوروی به
افغانستان تحویل داده شد .

از این گذشته حجم کمک های
بلا عوض از طریق تحویل دهی
اموال استهلاکی نیز در جریان
سال ۱۳۶۰ به طور قابل ملاحظه ای

شده نتواند و این موجب گردد که نه
تنها از تقای سطح زندگی کارگران
واجیران آنکو نه که پیش بینی
گردیده عملی شده نتواند بلکه
فشار های تازه ای نیز به توازن
دخل و خرج آنانیکه عاید ثابت
دارند مانند ماموران دولت وارد
آید ، آیا این مسأله از نظر
شما نگرانی آور نیست ؟

خیر به هیچ صورت ، چه
تمام تدابیر لازم به خاطر ارتقای
سطح زندگی کارگران و دهقانان
در شرایطی صورت میگیرد که
دولت اقدامات همه جانبه را برای
تثبیت قیمت مواد استهلاکی ، نفتی ،
شکر ، آرد گندم نیز از طریق
سبسیادی های خود عملی نموده
است و به همین دلیل ثبات قیمت
در کنترل خواهد بود و هر
گونه نگرانی ای بر این اساس
بی موجب مینماید .

در کمک های کشور دوست
ما اتحاد شوروی در بخش اقتصاد
بعد از پیروزی انقلاب ثور به مقایسه
پیش از انقلاب ، آیا افزایش به
عمل آمده است یا خیر ؟

دوستی افغان و شوروی
سابقه طولانی و تاریخی پر افتخار
دارد ، چندی قبل ما شصتمین
سالگرد اولین قرار داد دوستی
افغانستان و اتحاد شوروی را تجلیل
نمودیم ، بعد از انقلاب ثور و به
خصوص بعد از مرحله نوین
تکاملی آن ، مناسبات عنعنوی
دوستانه افغان و شوروی از لحاظ
کیفیت ارتقاء یافته ، به مناسبات
برادرانه ، همبستگی انقلابی و
همکاری های همه جانبه مبدل
گردیده است .

سفر هیئت حزبی و دولتی
جمهوری دموکراتیک افغانستان
تحت رهبری بزرگ کارمل
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری
دموکراتیک افغانستان به مسکو در
ماه میزان سال گذشته و مذاکرات

افزایش خواهد یافت که در این
زمینه کافی است بگویم با نظر
داشت مشکلات منابع مادی و مالی
کشور بدون دریافت این نوع کمک
هاما نمیتوانستیم موفق شویم
تا تدابیر طرح شده خویش را در
قسمت از تقای سطح زندگی کار -
گران و ماموران در عمل پیاده کنیم .

افغانستان به مانند همه کشور
های در حال رشد ، کمبود کدرهای
کمبود کدرهای ورزیده را به
صورت جدی احساس مینماید ،
به همین اساس متخصصان شوروی
مانند داکتران ، معلمان ، انجیران
ساختمان و ترنران ، انجیرها و
متخصصان تکنیکی در تامين رشد
وانکشاف اقتصاد ملی ، معارف
وصحت عامه به ما کمک و مساعدت
های لازم را فراهم میسازند ،
گذشته از این اتحاد شوروی در
تربیه کادر های ملی افغانستان
سهیم ارزنده ای دارد ، همه ساله
مادر حدود یک هزار و پنجاه نفر

دختر و پسر جوان افغان را جهت
تحصیل و آموزش در انستیتوت
های اتحاد شوروی به آن کشور
اعزام میداریم و در سال ۱۳۶۰
بیشتر از یک هزار و پنجاه نفر را
جهت تربیه و تحصیل در مکاتب
تختیکم و کورس های مسلکی به
کشور دوست و همسایه اعزام
خواهیم نمود .

به اجازه شما می خواهیم
چشم اندازی داشته باشیم به روابط
تجارتی میان دو کشور افغان -
شوروی ، به نظر شما در گونه
روابط تجاری که به نفع هر دو کشور
باشد به مقایسه سال های پیش از
انقلاب چه تحولات و دگرگونیهای
به وجود آمده است ؟

حجم تجارت خارجی ما با
اتحاد شوروی به نفع طرفین
همه ساله افزایش می یابد ، چنانچه
حجم دوران تجارت خارجی ما با
این کشور در سال ۱۳۵۶ یکصد و
هشتاد و چهار میلیون دالر را تشکیل
داده است و اما طبق پلان ۱۳۶۰
مبلغ ۷۸۶٫۸ میلیون دالر را احتوا
خواهد کرد و یا به عبارت دیگر
۴۲ مرتبه افزایش خواهد یافت ،
اتحاد شوروی بزرگترین مشتری
عنعنوی مواد صادراتی افغانستان
بقیه در صفحه ۴۱

وقایع مهم جهان در سال ۱۳۵۹

داری با سرعت بی سابقه ای نسبت به سالهای پیش در حال گسترش کمی و کیفی است. در این کشورها مبارزه طبقه کارگر دیگر درچار چوب مطالبات روز مره اقتصادی باقی نمی ماند بلکه لزوم مبارزه علیه اثرات و عواقب ناگوار بهره جویی انحصارهای سرمایه داری را بیشتر می سازد و بیش از پیش ناتوانی سیستم سرمایه داری را درجهت حل معضلات مزمن مانند تورم و بیکاری آشکارا ساخته و ضرورت تحول بنیادی در آن جوامع به ثبوت می رسد.

مبارزه خلق های آسیا در راه صلح و امنیت:
کشورهای آسیایی تقریباً همه

بحران بیش از پیش بی ثمری خود را نشان داد. تحت تأثیر این بحران و با تشدید بیسابقه تضادهای امپریالیزم در مجموعه خود، این نظام ستمگر و غارتگر در صحنه جهانی دمیتم ضعیف تر گردید و محافل تجاوزکاران منفردتر شده اند و دامنه امکانات امپریالیزم برای حفظ مواضع خود تنگتر گردیده است.

جبهه عظیم نیروهای ضد امپریالیستی جهان گسترش روز افزونی یافته و از لحاظ کمی و کیفی بیش از پیش نیرومندتر می شود. جامعه کشورهای سوسیالیستی در داخل خود، علیرغم توطئه ها، فتنه گیری ها و تأثیرات منفی بحران های

باگنشت سال ۱۳۵۹، یکسال دیگر بعمر کره زمین افزوده شد و ورق تازه ای بتاریخ پر از نشیب و فراز جامعه بشریت اضافه گردید. سالی که آخرین روزهای آنرا پشت سر گذاشتیم، دنباله منطقی سال پیش و سالهای پیشتر است. سال نو، نشانه سرنگون شدن کهنه و ظهور نو جوانی و سرسبزی طبیعت، مظهر آرزوهای، پیروزی و امیدهای نوین برای کار و مبارزه است. اکنون در آغاز سال نو، به انحصار نگاه می بر و وقایع سالی که گذشت افکنده و از کانون های خطر از بحران ها و آشفتگی ها و بالاخره پیروزی ها و بیکار خلق های جهان، یاد آور می شویم:

سال ۱۳۵۹ سال پیروزی خلق ها سال پر توان تر شدن جنبش های آزادی بخش ملی، سال شکوفایی هرچه بیشتر جوامع سوسیالیستی و زرف تر شدن تضادها و بحران های جهان سرمایه داری. تشدید تضادهای درون اردوگاه امپریالیستی در گسترده های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، آیدلوزیک و غیره سراسر نظام غارتگر امپریالیستی را در جهان باتب و لرز تازه ای دست بگریبان ساخته و اقدامات سراسر سیمه زمامداران جهان امپریالیستی برای عنان زدن بر جلوه های مختلف



هزارمین سال تولد ابوعلی سینای بلخی در کابل - دوشنبه - تاشکند و ماسکو تجلیل شد (کتاب دانشنامه علایی ابن سینا)

مصیبت استعمار و امپریالیزم را دیده اند و برای طرد استعمار و حصول استقلال ملی، قربانی های بی شمار داده اند. دامن سیاه استعمار که جمع شده، امپریالیزم برای حفظ منافع آزمندانانه و بغارت بردن منابع و ثروت مردم آسیا به چهره دیگری نمودار شد و تلاش کرد با وارد کردن رخنه در اتحاد ملل و ایجاد مناطق داغ و بحرانی، ردیابی برای خود پیدا کند.

رنگارنگ دنیای سرمایه داری از رشد موزون و بدون بحران از گسترش شکوفایی در عرصه های مادی و معنوی برخوردار گردید. در طی سالیکه گذشته کشورهای سوسیالیستی در جهت تحکیم صلح، همزیستی و خنثی ساختن دسایس رنگارنگ محافل امپریالیستی، سعی زیادی بخرج دادند. بخش دیگری جبهه عظیم جهانی نیروی ضد امپریالیستی یعنی جنبش کارگری و دموکراتیک در کشورهای سرمایه



از بالا به پایین:

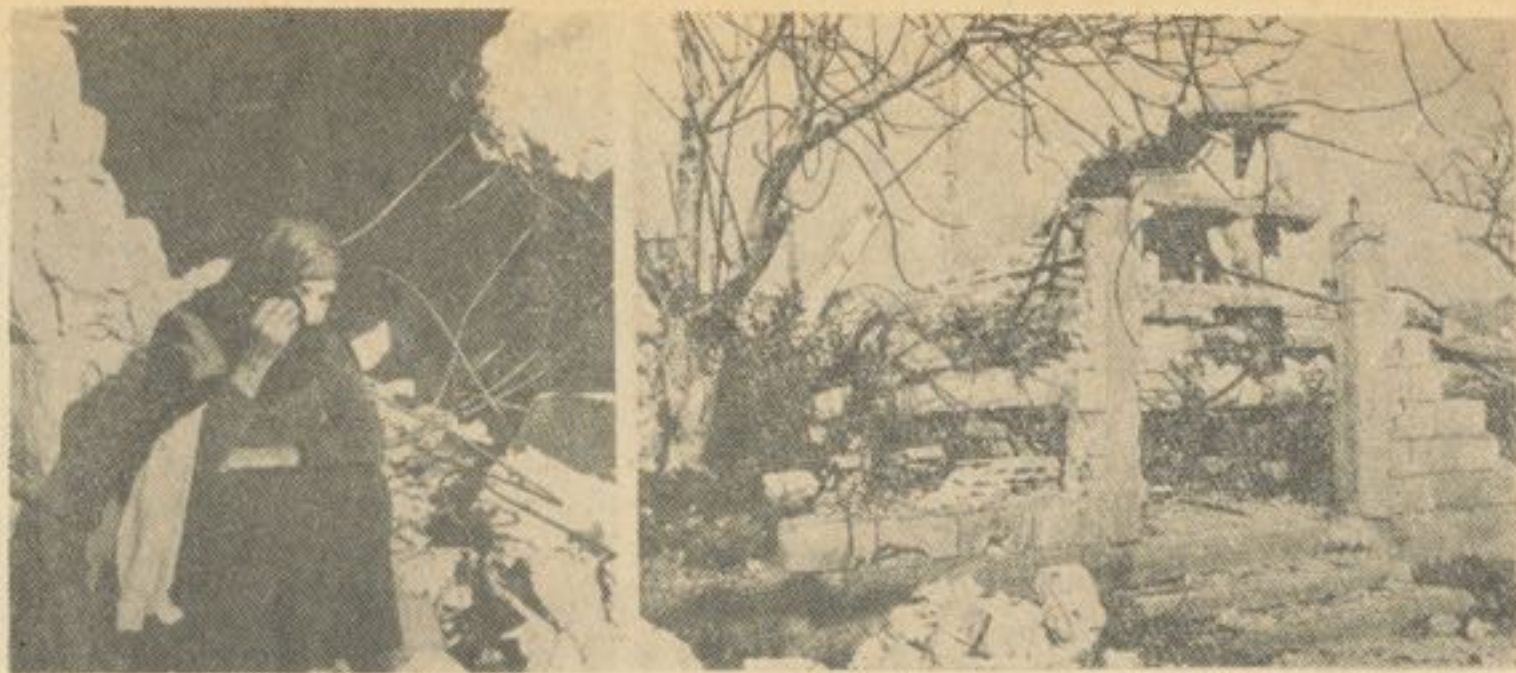
- * مبارزه خلق های زحمتکش افغان - نستان علیه امپریالیزم و ارتجاع داخلی و خارجی
- * مبارزه خلق های امریکای لاتین برضد غولهای چند ملیتی غربی.
- * مبارزه خلق های افریقا علیه اپارتاید و تبعیض نژادی.
- * امپریالیزم امریکا و شوونیزم چین بادزدان و ضد انقلاب افغانستان کمک می نمایند.



های وابسته که خود را به محور
عراده سیاست امریکا آ و یخته اند
تلاش مذبو خانه داشتند که از آب
های گل آلود شط العرب و خلیج
فارس ماهی بگیرند .

حوزه هند و چین :

تاریخ خلق های مبارز
هند و چین در برابر امپریالیزم پر
از قهر مانی های انتخار آفرین است
این مردمان قهر مان با نیروی
شکست ناپذیر خود راه طو لانی
مبارزه را برای آزادی -
دموکراسی و ترقی
اجتماعی پیموده اند . اگر چه بنا
شکست امپریالیزم امریکا در
ویتنام از حوزه هند و چین این امید
را قوت داد که بار دیگر که خلق
های هند و چین بجنگ و مصیبت
مقابل نخواهند شد اما مداخلات
پیهم شوونیزم عظمت طلبانه چین در
این کشور ها این امید را به یاس
مبدل ساخت . چین چندین بار برخاک
ویتنام قهر مان تجاوز مسلحانه
نمود که این اقدام چین در سرا سر
جهان شدیداً محکوم گردید . باز -
ماندگان باند جنا یتکار پول پوت ،
ینگ ساری بکمک مر تدان چین و
امریکا از خاک تایلند دست به
خرابکاری علیه دولت انقلابی
کمبودیا زده اما این همه دسایس
وتوطئه ها محکوم بر شکست شد .
برسمیت شناختن کمیو چیا از طرف
هند و روابط عمیق آنکشور بنا
کشور های سوسیالیستی وصلح -
دوست شواهد آشکارای افزایش
لطفاً ورق بزنید



امپریالیزم امریکا و صهیونیزم و ارتجاع عرب، لبنان را به ماتم نشانده است.

جهان زنده ساخت . مردم ایران
باچشمان پر از امید بسوی آینده
رو آوردند و این واقعیت روشن
گردید که امپریالیزم با همه لاف
وگرافش دیگر توانایی گذشته را
ندارد .

امپریالیزم امریکا
فشار های سیاسی و اقتصادی
خویش را در قبال تصرف سفارت
امریکا و گروگان گرفتن دیپلمات
های امریکا ، افزود ، اما در نتیجه
با سرازیر شدن دازائی های غارت
شده خلق ایران گروگان های
امریکا ئی رها شدند .

جنگ بین عراق و ایران که
بیامد منطقی سترا تیزی ریاکارانه
امپریالیزم جهانخوار ایالات متحده
امریکا می باشد ، در طی سال
جریان داشت . شواهد انکار -
ناپذیری بدست است که امریکا
در تبانی با چین و سایر کشور

افغانستان انقلابی مبدل شد . بحران
همه گیر اقتصادی و سیاسی جا معه
پاکستان را در بر گرفت این بحران
که پی آمد سیاست ضد مردمی رژیم
نظامی پاکستان و وابستگی ر و ز -
افزون آن به ارتجاع و امپریالیزم
بین المللی است بلا و قفه عمیق
گردیده و پهنای بیشتری کسب
کرده و در نتیجه اقشار وسیعتری
از مردم آنکشور را بمبارزه علیه
رژیم پושالی ضیاء الحق فرس
خواند . احزاب عمده سیاسی که
فعالیت های آنها از طرف حکومت
نظامی ضیاء الحق ممنوع قرار داده
شده است موافقه نموده اند که برای
از میان برداشتن حکومت نظامی
مشترکاً اقدام نمایند .

در سالیکه گذشت مردم ایران
یکبار دیگر خاطرات پر شور
انقلابی خود را با مبارزه ضد
امپریالیستی و ضد سلطنت در ذهن

آسیا بوسیله امپریالیزم
جنا یتکار مرکز تجمع واحد های
نظامی و بحریه های امپریالیستی
شده است و در اثر توطئه ها و
مداخلات امپریالیزم نقاط داغ و در حال
انفجار بمیان آمده است که داغ تنگ
بر پیشانی امپریالیزم و هندستان
ارتجاعی شوونیستی اش است .
سالیکه گذشت از یکطرف سال
رنج های بیکران برای خلق های
آسیا بود ولی از جانب دیگر سالی
بود که اراده بیکار جو یانه خلق
های زحمتکش در مبارزه علیه
امپریالیزم ، علیه ارتجاع و دستپان
چینی اش بحقیقت پیوست امپریالیزم
جهانی و در راس امپریالیزم امریکا
ارتجاع منطقه و جهان و توسعه طلبان
مرتد چین که با اصولی شدن انقلاب
ملی و دموکراتیک خلق افغانستان
نقشه های پلید شانرا نقش بر آب
دهند از یکطرف تبلیغات زهرآگین
و هستریک را براه انداختند و از
جانب دیگر نیرو های ارتجاعی و
ضد انقلاب را مسلح ساختند و
بخاک مقدس افغانستان ار سال
داشتند اما خلق افغانستان از شرف
آزادی و تمامیت ارضی شان دلیرانه
دفاع نمودند و بر بیکر دشمنان
خاک مقدس شان ضربات کوبنده
حواله نمودند .

نیرو های مترقی و دموکراتیک و
کشور های سوسیالیستی و در راس
اتحاد شوروی زحمتکشان افغانستان
را در دفاع از انقلاب افغانستان
و تمامیت ارضی شان یاری رساندند .
جها نیان بخوبی اطلاع دارند که
افغانستان در طی سال ۱۳۵۹ مانند
سألهای قبل آن در معرض تجاوز
دشمنان انقلاب و امپریالیزم و
شوونیزم قرار داشت . پاکستان
به پایگاه عمده تجا و ز بر علیه



موشه دایان باهدست امریکایی اش و انس روی پلان توسعه طلبی صحبت می کنند .



مبارزه مردم جاپان برضد جنگ و مسابقه تسلیحاتی

کشور های منطقه ، احترام به حق مستقل کشور های منطقه به منابع طبیعی ، عدم ایجاد موانع در راه های آبی منطقه با اساس پیشنهاد سازنده تبدیل بحر هند به منطقه صلح ، کنفرانس شورای صلح جهانی در تاناناریف مرکز جمهوری مگاسکاسی دایر گردید که در آن نود عیبات از چهل کشور مختلف جهان بشمول جمهوری دموکراتیک افغانستان اشتراک نمود .

شرق میانه:
بمانند سالیان گذشته ، امپریالیزم و ارتجاع عرب علیه جنبش آزادی بخش فلسطین ، توطئه دسیسه و سنگ اندازی داشتند ، برادر کشی در لبنان تمام مدت سال را بخود اختصاص داد . حمله صهیونیست ها به همدستی امپریالیزم بین المللی در راس امریکا ، بجنوب لبنان زخمی بر زخم های پیکر جهان متمدنی عرب و خلق های بید فاع و قهر مان فلسطین افزود . اسرائیل بدستور امریکا و متحدین آن با جاه طلبی خاص در طی سال گذشته یک و جب از اهداف شومش ، عقب نشینی نکرد . خروج مصر از جنبه ضد امپریالیستی ضربه شدیدی برای تمام جنبش عربی است امضای قرارداد کمپ د یوید از طرف سادات خاین نتیجه قانونمند مشی است که سادات از اول رسیدن به حکومت

ها ، ادامه جنگ بین ایران و عراق و تسلیح رژیم نظامیگر پاکستان توسط امریکا و چین تشنج را در منطقه ، آسیا و جهان بمیزان بسی سابقه افزایش داده است .

امپریالیزم امریکا و متحدین ناتو به بهانه مو هوم «تهدید شوروی» و برای به اصطلاح حمایت از «منافع حیاتی» کشورهای امپریالیستی در این منطقه از جهان که هزاران کیلو متر از آن کشور فاصله دارد به تمرکز خطر ناک نیرو های بحری ادامه میدهند و شبکه وسیع از پایگاه های تجاوز نظا می زادربحر هند و حوزه خلیج بوجود آورده است کشور هند و کشورهای صلحدوست منطقه پیوسته علیه تمرکز نیرو های امپریالیستی در منطقه مبارزه نموده اند .

لیونید بریزنیف در چنین شرایط حاد بین المللی بنا بر دعوت دولت هند یک دیدار رسمی و دو ستانه به آنکشور نمود و طی بیانییه موضع گیری اصولی صلح آمیز و قاطع اتحاد شوروی را تصریح نمود ، کشور شورا ها خواستار تبدیل بحر هند به ناحیه صلح پایدار بوده و بر آنست که بحر هند ساحه منافع حیاتی کشورهای این منطقه است نه از هیچ یک از کشورهای دیگر . طرح تبدیل بحر هند به منطقه صلح پایدار شامل اینست که عدم تاسیس پایگاه های نظامی خارجی و عدم تمرکز اسلحه ذرویی در خلیج ، جلوگیری از تهدید



یاسر عرفات: خلق عرب و خلق فلسطین پیروز شدنی است

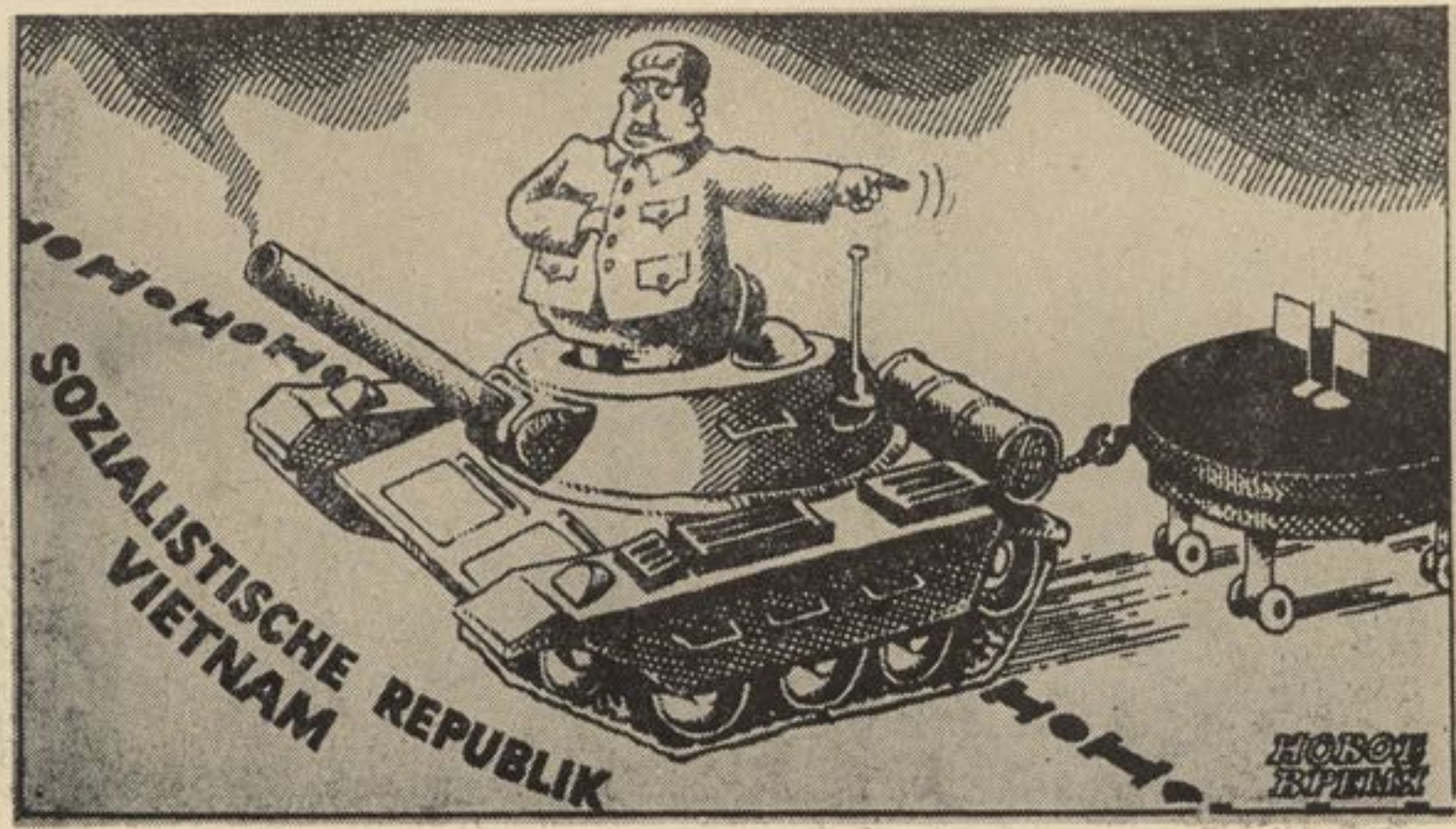
تاکمک های نظامی خود را به رژیم دیکتاتوری و خو نریز سیول که بکمک زور و سر نیزه امریکا در راس قدرت حفظ گردیده ، و سعت بیشتر بخشند .

بحر هند و جنوب آسیا:

کشور های عضو پیمان ناتو ، هرگز عونیست های خاین چین و جاپان برای تعمیل اهداف شوم شان ، بودجه نظا می شان را توسعه بخشیده و پایگاه های جدیدی را در مصر ، عمان ، صومال ، کینیا و سرا سر جهان اعمار می کنند . تمرکز قوای ضربتی ، امریکا در بحر هند و حوزه خلیج تمرکز طیارات جاسوسی امریکا مجهز با سیستم های عصری رادار ، دامن زدن های به جنگ های محلی و تهدید مستقیم کشور

حیثیت بین المللی کشور کمپوچیا می باشد .

قیام شکوهمند خلق رزمنده کوریای جنوبی رژیم دست نشانده سیول را تکان داد . موج عظیم قیام و نظهرات مردمی علیه امریکا ، بصورت موقت سرکوب شد اما در شهر کوانگ جو و شانزده شهر دیگر اطراف آن تظاهرات بصورت قیام خلقی تجلی یافت ، چکمه پوشان امریکایی و ارتجاع کوریا بقتل مردم پرداختند اما در زدو خورد ها هزاران امریکایی کشته و مجروح شدند ، محصلان و جوانان سلاح هارا به غنیمت بردند و جنگ چریکی را آغاز کردند . حکومت جدید ایالات متحده امریکا تصمیم بر آن دارد



مرتدان چینی ، در کشور قهرمان ویتنام مداخله نمودند .

پیشنهادات مشخص و عملی جمهوری دموکراتیک افغانستان را نادیده گرفتند و بعضی آنکه پیرامون موضوعات اساسی شرق میانه و جهان اسلام اعاده حقوق خلق فلسطین و افشای توطئه های امپریالیزم و ارتجاع بیرداند بدستور امریکا در باره افغانستان بحث کردند.

رهبران کشور های سو ریه ، لیبیا ، الجزایر ، جمهوری دموکراتیک خلق یمن و سازمان آزادی بخش فلسطین برای اتخاذ یک رشته تدابیر مشترک در مقابله با توطئه های تازه امریکا ، صهیونیسم و رژیم سادات در طرابلس جمع شدند این کنفرانس



نمایی از کنفرانس نامیبیا در ژنیو



انفلاسیون، در امریکا بیداد می کند و خلق های زحمتکش و کارگران را تحت فشار بیشتر قرار میدهد.

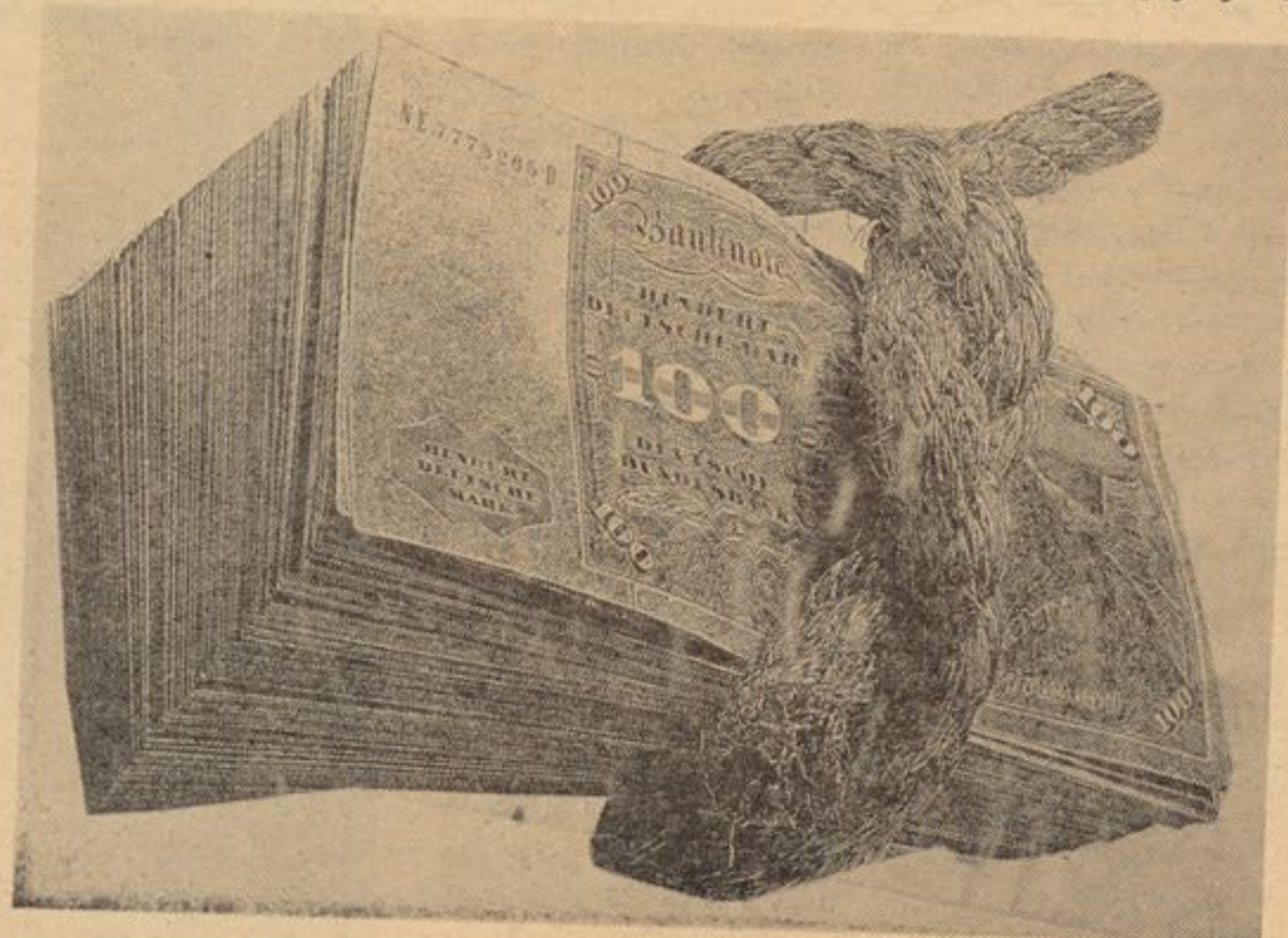
باتوجه به مذاکرات سادات بیگین در واشنگتن از اهمیت زیادی برخوردار بود. این کنفرانس از خلق های عرب خواست تا علیه دسایس امپریالیزم امریکا، مبارزه شانرا ادامه بدهند. ایالات متحده امریکا با کنار گذاشتن گفتگوها پیرامون بیطرفی در تصادم ایران و عراق تنها بیرون شومی را در جهت تدارکات برای مداخله مسلحانه در منطقه نفت خیز خلیج اتخاذ نمود. طیارات تانکر کی. سی ۱۳۵ انگلستان و همه سلاح های مرگبار و موشک وریسن امریکائی بصوب عربستان سعودی در حرکت شدند. واشنگتن بطور فعال متحدین ارو پایبندی اش را به آمادگی ها برای مداخله نظامی در خلیج کشانید. استراتژیست های ناتو پلان های عاجلی را برای مداخله در تنگه هرمز انکشاف دادند.

(ناتمام)

اوضاع در سرحد بین سو ریه و اردن طی سال ۱۳۵۹ کسب و خاست کرد و تمرکز قوا در هر دو طرف سرحد دیده شد. سوریه فعالیت های خرابکارانه مرتجعین را در داخل آن کشور خنثی ساخت محافل و حلقه های بر سر اقتدار ارتجاعی در عده از کشورهای اسلامی کوشیدند تا اوضاع کنونی افغانستان را بهانه گرفته سیاست ضد صلح و ضد دیتانت شانرا در ضدیت با افغانستان انقلابی و اتحاد شوروی سو سیالیستی به گرسی بنشانند، در هفته اخیر ماه جنوری ۱۹۸۱ کنفرانس سران کشورهای اسلامی را در مکه معظمه دایر نمودند و جهانیان مطلع شدند که سران کشورهای اسلامی

وانقلاب اسلامی ایران و تحولات جنوب آسیا و هند به پیکر امپریالیزم رسیده، جبران نماید. روزنامه لوموند بطرز نیشداری خاطر نشان میسازد که اسرائیل دعوی نقش (یگانه مدافع جهان سر ما یداری) در شرق میانه را دارد در حالیکه مصر ناگزیر است فقط به اجرای نقش «زناندار» منطقه قناعت کند. در سال ۱۳۵۹ بیرق اسرائیل در مصر برافراشته شد و سادات در برابر جنبش انقلابی خلق های عرب خیانت کرد. کسینجر از کشورهای عربی و اسرائیل دیدن کرد و این کشورها را به پل انتقال سیاست توسعه طلبانه امریکادر شرق میانه، خلیج، بحیره احمر، بحر هند تبدیل کرده است.

دنبال کرد. مصر بحیث ژاندارم منطقه در آمد و بر علاوه دشمنی با خلق های عرب، دشمنی خود را علیه خلق های افغانستان و ایران شدت داد. باز ماندگان شاه خاین ایران را تقویت می کند و برای حمله بر ایران، مصر را پایگاه نظامی امریکا ساخته است همچنان گروه های آدمکش دزد و ضد انقلاب افغانستان را تجهیز می سازد و از طریق پاکستان به خاک مقدس ماجمیت خرابکاری میفرستد. امپریالیزم امریکا بادستیاری مرتجعین منسطقوی اش از یکطرف می خواهد به چاه های نفت خلیج و شرق میانه حکمفرمایی داشته باشد و از سوی دیگر خساراتی را که در نتیجه انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان



امپراتوری دالر مارک و پوند رو به تزلزل می رود.

بعد از انقلاب این تقاضا را دارم
چرا که حالا همه مسایل جدی بطرح
می آید، جدی اجرا می گردد و هدف
عمده هم رشد فرهنگ و هنر است
در کاربرد فعالیت های این بخش .
- مگر آواز خوانان معاش ندارند؟
- دارند اما آواز خواندن جزء
وظایف اداری نیست .

- اجرا نمایش رادیویی و یا
تلویزیونی که هست ؟
- بلی اما من تا تداوی نشوم
آنها هم به اجرا نمی آورم .
- از این حرف ها بگذریم ،
اینرا بگو که تو چه وقت از رقابت
بامرده احمد ظاهر منصرف می
شوی ؟

- من نه بازنده احمد ظاهر
رقابتی داشتم و نه هم اکنون
بامرده اش دارم و تو بی انصاف باید
اینرا بهتر از همه بدانی که هم با من
و هم با احمد ظاهر بار حسابگفت
و شنود نشسته یی ، مگر تو ضیح
پایه های طبقاتی و مقایسه شرایط
هنری در درون هر طبقه معنی رقابت
را دارد ؟ احمد ظاهر بهتر یس
دوست من بود ، برای اولین بار در
آرکستر آماتور ها که در آن وقت
رهبری اش را به عهده داشتیم اولین
پارچه رادیویی اش را ثبت کرد ،

در عروسی اش پدرش نبود ، اما
من بودم ، اما هیچ يك از این
موارد نباید موجب گردد که من
عوامل پیشرفت را از دیدگاه خود
به بررسی نگیرم و این نظر دمی
که در دوران زندگی احمد ظاهر
هم ابراز شده است نباید رقابت
تلقی گردد و از همه اینها گذشته
من امتیازاتی دارم که کمتر
دیگران دارند بنابراین اگر پای
رقابت هم در میان باشد من رقابت
نمی کنم ، بلکه ...

- این امتیازات چیست ؟
- آواز خوان هستم ، کمپوزیتور
می باشم ، شومن هم هستم و نطاق
هم و ..

- پیش از اینکه سرم را بیشتر
از این به درد اندازد میگویم کافی
است به کارت برس ، اما اگر
امسال هم کار های هنری تازه ای
را ارائه ندی به سر خودت قسم
که ترا در تشییع جنازه هنرت دعوت
میکتم و مرثیه جانانه ای هم برایت
می سرایم .

- پس شاعری را یاد بگیر .
سال را برایش تبریک می گویم



ظاهر هویدا

پیوسته گذشته

نوشخندها و نیشخند

هایی با هنر مندان

اجاره داده یی که فکر نمی کنم اجاره
گیرنده یی هم وجود داشته باشد؟
با صدای بمش شروع می کند
به بخش اراجیف و منکه گو شم را
خیلی دوست دارم کمی از او دور
می شوم تا پرده ها ندرد و عمری را
گر نباشم میگوید :
- راست راستی دیگر مفت آواز
نمی خوانم و ...

- یعنی چه مگر تو از دیگر آواز
خوانان چه بر تری داری ؟

- بر تری ندارم و کوچک همه هم
هستم پول در بدل خواندن را هم
فقط برای شخص خود تقاضا ندارم
بلکه وضع مقرره ای را خواها نم
که به موجب آن برای همه هنرمندان
امتیاز های مادی در خور هنر آنان
داده شود .

- این تقاضا را که تو همیشه
داشته ای ، همیشه هم اجرا نشده و
باز هم همیشه خواننده ای ، هم نطاقی
کرده ای و هم نمایش رادیویی ساخته ای
حالا دیگر چرا ؟

- اصل مطلب همین جا ست که
من تا پیش از انقلاب شکو همند
نور هیچ توقعی از دولت نداشتم .
چرا که در آن وقت هم با فرهنگ
بازی می شد و هم با هنر ، اما

و شماتت می بستند و ما هم مشت
نمونه خروار در هر شماره چند عدد
آنرا چاپ می کردیم ، او چنان بی
تفاوت بود که گویا سخن در باره
دیگر یست و نه به خاطر او با همه
دلخونی که به همین سبب از او دارم
به سراغش میروم و به او میگویم
کم مانده است که خودم را در
تشییع جنازه کار های هنری ات
آماده کنم و مرثیه یی هم با عنوان
زنده آواز خوانی که سالها ست
مرده بنویسم ، آخر مرد حساسی
تنبلی را کنار بگذار ، آوازی بخوان
نمایش رادیویی و یا تلویزیونی
ای را به اجرا بگیر ، کنسرتی را
دایر کن ، کاری انجام بده و او
خلاصه می گوید هیچ يك از این
فرمایشات را قبول ندارم .
- چرا مگر بالاخانها را به

ظاهر هویدا که ماشاالله نظر
نشود چند سانتی کم دو متر قدو به
اندازه چند بلند گو قدرت حنجره
دارد از مدت هاست که در تلویزیون
ناهویداست و یاکم هویدا و از آنجا
که به خواست مردم اهمیت و ارزش
فراوان قایل است مردانه تصمیم
گرفته نه آواز بخواندونه هم «شو» ی
تلویزیونی و رادیویی اجرا کند در
سال گذشته جدا مشکلی شده
بود برای مجله ژوندون
چه نامه های مکرر فراوانی
که به خاطر یک مصاحبه چاپ شده
وی در همین مجله بما می رسید
آنقدر فراوان بود که می توانست
سوخت بخاری های همه کارکنان
ژوندون را کافی باشد و جالب اینکه
باوصف آنکه همه نگارندگان
این همه نامه او را به چوب ملامت

وشرايطی بهتر ، شاد ش می -
خواهيم .

از شوخی گذشته ذکيه كهزاد در باره
نظاتی عقیده دارد كه گوینده باید
هر آنچه را نمی داند بپرسد كه در
پرسیدن عیبی نیست و در غلط
خواندن هزار عیب است در ارتباط
با همین سخن وی به او خاطر نشان
می سازم كه در گویندگی خود ش
هم زیاد اتفاق افتاده كه كلمه ای
را غلط تلفظ کرده و یا مطلب را در
درست نخوانده و در این گوئنه
موارد عكس العمل بد تری هم از
خود نشان داده و آن خندیدن بوده
بجای معذرت خواستن از بیننده كه
این را هم قبول میكند و قول می-
دهد كه بعد ازین بكوشد چنین
نكند .

ذکيه همسر كهزاد نقاش چیره دست
وشناخته شده كشور است به قول
خودش به آثار شوهر خود و محیط
خانواده عشق دارد وانگیزه تمایل
وی به كار های هنری نیز جز
تشویق كهزاد و روشن بینی وی
نمی باشد و باز هم می افزاید
كه پذیرفتن نقش اول فلم «چشمه ها
می خندند» از طرف وی نیز صرفاً به
همین دلیل بوده است كه سناریوی
این فلم بر اساس نكاه میپاوتامرادی
های يك آر تیست جوان در يك جامعه
عقب نگه داشته شده به نگارش
آمده است .

ذکيه كهزاد گوینده تازه كار رادیو
تلویزیون كه چند سال پیش از این
در فلم هنری «مجسمه ها می خندند»
نیز ظاهر گردید و بعداً به دلایلی
كه روشن نیست فلم و نلم بازی را
بوسید و كنار گذاشت اینك دوست
دارد فعالیت هنری را از راه رادیو
وتلویزیون دنبال كند، از خصوصیت
های او یکی این است كه پیش از
دیگران آرایش می كند وقتی از او
پرسیم چند سال عمر دارد ، رك
وصریح جواب می دهد كه به این
سوال پاسخ نمی دهم و چه بهتر كه
توهم اصراری نداشته باشی،
وقتی در سوال دیگر از او می خواهم
توضیح دهد كه در وقت نظاقی
چرا بی جهت ولزوم سرش را تكان
میدهد خنده ای میكند و جواب می-
دهد نقصی است كه خودم هم متوجه
آن شده ام ، همیشه پیش از قرار
گرفتن در مقابل كمره نیز یادم
است كه این عمل را تکرار كنم اما باز
یادم می رود به او یاد آوری می كنم كه
پیری است و هزار علت و این هم یکی
از آن شماره كه سخت اعتراض
می كند كه چهل سالگی آغاز جوانی
است و تو آنرا هر حله پیری می -
دانی و سخنان دیگر از این قبیل ..



ذکيه كهزاد



محمد جان گورن

بعد از آن هم همین حادثه تکرار می-
گردد چنان كه يك هفته است
عكس خود را و عده داده و نشانی
به آن نشانی كه این مطلب بدون
فوتوی وی به چاپ خواهد رفت .
از حادثه های جالب زندگی او
مهمتر از همه این است كه او در
فلم نیمه دا كو منتری و نیمه
داستانی «دام مرگ» در نقش مرد
خانواده دو سنتی ظاهر گردید كه
زنش در اثر يك بیماری متداوم
وانگیزه فقر می میرد به این دلیل
كه او در موقعش نتوانسته وی را
تداوی كند و متأسفانه این حادثه
فلمی در زندگی واقعی او به حقیقت
پیوست كه امیدواریم غم آخر زندگی
او باشد .

باگورن به احترام غم بزرگی كه
به قول خودش و به نقل از صادق
هدایت چون خوره رو حش را می-
خورد و می گزد شوخی نمی كنیم
و این را می گذاریم به فرصت دیگر

و در آرزوی موفقیت های وی كه
تو سنتش دارم از او خدا حافظی
میكنم .

محمد جان گورن بعد از فاجعه
مرگ همسرش كه هنوز چند هفته
از آن نمی گذرد سیمای غمگین دارد
وزورگی می كوشد لبخندی به لب
آورد ، او كه همیشه در حال
هشیاری هم رفتار نشه ما نند
داشت بعد از این حادثه همیشه
گیج است و خلاف گذشته شمار
می نماید ، اما باز یگر توانست
و بدون شك آینده خوب در انتظارش
می باشد ، همیشه وعده فراوان می-
دهد ، اما یاد فرا موشی درد بیدرمان
اوست و از همه بدتر اینکه در هر
موردی كه وعده ای داده باشد هر
دوبای را دريك كفش می كند و اصرار
می ورزد كه او برای فردا وعده داده
بوده است و نه امروز و صد البته
كه فردا و دیگر فردا و فرداهای

زندگینامه ابرمردهای زنده جاوید تاریخ

این بیوگرافی با پرشورتر از هر قصه و پرکشش تر از هر افسانه ای است و بهین جهت ارزشمندی میجویم هم خود آنرا بخوانید و هم مطالعه آنرا به دیگر خانواده ها توصیه کنید.

بلخ در آن نیمروز آتشین ، در برا بر چشم تب آلود آفتاب میسوخت ، غرشی در شهر بود ، هنگامه ای بر خاسته بود ، آری بلخ میجوید - شید چون رود خانه ای که سیلاب بدان پیوسته با شد ، میخرو شید بدانگونه که دریا کف برد ها ن ، خرو شد و خور شید سوزنده تر از هر زمان ، در تن شهر میسوخت .

گروهی از بلخیان فریاد میکردند ، می غریه تند و میدویدند : - ((بخانه بهاء الدین محمد

میگذراند ، فرما نروا یا ن مینوا - ختنش و در بزرگداشتش میگو - شید ند ، لیکن اینک ، زمانه حرمتش بسر آمده بود : فرما - نروا ی بزرگ شهر ، از اورنجیده بود و مایه رنجشش این بود که بهاء الدین بی پروا بندش میداد و بند آن را در مرد به فرما نروا گران میا مد ... در این میا نه آنان که از نفوذ وی در درگاه فرمانروا بیمناک و ناخشنود بودند ، زبان به سعایت از او گشودند و اندیشه فرما نروا را تیره تر ساختند .

نیز آنان که از مشرب تصوف دل خوش نمیداشتند در بدگویی از او کوشیدند و یکبار شهر را بر بهاءالدین شورا ندند و عرصه

مولانا جلال الدین بلخی

زاده توفان و شوریده عشق

مردیکه از توفان توفنده تر و از آذرخش رخشنده تر بود

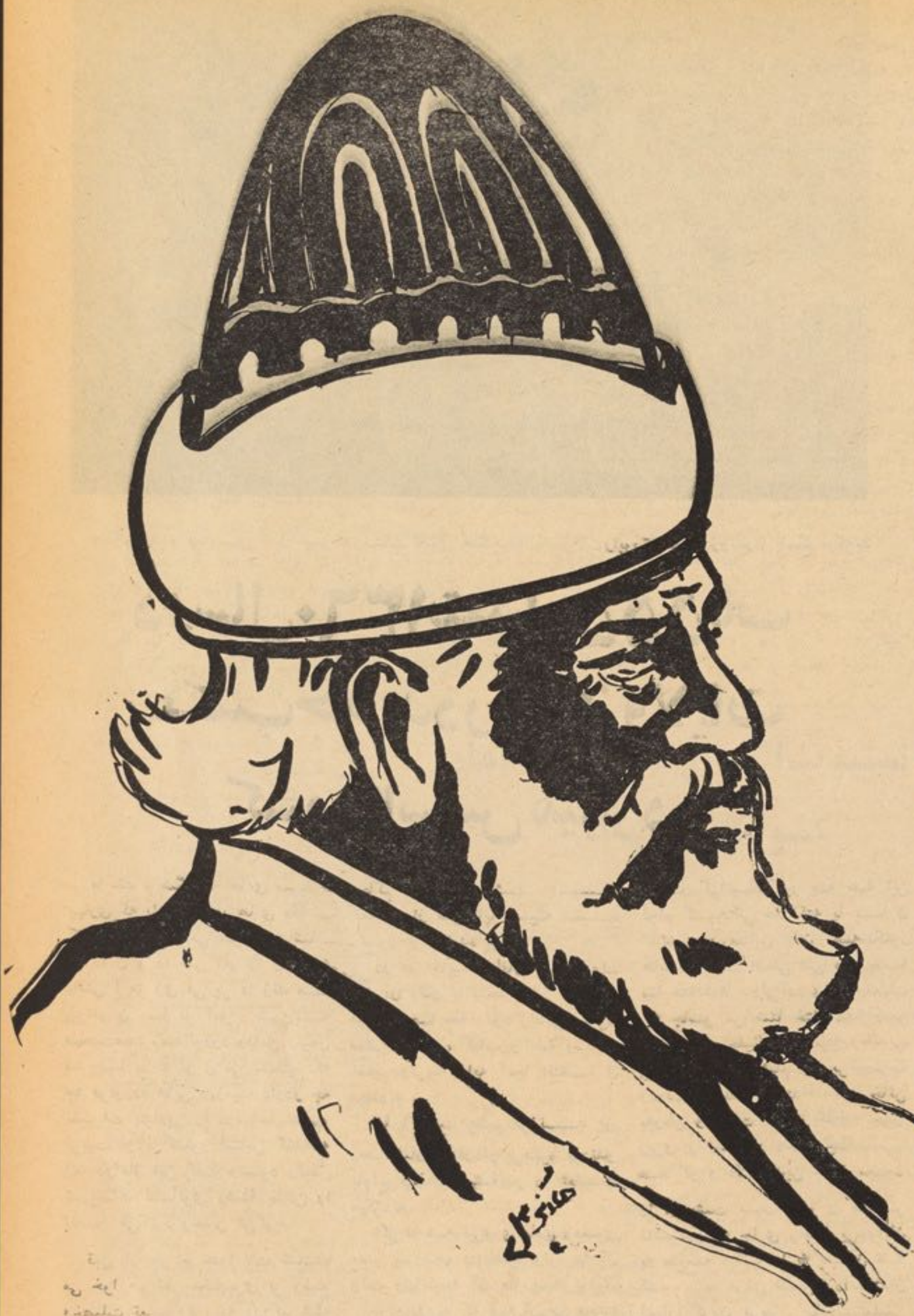
وسختی با خواننده مشکل بسند زوندون

استقبال گرم و تشویق محبت آمیز شما خواننده عزیز از داستان های که هر هفته زیر عنوان ((برگزیده هایی از ادبیات جهان)) از چند شماره به این سو به شما پیشکش میگردم ما را داشت تا باز هم کار ارزنده دیگری را در دست اجرا گیریم و گامی دیگر در جهت بهبود کیفی مجله برداریم تا با شد خواننده آگاه و چیز فهم زوندون را ضی تر از همیشه باشد . ما از این هفته زندگینامه ابرمردهای زنده جاوید تاریخ را به شما هدیه میداریم که از هر قصه ی شور انگیز تر و از هر داستانی پرکشش تر است و از شما میخواهیم با زهم ما را در این کاریاری دهید و با ارسال نظر ها و پیشنهاد های خود این مجال را فراهم آورید که هر هفته مجله خانوادگی شما زیبا تر و با محتوی بهتر بدست شما رسد یکبار دیگر از فرد فرد شما از همه خانواده های خواننده این تنها هفتگی نامه کشور که خود را با ما بیگانه نمیانگارید سپاس داریم و در انتظار نامه های محبت آمیز شما میباشیم.

میرویم ، بهاءالدین را با یسد بکشیم ... مردم شما هم بیایید ... تا نگر - یخته است بیایید .)) بر شماره عصیانگر آن لحظه به لحظه افزود میشد ، در یایی از جمعیت به حرکت در آمده بود و آهنگ خون بهاء الدین را داشت .

((بهاء الدین)) واعظ پارسایی از بلخ بود ، زبان آور ، خوش سخن و گرانمایه ، به صوفیان گرایش داشت ، پیروان فراوان داشت ، مسند تدریس داشت و فتوی میداد . زمان را در حشمت و حرمت

را بر او تنگ گردانیدند . خیل عصیانگران ، گذرگاهها را در می نوردیدند و شتابان به جانب خانه بهاء الدین روان بودند ، لختی دیگر بهاء الدین در شعله خشم غوغا گران میسوخت و تنش آماج ضرب بهای دست و پای این و آن میگشت ، ناگهان بیشتاز آن خیل فریاد کردند : ها ، اینک رسیدیم ... این خانه است ، در خانه را می شکنیم ! در چشم بر هم زدنی ، در شکست و فروریخت ، خیل غوغا گران به درون ریختند و سر در هر اتاق و حجره کشیدند و ناگهان خشمناکتر از پیش بانگ بر آوردند : آن مرد دروغ بر دازگر یخته است ، بر نا راستی اش همین



بس ، در بیرون شهر دنبالش
میکنیم .
بس در پی بهاء الدین تا ختند ،
لیکن وی را نیا فتند ، زیرا که
او شبانه گریزش را آغاز کرده
بود ، از پیش میدانست که آهنگ
هلاکش را دارند ، و اینک چند
منزل از بلخ دور گردیده بود .

گریز جان فرسای بود ،
بهاء الدین با همسرش ((مو منه -
خاتون)) و پسر چهارده ساله
اش جلال الدین میگریخت ، آنان
بیراهه راه میبیدند و در سنگر
صخره ها ، پناه میگریزند ،
هراس در جان شان بود ،
بیم داشتند بلخیان هر لحظه از
گرد راه در آیند ، بر آنان تا زند
وبه خویشان ، راه غبار آلود
سمرقند را رنگین سازند .

کاروان کوچک بیم آلود ، راه
می پیمود ، بهاء الدین زین لب
خدا را میخواهد و پسر چهارده
ساله اش را میگفت :

در همه حال خدا را بخوان ،
عشق او ترا از هر گزندی میر
هاند مبادا هرگز یاد او را به قرا-
موشی بسیاری ... نیز بتو می سپارم
که آزمو ده را هرگز نیا ز ما ثنی
به هیچ روی نزد خلق از رازها که
در سینه داری دم مزن که خاق
تاب شنیدن ندارد و بی بر وادل
به هلاک تو می سپارد ...
آنکو نه که دیدی آهنگ
هلاک من کرد .

جلال الدین بند پدر پارسای خو-
یش را که براسستی بینای کار بود
و بینش زرف و پهنای داشت ،
می شنید و بدان میاندیشید .
وی از آن گریز بیم انگیز ، نکته
ها آموخت و هرگز لرزه های
آترا از لوح خاطر نشنست ، این
نخستین روز یاد زنده گی جلال الدین
بود ، مرد یکه از توفان تو خنده
تراز آذر خشن رخشند . تر
بود .

کاروان کوچک ترس ترسان
در ((و خشن)) خیمه افکند و
سپس در سمرقند ...

سمرقند یان ، مقدم سخنور
دا نشمند بلخ را گزای داشتند
وبه زودی آوازه دانشوری بهاء -
الدین محمد ، جو پندگان دانش
دین را چون پر واینگان بیبر وای

بزودی از میان برخواستند و گریز
که هراس مرگ آسای دیگر باید
جا نشین آری میگردیدند : آنها را
فتنه مغول ...
بقیه در صفحه ۱۰

و پدر و پسر ، هر دو هراسان
بودند : مردم ممکن بود قبرستان
گان فرما ترزای بلخ سز ر سز
و آندو را در خون خویش شنست
لیکن این هراس



عبدالودود (وفامل) رئیس تدریسات ثانوی هنگامیکه به سوالات راپورتر مجله ژوندون پاسخ میگوید

درس سال ۱۳۶۰ به تعداد ۵۵۵ باب

مکتب جدید در هرگز ولایات

کشور تاسیس دیگری

مردم آگاه و وفا دار به آر قسی و نهضت آرام نه نشستند ، از کوته قلفی های پل چرخ تا سنگرهای بین المللی همه عناصر بر افتخار در اطراف حزب دیمو کرا تیسک خلق افغانستان حلقه زدند، امین و باند فاشیست وی را به گودال تاریخ سپردند . بعد از هر حله نوین تکاملی انقلاب نور آن چنانکه در همه ساحات نظم و به هم پیوستگی به میان آمد تعلیم و تربیه نیز بربر- نسیم های علمی و انقلابی بار دیگر شروع به توسعه و تکامل نمود که تاکنون گام های متین در این راه برداشته شده است.

گرچه عناصر ضد انقلاب ایمن وطن خروشان و خائنان تلاش می ورزند تا سد راه پیشرفت ما گردند و مشکلات را در سیستم تعلیمی ما ایجاد نمایند . ولی هیچ گاه تاریخ به عقب بر نمی گردد و این آرزوی شان همراه با خود شان به گورستان سیاه خواهد رفت.

همبستگی مردم ما با حزب و دولت ما را متیقن میسازد که همه دسایس دشمن نقش بر آب است .

از رئیس تدریسات ثانوی می پرسیم که آیا درس سال ۱۳۶۰ چه پلان های را برای بهبود وضع تعلیمی مکاتب کشور روی دست گرفته اید.

وی در پاسخ میگوید :

با وجود آنکه در میهن محبوب ما تا حال نیز همان سیستم تدریسی کهنه رواج دارد و زارت تعلیم و تربیه برای بهبود وضع درسی مکاتب ثانوی پروگرام های مختلفی را در سال جاری روی دست گرفته است بدین معنی که وزارت تعلیم و تربیه به امر انتخاب معلمین و رزیده و مسلکی توجه جدی مبذول داشته دروس مکاتب را اولاً به آن عده از معلمینی می سپارد که در رشته مذکور تحصیلات مسلکی داشته باشند و از عهده تدریس مضامین بوجه احسن بدر آمده بتوانند . همچنان در قسمت کارهای عملی شما - گردان در مضامین سیانسون چون کیمیا ، فزیک و بیولوژی که در لا براتوارها اجراء میگردند توجه زیادی بعمل آمده است .

قبل بر این دروس مکاتب کشور دارای جنبه های زیاد نظری بود و به جنبه های عملی آن کمتر توجه صورت میگرفت . در اکثر مکاتب

و دموکراتیک ثور به همه این لجام گسیختگی ها نکته باستان گذاشت و مطابق پلان ، همه سکتور ها به اهداف اصلی اش متوجه ساخته شد . ولی دیری نگذشت که جاسوس شناخته شده (سی - آی - ای) حفیظ الله امین و باندی فرهنگ و خون آشام وی بر حزب و دولت مسلط گشتند . این خائن به وطن و نهضت در تبه کاری ، خون ریزی و استبداد دست چنگیز - هلاکو و علاء الدین جهان سوز را از پشت بست و چون هتلسر فاشیست به جای رهتایی جوانان به مدرسه ، آنها را به پلیگون ها کشید . به عوض تقدیر از دانشمندان آنها را گردن برید . سیستم تعلیمی را از سر تا پا به بی راهه گشتاند . و اهداف اصلی و تربیه در شرایط انقلابی را به کلی فراموش کرد ولی باز هم در برابر این همه بی بی مسئولیتی ها و ناپسا مانی ها ،

حاکم تخصیص داشت . سیستم تعلیمی از سر تا پا وسیله تبلیغ کلتور غرب شده بود .

در هر جاییکه اطفال فرمان روان آن وقت با متحدینش که طبقه فیودال جا معه بود زندگی میکرد معلم ، مکتب ، کتاب و همه وسایل تعلیم و تربیه را به آنجا انتقال میدادند .

اما اکثریت عظیم فرزندان زحمتکشان ما از علم بی بهره بودند و باریج و عذاب پیشه پدر را تعقیب میکردند .

اگر ما همه نیروی مادی و معنوی مصرف شده در تعلیم و تربیه آن وقت را بابتیجه آن مقایسه نماییم خواهیم دید که همه آن بی محتوا و بی نتیجه بود . زیرا سیستم تعلیمی آنوقت از هدف اصلی اش در مجموع به سوی دفاع از منافع طبقاتی چند فامیل محدود منحرف ساخته شده بود . ولی انقلاب ملی

با مقدم شگوفه های سپید - بهاری که بار دیگر در های مکاتب کشور گشوده می شوند و شانگردان و دانش آموزان ما به دانش آموزی می پردازند ما پیرامون مسایل آموزشی به صحبت محترم عبدالودود وفامل رئیس تدریسات ثانوی می نشینیم که چه فراورده هایی در زمینه دارد و چه تغییرات بنیادی را در ساحه تعلیم و تربیت اولاد کشور اساس گذاشته اند در آغاز این گفت و شنود رئیس تدریسات ثانوی رشته سخن را بدست میگیرد و چنین میگوید :

قبل از طرح سوالات شما می خواهم نظر مختصری بر وضع و خصلت تعلیم و تربیه در گذشته و خصلت سیستم تعلیمی بعد از انقلاب نور افکنم .

تعلیم و تربیه در زمان فرمانروایی اهل نادر در مجموع به حفظ منافع طبقاتی چند فامیل بی فرهنگ

کشور لا برا توار و جود نداشت که کارهای عملی شاگردان در آن صورت بگیرد و یا اگر و جود هم داشت بنا بر عللی استفاده شاگردان از آن صورت گرفته نمی توانست و اکنون چنین مشکلی در معارف کشور و جود ندارد و وزارت تعلیم و تربیه آن عده از لا برا توارهای مکاتب را که بدون وسایل ضروری بودند به کمک کشورهای دوست با وسایل و لوازم ضروری مجهز نمود است و عده دیگری را که وسایل کافی در دسترس داشتند و لی بنا بر عدم موجودیت پرسونل فنی و ورزیده از آن ها استفاده مطلوب صورت نمی گرفت به کمک مرکز سیانسی از لحاظ پرسونل فنی تجهیز نمود است. بهمین قسم برای آنکه شاگردان مکاتب به دروس عملی خود علاقه و پای بندی خوب نشان بدهند وزارت تعلیم و تربیه تصمیم گرفته است که در هر مضمون یا نژده یا پنست بنام کار عملی به سر جمع نمرات شاگردان در امتحان افزوده شود اجرای این امر مصله خوبی در تطبیق کارهای نظری و عملی شاگردان بوده می تواند و در قسمت اجرای کارهای عملی در لا برا توارها اعضای مرکز سیانسی و مرکز تدریسات ثانوی عملا با شاگردان و معلمین مکاتب سهم می گیرند

در گذشته ها رسم بر این بود که اعضای تدریسات ثانوی فقط در روزهای امتحان بحیث نمایند ریاست تدریسات ثانوی از جریان امتحان مکاتب مرافقت بعمل می آوردند ولی امسال در این قسمت تجویز علییده می صورت گرفته است.

بدین ترتیب که اعضای تدریسات ثانوی بدو قسمت تقسیم شده اند: گروه اولی آن هایی اند که برای هر یک از آنها دو یا سه مکتب سپرده می شود. این گروه همیشه برای تقویت معلمین مکاتب مربوط دروس نمونه می تهیه می نمایند و از طریق ارائه آن در محضر شاگردان و معلمان میخوانند معلمان را بامتود های جدید تدریسی آشنا بسازند به طور مثال: آن عضو ریاست تدریسات ثانوی که در رشته تاریخ وظیفه دارد درس نمونه رادر همان مضمون تهیه نموده بعدا به مکتب مورد نظر می رود و در محضر همه

معلمان مربوط به دیپارتمنت تاریخ درس تهیه شده را به شاگردان یکی از صنف های مربوط ارائه می دارد و تمام معلمین رشته مذکور به طور مشاهد آن را می بینند و می شنوند. بعدا معلمین همان مضمون وظیفه دارند که مطابق همین درس نمونوی که قبلا از طرف نفر موظف تدریسات ثانوی در حضور ایشان داده شده است، دروس خود را عیار سازند و در مورد ارتباط درس نو و کهنه، طرح سولات برای درس آینده و غیره معلومات ارائه بدارند. اهمیت این موضوع در قسمت ارائه اصول تدریس از طرف عضو تدریسات ثانوی در محضر معلمین و شاگردان در این است که: از یک طرف وقت شاگردان ضایع نمی شود و از طرف دیگر عضو تدریسات ثانوی می تواند وظیفه خویش را به پیش ببرد. به طور خلاصه میتوان گفت که در سال جاری همه دروسهای مکاتب به طور منظم و پلان شده به شاگردان ارائه میگردد.

گروه دوم اعضای تدریسات

مکتب و یا در سطح مقامات بالا تر از آن. طوری که دیده می شود تالیف اینگونه پلانها در ارتقای سطح دانش شاگردان و از جانب دیگر عیار ساختن معلمین با پلان کار روزمره آنها بسیار از زنده و موثر است و یقین کامل داریم که از آن نتایج خوبی بدست خواهیم آورد. جهت دوم مسئله مربوط به تشخیص استعداد های نهفته شاگردان است بدین معنی که در این مورد تصمیم گرفته شده است تا کمیته هایی مرکب از معلمین و شاگردان در مکاتب کشور تاسیس شوند و در ساحه های مختلف به کار آغاز نمایند. این کمیته ها وظیفه خواهند داشت تا بهترین نقاشان، مجسمه سازان، خطاطان، رسامان و غیره را از میان شاگردان مکتب مربوط انتخاب نموده آنها را در رشته مربوط راهنمایی نموده آن عده از آثار، نوشته ها و پارچه های هنری، ادبی و غیره را که توسط شاگردان تهیه شده اند جمع آوری نمایند و از این پارچه ها و آثار نندار

انستیتوت اکمال تخصص معلمان کشور تاسیس شد

ثانوی بنام گروه نظارت از تطبیق پلان درسی یاد می شود و این هائیز مانند گروه اول بر اساس تقسیم وظایف مکاتب رامیان خود تقسیم می نمایند و همه روزه به مکاتب مربوط خویش می روند و پلانهای کار آنها را مشاهده می نمایند و این گروه وظیفه دارد تا از تطبیق پلانهای که قبلا توسط گروه پاولی به معلمین و مکاتب ارائه شده است نظارت و بررسی نمایند و برای خود معلوم نمایند که آیا معلمین از دروس نمونه می که قبلا در محضر ایشان داده شده است تا چه حد استفاده نموده اند. آیا استفاده کامل صورت پذیرفته است یا خیر؟ و از سوی دیگر در یافت نمایند که پلانی که قبلا برای معلمین داده شده است تا چه حد تطبیق شده است؟ اگر نشده است علت آن چه بوده و علت عدم تطبیق آن در کدام سرحد میتواند رفع شود در سطح اداره

تون هایی تشکیل بدهند و برای تشویق شاگردان در زمینه های مذکور با ایشان مصاحبه های صورت گرفته از طریق روزنامه ها، مجله ها و تلویزیون به نشر برسند. از آن جایکه والدین شاگردان در پیشبرد و بهتر شدن پروسه تعلیم و تربیه اولاد ایشان نقش بزرگی را دارا می باشند ما کوشش بعمل می آوریم تا والدین شاگردان را در پروسه تعلیم و تربیه سهم مستقیم بدهیم و زمینه تبادل افکار با پدران و اولیای شاگردان را هر چه بیشتر مساعد سازیم و حاضریم انتقادات و پیشنهادهای آنان را در زمینه بهتر شدن وضع تعلیمی اولادشان بپذیریم و به فرزندان آنها چنان درسی بدهیم که مطابق به خواست خود آنها و جامعه ما باشد. علاوه بر آن ما به کمک مستقیم

اولیای شاگردان در تعمیر و ترمیم مکاتب نیاز مند هستیم و از آنها درخواست مساعدت می نماییم. وی در مورد اینکه تا کنون چه تغییراتی از لحاظ ماهوی در سیستم تعلیم و تربیه مکاتب به میان آمده است چنین ابراز نظر می نماید: در این مورد نکته ای که قابل تذکر می باشد این است که با وجود آنکه سیستم جدید تعلیم و تربیه به دوره ثانوی نرسیده، ولی باز هم ریاست تدریسات ثانوی به عوض بعضی عناوین نا ضروری که در کتبدرسی مکاتب وجود داشت عناوین مهم و ضروری ایراکه در رشد ذهنیت شاگردان سخت کمک می کند داخل نموده است و از طرف دیگر مضمون جدیدی را بنام (جامعه شناسی نو) می خواهیم در مکاتب کشور تدریس نماییم و اطمینان کامل داریم که کتاب مذکور بزودی در دسترس شاگردان قرار خواهد گرفت و عجلتا ما عناوین کتاب مذکور را در اختیار معلمین مربوط قرار داده ایم تا برای شاگردان مکاتب الی رسیدن کتاب مذکور تدریس گردد. با اطمینان کامل میتوان اظهار داشت که کتاب مذکور در شناخت اساسات تکامل جامعه به شاگردان سخت کمک خواهد کرد.

هنگامیکه سیستم جدید ما به کارافتد سیستم کاملاً فشرده و بهم بسته می خواهد بود که میان صنوف و مضامین مکاتب ارتباط قائم خواهد کرد و هیچ صنفی با صنف دیگر و یا هیچ مضمونی با مضمون دیگر بی ارتباط نخواهد ماند ماقبل از رسیدن و به کار افتیدن این سیستم بهم بسته تداوم بیاری را که در فوق از آن تذکار بعمل آمد برای بهبود وضع ماهوی سیستم درسی کشور روی دست گرفته ایم.

از رئیس تدریسات ثانوی تقاضا بعمل آوردم تا در مورد سرنوشت آن عده از شاگردانی که مکاتب مربوط آنها در اثر حملات خائنانه عناصر ضد انقلاب در سال گذشته ویران و یابو آتش کشیده شده اند و بنا بر موجودیت عللی آن ها نتوانستند در سال گذشته به دروس خویش ادامه بدهند

بقیه در صفحه ۲۲
بخوانندگان محترم مجله ژوندون معلومات ارائه بدارد، چنین بیان داشت:

بوندر چوك اكتور دوست داشتني مايا بوندر چوك خوبتر ين رژيسور معاصر سينما . بوندر چوك خيلى سخت گير ودقيق است چه تمثيل كند يا رزى نمايد تمام قدرت خود رابه آن معطوف ميدارد مثل اينكه اين آخرين كاروي باشد تيب وكر- كتروي چنان است . هنگام بازى نقش تمام نيرو خود را به كار مي اندازد وهيچگاه تابع اراده رژيسور بيست وبراي كامل ساختن نقش از تجربه ها بيكه از زندگي آموخته استفاده ميكند .

چند نقشي وي از نظر گر كتر وتيب خيلى با هم نزديك بودند اما باآنها هم كدام شخصيت جداگانه از هر نگاه متفاوت با مهارت اكتور توانا عرضه شده وكار خلاقي وي مورد تايد واقع گرديده است . قهرمان وي كسانى بودندكه در زمان جنگ ميزيستند وتمثيل زندگي آنها احساسات و عواطف آنها براي عسكرو ديروزي كه خودش شاهد بوده و آنها را خوب درك ميكند طبيعي است .

قهرمان فلم از سر نو شت انسان شوكلو ف در ميان خون و آتش و دوزخهاي هيتلري خوبتر بين عواطف انساني را حفظ مينمايد واز دشمن نفرت دارد .

اين قهرمانان انسانها ي عادي باسر نوشت هاي خيلى تراژيكي اما در حال انسان ها ي داراي عواطف بزرگ انساني اند . در بين قهرمانان وي گراف بيزا و خوف «جنگ و صلح» جنرال ((اتللو)) قرار دارند او هيچگاه رول منفي انسان ها ي لاوبا لي رابازي نكرده است .

در فلم ((آنها به خاطر ميهن شان جنگيدند)) بوندر چوك يكبار ديگر باقدرت تمام ظاهر شد . بوندر چوك اصلا عقيده داردكه اكتور شخصيت اصلي فلم است . در انستيتوت سينما توگرافي هر آنچه از زندگي آموخته با تجربه هاي هنري خود در اختيار جوانان قرار ميدهد .

كار كردن براي هنر مندان جوان با بوندر چوك خيلى دلچسپ است زيرا باوجود شهرت جهاني او خيلى مهربان بوده خود را ي ديكتاتور نيست زمينه را براي جوانان مساعد ميسازد تا آنها بتوانند بيا موزند و بيا فرينند.

شهرت بين المللي كسب نمود . چار لي چاپلين اكتور ((فقيد)) انگلستان فلم «سرنوشت انسان» را عالي ترين فلم خوانده بسود لرانس او ليف اكتور ديكر انگليسي بعد از تماشا ي فلم «اتللو» نامه بروجد براي اجرا كنده نقش «اتللو

پدر سرگي بوندر چوك كارگر بود تا سن هفت سالگي در يك قريه او كرايين زندگي مينمود . از طفوليت طبيعت را دوست داشت غروب و طلوع را در دشت ديده وسبزه ها را بو نموده بود آنچه روح اورادر طفلي نوازش كرده براي ش جاويد



سرگي بوندر چوك در فلم «سرنوشت انسان»

يعني بوندر چوك فرستادو چنين او راستود با ني ريسا ليزم جديد ايتاليا رو بير تو روسسيلني براي اجرا ي يكي از نقش هاي عمده فلم «نصب در روم شب بوده» از بوندر چوك دعوت نمود . بوندر چوك فلم بزرگ تاريخي ((جنگ و صلح)) را ساخت و با موفقيت بي نظير در پرده هاي بزرگ دنيا درخشيد و براي وي اسكار به ارمغان آورد .

پرديسور ايظا لوي دينو دي لا- اورنيستس از بوندر چوك تقاضا كرد تا فلم ((واتر لو)) را رزى نمايد . دوست داران هنر بوندر چوك در تمام قاره ها فراوانند اكثرا به مجله ((فلم شوروي)) نامه هاي زياد ميرسد كه در آنها تذكر رفته

گشته وبه همين اساس بعد ها فلم عشقي ((دشت)) را ساخت . در استوديوي تياتري شهر سيتوف درس خواند . در زمان جنگ با فاشيزم همراهي قشون تمام راه هاي شكست و بيروزي را گذشتانند مرگ را به چشم خود ديد . زندگي را فهميد . آغاز كار سرگي بوندر چوك در سينما توگرافي خيلى عالي شروع شد هنوز محصل بود كه براي اجراي نقش اول دعوت شد . وي قبيل از اينكه تحصيل خود را تمام كند مدت ها قبل به شهرت رسيده بود . درسي و دوسالگي لقب آرتيست مردمی اتحاد شوروي را كمي نمود . اولين كار رژيسوري وي فلم ((سرنوشت انسان)) بود وبراي ش

ستارگان

افسانه

ساز

ترجمه از : وافي
سرگي بوندر چوك
رژيسور اكتور
و معلم



بوندر چوك در فلم «اتللو»

یلینا پرو کسلوا



یلینا پرو کسلوا در نقش ناتاشا-فلم ((باد را جستجو کن))

بوندر چوک شخصت سال دارداما
خستگی ناپذیر بکارش مصر و ف
است . آرام بود .

دختر بوندر چوک ناتالی بوندر
چوک راه پدر را گرفته و در چند فلم
موفقانه بازی نموده است .
درین فلم ها حصه داشته:
(قشون جوان) ، (ماماوانیا)
«پدر سرگی» ، «اتللو» ، «ترا مس
شو یچینکو» ، جنگ و صلح ، آنها
به خاطر میهنشان جنگیدند و یکی از
موقعیت بیستروی .



بوندر چوک در فلم ((جنگ و صلح))

فلم رنگه ((باد را جستجو کن))
که درین اواخر با موفقیت خیلی زیاد
در سینما های کابل به نمایش
گذاشته شد و از زیبا یی های خاص
برخوردار بود .
این فلم از ساخته های استودیو
سپوردلو فسکی شوروی میباشد .
سناریو فلم از وقایع سال های قرن
بیست است .
سناریست و کارگردان فلم
ولادیمیر لیو بو مودروف و کمره مین
آن ولادیمیر بوندار یوف است .
رژیسور سناریست معلومات
کافی در قسمت اسپها دارد زیرا
سائها قبل او در مسفلم رهنا یی
کروپ کاسکاد ها بود .
این فلم از زمان جنگهای داخلی و
از قهرمان هاییکه به خاطر خوشختی
مردم به استقبال مرگ رفتند حکایت
میکند . برای رژیم سورا انتخاب کسانیکه
وی به آنها ضرورت داشت خیلی
دشووار بود . در این فلم ما می توانیم
کارهای مختلف را تماشا کنیم
صحنه که بالای اسپها فیر میکنند
واسپها بالای آنده که فیر نمایند
حمله ور می شوند خیلی مهیج است .
درین فلم کو نونوف ، گری کودیف
حصه داشته و یلینا پرو کسلوا در
نقش ناتا شاخیلی عالی بازی نموده .

بویژیت باردو



بویژیت باردو بعد از وداع از
سینما شروع به نوشتن کتاب
نمود .
و در بهار سال ۱۹۷۸ او لنین
کتاب خود را به نشر سپرد .
این کتاب ((نواونتا گو ساله
سفید)) نام داشت و برای اطفال
نوشته شده بود .
کتاب دوم وی برای دفاع از
سنگها نشر شد . و درین اواخر
کتاب سوم وی به ضد شکار از
چاپ برآمده است .

زلمی خاخی

پسرلی اود هغه ذکر په پښتو شعر او شاعری کی

د وکال څلور فصله دی ، هر فصل خان ته بیلخوند او کیف لری به دی څلورو فصلو کی د چا منی خو ښیری د چا او پی او بیا لازمی چا ته ښه ښکاره کیږی . مگر په دغو څلورو فصلو کی کوم فصل چی هر ساکښ یعنی دانسانانو ، حیواناتو ، شینلیو (نیا تات) الو تونکو خو - ښیری هغه نو ښایسته پسرلی دی .

څرنګه چی د پسر لی مو سم دخو ښی او خوشحالی موسم دی هر څوک خوښ وی او غواړی چی د پسر لی د زړه را ښکو ونکی موسم څخه د زیات نه زیات خوند واخلی نو لکه څرنګه چی دیوه لاس گو تی سره یو شان نه دی همدارنګه په انسانانو کی هم تفاوت لیدل کیږی چی دا تفاوت د ذهن ، دماغ ، شعور ، هیجان ، عاطفی او احساساتو له مخی وی . نو همدغسی شاعر په انسانی ټولنه کی د زور درک او د رنگین ذوق خاوند وی هره پښه او هر څه ته د زړه او د دماغ په سترګو څیر کیږی نو ځکه شاعر نسبت نوروانسانانو نه پسر لی ته ډیر ښه هرکلی وایی .

شا عران ځکه پسر لی ته ډیره خو شحالی څر گندوی چی به دی فصل کی د طبیعت او کایناتولپاره یوه نوی او ښایسته کونکی دوره را غلی وی په دی فصل کی له سپیرو میرو ، غرو ، جلگو اود بیغلو خوانانو به اور بلو او پکر یو کسی او ښایسته کلو نه لیدل کیږی او له هره ځایه د خو شیبو یی خوږی وږمی پورته کیږی . د پسر لی به صفت کی که هر څومره و لیکو نه خلا صیږی ځکه چی د پسر لی صفتو نه او انعا مونه ډیر دی .

دا د و منلی وا قعیت دی چی شعر او شاعری به هره ژبه کی شته او دهری ژبی لیکوالو او شا عرانو په خپلو اشعارو کی پسر لی ستایلی دی خو پښتنو شاعرانو پسر لی ته ډیر ښه او اوچت مقام ور کړی دی او هغه یی ډیر ښه ستایلی دی . لومړی به پسر لی د پښتو په کلاسیک ادب کی وڅیړو وروسته به یی به معاصر شاعری کی وگورو بیا به یی به ولسی شعر او شاعری کی و څیړو .

دو لسی شاعری نه موغرض دادی چی په لنډیو ، بکتیو ، نیمکیو ، چا ر پښو ، او د ا تن په سرو کو کی به یی و څیړو چی گران لوستو نکی د ښه نه ښه خوند ترینه واخلی . ښکارندوی چی د غور یا نوددوری شاعر وه د پسر لی په باب کی یو لویه قصیده لری او د پسر لی یا دونه داسی کوی :-

د پسر لی ښکلو ونکی بیا کړه سینکارو نه
بیا یی ولونل به غرونو کی لا لو نه
ځمکه شنه لا ښونه شنه لمنی شنی شوی
طیلسان زمر دی و اغو سته غرو نه
دنيسان مشا طی لاس دمچید دی
هر غلرو باندي و ښکلل ښو نه

د غټو لو جنډی خاندی وریدی ته
زر غو توبڼو کی نا خی زلمی جو نه
لکه ناوی چی سوږ تیک په تندی وکا
هسی وگا ټل غټو لو سره پسرلو نه
هر غلری چی او ره و خو نولیه
په خلای سوه را ښه خیاره د ښتونه
زر غو نو ځمکو کی ځل کا لکه سو ریه
چی پر هسک با ندی څلیری سپین گلونه
زرغو ن ز میند اوری د پسر لی به باره کی ښه اشعار لری یو خو بیتونه یی دادی:

پسر لی شو غنجه گل کا زلفی ناوی د سنبل کا
بلبلان شور و فغان کا کړ یدن په گلستان کا
زاهد و زی صومعی څخه شراب پیری میخانی څخه
هر سړی به میو مست دی دی بهار کی گلپرست دی
خوشحال خټک د خپلی لو یی شاعری نه یی پسر لی هم له یاده نه دی ایستلی ، خو شحالخان په دی عقیده دی چی هر شی او هر څه دخپل یار او معشو قی سره گډ او یو ځای ښه خوند کوی لکه چی وایی :

د بهار د گلو نو صفت خو کسرم ولی بی یاره هر گل د زهر و جام دی
او بیا د پسر لی هر کلی داسی کوی :
ښه چی را بیدار شوی د بهار زپړ په گله
تل یادونه عند لیب په هر نفس کړی .
عبدالرحمن بابا چی داشعاروسره یی هر پښتون آشنا دی .
د پسر لی به باره کی وایی :

بلبلان بسی ناری وهی رحمانه د بهار گلونه شوی دی که نه دی؟
محمد هوتک بن داؤد د پښتو خزانی مؤلف د پسر لی به باره کی داسی وایی:

بی له میو د بهار ننداره څه کړم
پسر لی شو دخو ښی یو پیغام را
دنیا پا ته ده ښا دی مویو کړی وی
یو کړی می خوښ که می کړی انعام را
داوه د پښتو دکلاسیک بر خسی دیو خو شا عرانو شعرو نه د پسر لی
په باره کی اوس به وگورو معاصر شاعران د پسر لی به باره څه عقیده او نظر لری .
عزیز الرحمن ممنون د پسر لی به راتک ډیره خو شحالی څر گند

لکه د بڅمل شنه شوه او دا جهان بېر ته ځوان بښکاري دا اغيزه د
 پسرلي بولي :
 ځمکه تما مه شنه بڅملي ده نوي بها ردي د کال خواني ده
 دا ټول جهان چي بيرته ځوان شي اغيزه ټوله د پسرلي ده
 او په بل ځای کي وايي :

پسرلي کي که دگلو ننداري کړي هيروي مه دا د بلبلو زيار تو نه
 ار واح بناد استاذ قيام الدين خادم دپسرلي په هکله داسي
 وايي :

ننداري ور ته سجده کا محوه کيږي له حير ته
 بښتونخواناوي سينگار شوه د بهار له برکته
 دا وادي ، هوغه دره ده دغه رودهوي آبشار دي
 دلته بناهلته بازار دي منظر ي دي بيش قيمته
 او په بل ځای کي وايي :

توري ، توري ، سپيني سپيني ، غورسکي غور سکي ورځي وينم
 مرغري څا څي او ري له آسمان څني رانښکته
 شني بڅملي راڅ پري شوي دو طن به څرو د بستو
 چمندو نه هر خوا جوړ شول دما لي له محنته
 په راتک دي تازه گي شوه کاي نا تدي کړه بیداره
 ته په خيراغلي بهاره ، ته په خيراغلي بهاره
 اوس به وگورو چي پسرلي زمونږ په ولسي ادب کي څرنگه
 ستايل شوي دي . دو لسي ادب نه زمونږ مطلب لنډي ، بگتي ، چاربيتي ،
 غزلي ، نيمکي ، سرو کي دي چي دهر يوه نمونه به وليکو :
 پاتي په ۵۰ مخکي

وي اوددي دپاره چي پسرلي ته پيښه هرکلي ويلي وي غوتي ته وايي
 چي دپسرلي وږ مو ته په خندا شه او توري تياري ته وايي چي دتحول
 ديوو ته وځانده او وايي :

اي خو ږي غوتي د پسرلي وږموت ته وځانده
 اي خوږي اسري دنوي کال نغو ته وځانده
 اي توري تياري د تحول ديوو ته وځانده
 زر شهله زر شه دا څلي آرزو ته وځانده
 پو هنوال ډاکتر مجاور احمدزيار پسرلي ته داسي خپله

خو شحالي څرگندوي او وايي :
 چي نسيم د پسرلي بيا دغو ږيو نه سپري
 سم و غر د څمکي واږه سره لاله گلونه سپري
 نصر الله حافظ پس له دي نه چي په خپلي خواو شا کي پي دپسر-
 د شپو ور څو له نشاط او علا مو نه معلو ميري

دروښانه لمر دڅړيکو بلو شونه معلو ميري
 دسيندو نو له څپو او ږي بکو نه معلو ميري
 دسبا دخوږ نسيم له چليدو نه معلو ميري
 دشپو نكيو د شپيليو دنغو نه معلو ميري
 دزلميو دمستيو اتښو نه معلو ميري

د بنيادي قاصدي وخته گر خيدلي لي بهلي دي
 چي راغلي سرلي دي چي راغلي پسرلي دي
 ار واح بناد استاذ گل پاچا الفت په دي عقیده دي چي دا ځمکه



نانهایی



از هفت اقلیم

تنظیم و ترجمه از: میر حسام الدین برومند

راکت‌های اتومی امریکا تهدید بزرگی برای صلح جهانی

بیش از بیست و پنج فیصد دانش مندان و انجیران در همجو کشورها در صف دامن زنده گان جنگ قرار دارند. حالانکه باخلع سلاح کامل سیصد میلیارد دلار در اختیار بشر قرار میگیرد و با این پول میشود به طور مثال برای کشور های روبرو انکشاف یک بخش بزرگ زندگی شانرا تامین نمود و در مرفوع ساختن بسیاری از پروبلم‌ها و نیازمندی‌های بشر نایل آمد. بر سبیل مثال تدابیر محافظت بین‌المللی جهانی، توسعه پروژه‌های مواد کیمیایی بگونه‌هایی که برای زحمتکشانی که در فابریکه‌ها کار میکنند هوای داخل فابریکه شفاف و تصفیه شده باشد. ... در کشور های عقبمانده که نفوذ قدرت‌های سرمایه‌داری بر آنان مسلط میباشد هرگز کاهش وقت کارگران و بلند بردن مزد آنان مطرح بحث نبوده، بر خلاف همه

بشریت مترقی خود را ناگزیر میداند و پیوسته جدیت به خرج می‌دهد تا علیه نیروهای جنگ طلب که هر آن جنگ سرد را دامن میزنند، برزمد تاباشد که با اختتام بخشیدن مسابقات تسلیحاتی صلح پایدار برقرار گردد. معذالک به‌طور مستدام از نیروهای صلح طلب حمایت به عمل آمده است. هزینه نظامی جهان سرمایه‌داری امروز به (۴۵۰) میلیارد دلار بالغ میگردد مگر چرا چنین سرمایه‌هنگفتی وقف تولید اسلحه گردد نشرات مطبوع، رادیو، تلو یزیون و تمامی وسایط ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی جهان کاپیتالیستی با اشکال گوناگون نود الی صد فیصد ایدیو-لوژی مسموم کننده و زهر آگین را بخش می‌کنند و بدینتر تیب خود بخود پروگرام تولید تجهیزات نظامی روز تاروز گسترش بیشتر می‌یابد که چنین نشرات همواره با پرو پا کند ها و دروغ‌های شاخدار که بیشتر منافع کشور های کاپیتالیستی را دربر می‌گیرد، توأم میباشد. این انتی سوسیالیست ها اند که علیه ترقی پسندان قرار گرفته اند. سیاستمداران زور نالیستان، نویسندگان یک مسوولیت بزرگ را متقبل گردیده اند از آنان دعوت شده تا طبل جنگ را بصدا بیاورند. مسابقات تسلیحاتی به طور روز افزون برای زحمتکشانی

کشور های کاپیتالیستی یک اندوه و محرومیت بزرگ رابه بار آورده است که بر سبیل مثال جنبش های معدنچیان در کشور های غربی خود مویده این امر است. کاهش مزد کارگران معدن یکی دیگر از نمونه های حق تلفی کارگران در جوامع کاپیتالیستی است چه پولیکه از این راه تدارک و صرفه جویی میگردد مخارج تجهیزات بيمورد نظامی غربی از همین راه فراهم میگردد. به طور مثال: یک وسیله زرهی (لیو پا رد بیست و دو) چنان قیمت گزاف دارد که با آن میشود برای (سی و شش) فامیل منازل سه اتاقه اعمار گردد. بجای یک قایق تحت البحری موسوم به (تریرنت) میتوان (دو صد و چهل) شفاخانه به قیمت سی و پنج میلیون کرون دنمارکی ساخت و یا هم برای شانزده میلیون طفل مصارف یکساله تحصیل را پرداخت. جای بس نگرا نی است که تخنیک و دانش در کشور های کاپیتالیستی برای اهدای مخربانه استخدام گردیده است و در دست در جهت مخالف و به عوض توسعه و رفاه بشریت، هفتاد و پنج میلیون نفر در خدمت نیرو های جنگی قرار دارند و یا به عبارتی در فابریکه های تجهیزات اسلحه های اتومی مصروف کار اند و مستقیما در خدمت جنگ قرار داده شده اند. بدین حساب



در شهر مونیخ آلمان فدرال مردم هم صدا با هم میگویند ما راکت های اتومی را در کشور خویش نمیخواهیم.

مسابی در جهت مخالف منافع کارگران بوده است. تاکید برای خلع سلاح عام و تام و پیروی از تصامیم هلسنکی، جدیت برای قدغن اسلحه های اتومی، بیطرفی و پایان بخشیدن مسابقات تسلیحاتی از مسایلی است که همه وقت ملل مترقی بدان ارج گذاشته و برای تحقق آن بذل مسامی نموده است.

در زمینه شعار همیشگی ملل مترقی همواره این بوده است: ما علیه همه نیرو های اعتراضی مینماییم که با همه ذرایع میکوشند حقوق ملل را پایمال، بر بریت بردگی، بیسوادی، فقر و بیچارگی

بنفع نیرو های صلحدوست و ترقی پسند تغییر بیا بد، سترا تیزی اضلاع متحده امریکا پیوسته چنان بوده که مسابقات تسلیحاتی را گسترش بخشید. فعالیت های مغرضانه امریکا خاصتا نقطه اتکاء دیکو کار سیا، ارسال یک تروپ مداخله گر در اوقیانوس هند، سوگند علیه دولت انقلابی افغانستان و ارسال اسلحه در پاکستان، همه و همه از تضاد های مستقیمی است که باعث تابسانمانی ها گردیده و مغایر خواست هلسنکی است. در پلان های کشور های شامله نا تو، اشکال راکت های جدید اتومی نیز

شامل است که این خود در نیات بشر دوستانه ملل متمدنی خدشه وارد نمی آورد. در جنبش صلحخواهی فرانسه در ماه مارچ گذشته مجموعاً (۲۰۰۰۰) نفر در لستی امضاء کردند که علیه راکت های (ناتو) ترتیب

یافته بود. آنان اعتراض شانرا علیه هستری جنگ طلبانه در اضلاع متحده امریکا ازین طریق به واشنگتن رسانیدند و عزمینة مسابقات تسلیحاتی را غیر انسانی وانمود کردند.

تاسیس مکتب شبانی در ویتنام

اینک بدین تازگی ها یک مرکز جدید به منظور تربیه و پرورش گوسفندان در جمهوری دموکراتیک آلمان در حوزه موسوم به ((هالی)) رویکار آمده است. در واقع این مرکز جدید حیثیت مرکزی را دارد که در بر گیرنده تمام فعالیت های حرفوی در امور تربیه حیوانی میباشد. از نگاه فعالیت های جدید این مرکز، فعالیت یک چوپان به مراتب بیشتر رویای وروما-نتیک میباشد تا مشاغل دیگر. درین حوزه عده کثیری از چوپانان به منظور فراهم آوری معلومات در تغل چوپانی گرد آمده اند چه تربیه مویشی خوب بیشتر متضمن آنست که شبانان ما هر عرض وجود نمایند. شبانان درین مرکز با اسلوب تربیه مویشی را به طریق جدید آن آشنا می حاصل خواهند نمود. البته درینجا مریون مجرب با خستگی نا پذیر می تمام

درین امر مساعی به خرج می رسانند چه محصولات حیوانی در اثر توجه چوپان با تجربه خواهی نخواهی ارتباط مستقیم دارد. دانشمندان حیوانی یونیورسیتی (کارل مارکس) نیز در جمله مریون مرکز تربیه مویشی ما فوق الذکر شامل اند. گزارشی حکایت از آن دارد که محصولات پشم، گوشت، پشم و مشتقات آن چه از نگاه کمیت و چه از نگاه کیفیت رنگ بهتری خواهد گرفت و حسب توقع و نیاز مندی تولیدات حیوانی مذکور بالا خواهد رفت. در اثر تربیه مویشی که توجه شبانان نیز تاحدی در آن دخیل میباشد کیفیت و کمیت تولیدات حیوانی بمراتب ازدیاد یافته و در سطح بالا تری از تولید قرار خواهد گرفت. در اثر این دگرگونی ها مسلماً ذخایر تولیدات حیوانی گسترش و کسب فزونی خواهد نمود.

روی همین اطمینان است که حتی از دور ترین نقاط جهان مریضان را برای تداوی درین جنگل دور افتاده، گسیل میدارند. اکثراً این شفاخانه در خدمت آنان قرار دارد که سراسر عمر شانرا وقف خدمت به مردم نموده اند و در اثر حملات و فیر های دشمن معیوب گردیده و بدن شان صدمه دیده است. در واقع این شفاخانه بیشتر در خدمت آنان قرار دارد که با چنین سرنوشتی رو برو میگردند. در اثر تلاش های مداوم متخصصین و کارمندان طبی شفاخانه مذکور است که در آن ناحیه توبر کلو ز یکسره



چند تن از مریضان را از کشور های زیمبابوی، موزمبیق، لاوس و کمپوچیا در یکی از گوشه های شفاخانه جنگلی، مشاهد مینه بید

شفاخانه جنگلی در خدمت

زحمه کشان ملل متمدنی

((شفاخانه جنگلی)) بسرای مبتلایان به مریضی های گوناگون ماحول ((دوبین)) که یک محل آشنا و مطلوب بست. این محل به فاصله نه چندان دور از شهر در منطقه ((هالی)) که خود یکی از مراکز مشهور صنعتی میباشد، واقع نشده است.

صنوبر و غوش و بوته های هموقت پراز شکوفه محافظ گردیده است. مریضان در شفاخانه مذکور با عطر دلغریب و فرحت بخش که شمیم آن نوازشگر دماغ است. کاملاً آشنا و بلداند و بدون شک اینهم عطر هادر راه صحتیابی مریضان، موثریتش را زود بجا میگذارد. در شفاخانه جنگلی متخصصین اورتو پیدی که

به عوض بوی دارو هاییکه د کلینیک ها معمولاً به مشام میرسد در شفاخانه مدرن (شفاخانه جنگلی) عطر دلپذیر علفزار ها و چمن ها و گلها، مشام انسانرا نوازش می دهد. اطراف شفاخانه مذکور تا فاصله بیست متری آن بادر ختان

خودش از میتود های درمانی خوب در جمهوری دموکراتیک آلمان میباشد به اسرع وقت در تداوی مریضان میکوشند. مسئله عمده همانا درمان مریضان شفاخانه مذکور بر خلاف تمام شفاخانه های دیگر به وسیله نباتات است.

نابود گردیده است. جالبتر از همه در (شفاخانه جنگلی) یک حمام نیز ساخته شده که بنام (حمام کلینیک دوبین) مسماست که مخصوص مریضی های جلدی و همچنان جگر و شش بوده و مریضان در اثر عرق کردن درمان میشوند. دکتر ((دیتر یونگ میشل)) دکتور طب شفاخانه مذکور که در ضمن بحیث متخصص اورتو پیدی سراسر آلمان دموکراتیک ایفای وظیفه مینماید. وی توانسته با یک پیاله داروی مایع که تازه مواد دارویی مذکور را کشف کرده، به خوبی مریضان تداوی میگردند. مسشد زیاد در خور توجه آنست که از ممالک آسیا، آفریقا و امریکا لاتین مریضان بیشمار را درینجا برای علاج می آورند.

لبنان، ایتوپی، مانی، سودان و گینا بیساو درین جنگل تحت معالجه قرار دارند. یکتن از نظامیان ایتوپی موسوم به ((دانیف ساییو)) که در اثر جراحت یک فیر چشم چپش را از دست داده و بازوی چپش نیز تایت قسمت شانه اش فلج گردیده بود. درین شفاخانه در اثر شعاع و ماساژ و همچنان یک پروگرام ((تمرین حرکات اعضا)) مذکور به سادگی درمان گردید. مجروح خودش مدعی است که بزودی و بدون تحمل و مشقت چنان درمان گردید که به مشکل میشود باور کرد که مجروحی بدین سادگی درمان گردد. محمد شریف یکتن از دهاقین افغانی که در اثر حملات یکی از باند بقیه در صفحه ۴۳

زنان کشور با سلاح علم و دانش مجهز می گردند

زنان حماسه ساز افغان دارای همه صفات و طن دو ستی - شجاعت - شهامت - دلیری - رزمندگی و حماسه آفرینی بوده اند. آنها در عمل پیاده کرده با الخاصه در مواضعی که استقلال و تمامیت ارضی کشور از طرف دشمن بکدام خطر مواجه گردیده دو ش بدوش پدران - برادران و فرزندان خود رزمیده و تا آخرین ر سق زندگی و تالق و قمع کلی دشمن، علم مبارزه را بر افراشته نگاه داشته اند.

زنان افغان در انجام وظیفه مقدس و سنگین مادری که به عهده آنها میباید در تعلیم و تربیه اولاد خود هر نوع تکلیف و زحمت را متحمل شده تلاش میورزند تا فرزندان لایق و طنپرست و مردم دوست بجا مع تقدیم کنند بسایقه این احساس عالی و شهادت صفحات تاریخ زنان افغان دهها فرزندان، حکیم، دانشمند، نابغه، حماسه آفرین و تاریخ ساز را در آغوش خود پرورش داده بوطن و مردم خود تقدیم نموده اند که هر یکی آنها آثار ارزشمندی از خود برای ما باقی گذاشته اند علاوه از آن که به علم، فرهنگ، ادبیات و کلتور کشور ما غنای خاص بخشیده اند مایه سر بلندی وطن ما و تاریخ کشور مانیز میباشند.

زنان افغان علاوه از نظم و ترتیب منزل، بخت و پز و غیره در کارهای دیگر مانند زراعت - مالداری، دهقانی، کار در دستگاههای بزرگ صنعتی و به کار انداختن ماشینهای غول پیکر با مردان خود داری نکرده دو ش بدوش آنها کار کرده اند و جز اینکه هر کار و وظیفه که بزنان

افغان از امور اداری تا کارهای علمی و فرهنگی محول گردیده آنها صادقانه و بنوع شایسته انجام داده اند.

زنان افغان از تمام سجاایات عالی انسانی، اخلاق حمیده، تهذیب - رحم و شفقت برخوردار بوده استعداد هر نوع خلاقیست، ابداع، ایجاد - ابتکار و هنر آفرینی بر آنها موجود است مثال با زنان قالیبافی زیبا - نفیس مستحکم و بادوام کشور ماست که شهرت

جهانی دارد اکثر آنها محصول زحمت، ذوق عالی و هنر آفرین زنان افغان است و لسی به کمال تأسف باید یاد آور شد باوجود این استعداد شگرف و عالی که در زنان کشور ما موجود است مگر طی قرون و اعصار و در رژیم های منسوخ گذشته در جهت انکشاف و شکوفائی هنر و استعداد شان توجه بعمل نیامده این طبقه زحمتکش هیچ وقت بخاطر مقام انسانی شان قدر نشده بلکه بخاطر استعداد و هنر شان بحیثیت یک متاع مادی و ماشینی تولیدی استفاده

گردیده از محصول کار، زحمت و عرق ریزی شان که روزها را به شب و شبها را در زیر چراغهای تیلی در عقب کارگاهها سحر می نمودند از آنها طبقات حاکمه فاسد ار با بان، ملاکین، سرمایه داران فیودالان کمپرا دوران و دلان پول پرست استفاده کرده و به سرمایه های خود افزودند.

دولت های خائین و ارتجاعی گذشته این دشمنان اشمنی تا بندیر مردم و ترقی کشور ما با این عمل خصمانه و ضد انسانی خود سد بزرگی را در برابر این عناصر

دینامیک - فعال - زحمتکش و با استعداد و طن ما که اضافه از نصف نفوس را تشکیل میدهند بوجود می آورند و کشور باستانی و تاریخی ما را صدسال از کاروان ترقی علم و تمدنیت عقب انداخته استعداد های خلاق ملیون ها زنان افغان را ضایع و رایگان به باد فنا دادند این جرم عظیم آنها را مردم و تاریخ وطن ما فراموش نکرده آنها را هرگز نخواهد بخشید.

زنان با احساس و وطنپرست افغان با درک این شرایط و احوال و شناختی که از دولت های بی مسئولیت ضد مردمی آنوقت افغانستان داشتند فقط اندکی بعد از تاسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان و آغاز فعالیت انحرزب در جهت سقوط رژیم های میراثی فیو دالی و ما قبل فیو دالی که از سالهای متمادی در کشور ما مستقر بود به مبارزه آغاز نمودند و تحت رهمنائی و رهبری دایمانه و زحمات خستگی ناپذیر و متداوم دکتور انا هیتاراتب زادن با شهادت، فداکار و مبارز افغان بعد از جلب و جذب یک تعداد زنان و دختران منور و وطنپرست کشور در سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در چوکات حزب دموکراتیک خلق افغانستان به فعالیت خود آغاز کردند در تمام شرایط سخت دشوار، ترور و اختناق دوره سیاه سلطنتی چه بشکل علنی و چه به صورت مخفی بدون کوچکترین خوف و هراس به مبارزه برحق و عادلانه خویش تا پیر و زی انقلاب ثور به کمال شجاعت و با یمردی ادا می دادند بعد از یک مدت که انقلاب ثور به اورد سیسه و توطنه دشمنان داخلی و خارجی

و ارتجاع منطقه و بین المللی به سرمداری امپریالیزم امریکایی جها نخوار علی الر غم اهداف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و آرزوی تمام مردم عذاب دیده افغانستان از مسیر اسیسی آن به بیراه کشانده شد امریکایی جهانخوار جاسوس مشهور و سر سپرده و اجنت خود حفیظ الله امین این خائین بوطن و مردم را در افغانستان به مسند قدرت رسانند این مستبد خون آشام بی نظیر تا ریخ و با نند ترور یستی او مطابق هدایت ار بابان امریکایی شان به کشت و کشتار سایر مردم بیگناه ما شروع کردند تمام اعضای اصلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به شمول اعضای سازمان دموکراتیک زنان افغانستان تحت آزار، شکنجه، ترور قرار داده و روانه زندانها و کشتارگاهها کردند ا نعهده اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و اعضای سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که از سا طور جلادی و آدمکشی امین و باند تروریستی او جان بسلامت بردند در جهت سقوط و از بین بردن رژیم خون آشام امین و باند تروریستی او دست از مبارزه نکشیدند تا اینکه شش جدی سال ۱۳۵۸ مر حله تکاملی شکوهمند انقلاب ثور به پیروزی رسید و مردم و انقلاب را از بیراهه نجات بخشید در جمله ای صدها پرابلم که از دولت های ارتجاعی سابق برای دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بمیراث باقی مانده از آن جمله یکی مساله آزادی های انسانی و حماسه جانی از حقوق زنان کشور بود که مبرم تران مساله بیسوادی زنان است که تقریباً نبود و هشت فیصد آن از نعمت نوشت و خوان محروم اند بنا بر ان از سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که سالها در راه احقاق حقوق زنان کشور مبارزه بی امان نموده و در روشن ساختن از هان و افکار زنان و طن کوشش و تلاش زیاد کرده توقع می رود که مطابق اهداف عالی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مساعده های مادی و معنوی دولت توجه خاصی وزارت تعلیم و تربیه در ساحه

خدمات خود را در امر مبارزه بای سواد بی و با سواد ساختن تمام زنان کشور با تدوین کورسهای سواد آموزی در سرتاسر کشور همچنان در روشن ساختن اذهان زنان وطن مبارزه بر علیه تمام خرافات پسندی ها کهنه گرانی هایکه معنای مادنا به نقص خود زنان مردم و کشور کشور ما است ذریعه تدوین کنفرانس هادر تمام نقاط کشور گسترش داده در روشن ساختن مشعل فر و زنان علم و دانش سعی و کوشا باشند تا تمام زنان کشور ما با سلاح علم دانش مجهز گردید.

مجموعه

بررسی مختصر از وضع زنان در کشور و وظایف آنان در این مرحله از تاریخ

بررسی و تحلیل تاریخ زن در کشورمان در گذشته نشان میدهد که مشکلات خیلی مفلک و طاقت فرسایی در برابر زنان ستمکش و بلا کشیده ما قرار داشته است که این امر ناشی از موجودیت نظام های فیودالی، ماقبل فیودالی و بودگی بوده است. کندی آهنگ رشد اقتصاد و عدم استفاده صحیح از منابع طبیعی و انسانی تا لیرات سواد خود را با لخصه بالایی زنندگی و کار زنان کشور ما با قسی گذاشته است.

با تا سلف با ید اظهار داشت که زن در همچو جوامع از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم بوده است، اکثریت قابل ملاحظه زنان در دهات و قصبات در امور زراعت و مالداري مصروف اند در این جا ما منظره و چهره وحشتناک زندگی زنان ستمدیده را خوبتر و بهتر مجسم ساخته میتوانیم.

زنان با کار در مزارع شخم زدن و خرمن کو بیدن جمع آوری عیزم برای بخت نان و گرم کردن کلبه های ویرانه شان و واریسی از حیوانات، مشکلات طفل داری

و کار در منزل صبح ها را به شام میرسانند. دست های استخوانی و زحمتکش آنها بازتاب کار پر مشقت و دشوار روزانه آنهاست.

زندگی آنها بارنج و محنت شروع میشود و سرانجام این زنان مظلوم و بلا دیده که در جستجوی يك لقمه نان بخور و نمیر اند، و حشیا نه است شمار میشوند. زنان کوچی، زنان کارگر و گداها، طفل به آغوش سر کوجه ها و پس کوجه ها موجودات سرگردان و در بدری هستند که زندگی اندو هبار آنها قلب هر انسان با احساسی را میسگافد.

این واقعیت تلخ و غم انگیز زندگی زنان و کودکان و وطن را از پس کوجه ها، مغاره ها، گراچ های نمناک و دیگر بیشه های محقر که از يك گو شهبه گوشه دیگر پر تاب میشود، باید درك کرد. توده های وسیع از زنان افغان

نستان را زنان خانه دار تشکیل میدهند، نابسامانی، کمبود درآمد ها و رنج بیکاری شوهران، عدم موجودیت سر پناه، داکتر، شفاخانه و ده ها مساله دیگر حیات، فکر زن خانه دار را بخود مشغول داشته است و مهتر از آن خود به عنوان يك فرد جامعه با ردوش فامیل و شوهر خویش بود و واز هر نوع حقوق و امتیاز انسانی محروم بوده اند حوادث ناگوار و دلخراش مانند خود کشی ها، طلاق ها و گذاشتن اطفال گرسنه و بی سرپرست از جمله نکاتی است که شرایط نابسامان برای

آنان به از مغان میاورد. دختران خانواده های زحمتکش ما از طفولیت با بیای ما در از یکسو در مزارع، در دستگاه های قالین بافی، پشم ریشی، نسج بافی، مز دوری و از سوی دیگر در حفظ و نگهبانی بر ا درو خواهر کوچکتر شان مشغول اند. صبح ها را با این زندگی پر مشقت به شب میرسانند، و همچنان برای کودکان معصوم و بیگناهی که سازندگان

بنای نوین جامعه اند، هیچ وسیله رفاه و تفریح حداقل مراقبت و حفظ الصحة وجود نداشته است استعمال مواد مخدره در بین خانواده ها مروج بوده و مقام صلاحیت دار و وقت ساده لو - خانه انتظار داشتند که کودکان برو رده این چنین شرایط مردمان در سنت کار، پاک نفس و بسا اخلاق و عضو مفید جامعه بارایند. قابل یاد آوری است که هیچگامی رژیم های فرتوت و ارتجاعی وقت گامی در مورد محونا بودی این همه دشواری ها و نابسامانی ها و بخاطر بهبود زندگی زنان زحمتکش افغان نستان که در پنجه های خشن استبداد قرون وسطایی قرار داشته، گامی نبرداشته اند برعکس آنها درصدد بهره برداری از وجود این معصومان و بگفته خود شان این نازک بیکران بوده اند. آری کسانیکه به فرسوده شدن زنان در اثر کار یکنواخت، خرد کننده و بی حاصل منزل، به تحلیل رفتن و تلف شدن قدرت آنها، به کشیده شدن آنها به تنگ نظری و انجماد فکری، به ضعیف شدن اراده شان با بسی تفاوتی نگاه کرده بان رضایت میدهند مرتکب خطای نا بخشودنی گردیده اند زیرا این زنان یعنی مادران اند که جوانان آینده کشور ما را پرورش میدهند و از جانبی هم هیچ جنبش بزرگ ستمدیدگان در تاریخ بشر بدون شرکت زنان زحمتکش قادر نبودند است، گامی به پیش بردارد این توده های مردم است که امر ساختن جامعه نوین را در دست میگیرند و لی جلب توده ها بدون زنان ناممکن است.

قابل یادآور است که علی - لرغم دشواری ها و نابسامانی ها با آنها زنان پیشتا ز و قهرمان وجود داشته اند، که ندای آزادی زنان را بلند کرده و در این پروسه گام های ارز شمند و پراهمیتی برداشته اند که با تند کردن این مورد از عصرمانی که تقریباً در خشنده ترین صفحه تاریخ کشور ما ست یادآور میشود. نامام

سنگری و ورزش



مرگ نابه هنگام صدیق زرگر یک ضایعه بزرگ در حلقه های ورزش کشور است

نوشته از عبد الکریم پوپل

برای ازدیاد افتخارات ورزشی کشور
مردمش مدال های طلا بکف آورد
وامتیازات بیشماری را نصیب
گردید .
مرحوم غلام صدیق زرگر پسر
غلام دستگیر شیدا زرگر در سال
۱۳۳۴ در شهر کابل با به عرصه
وجود گذاشت او بیست و پنج بهار
زندگی را در اوج شهرت و محبوبیت
در بین اعضای خانواده و مردم خود
بشت سر گذاشت .
غلام صدیق زرگر تحصیلات ابتدایی

شام روز دو شنبه ۱۸ حوت ۱۳۵۹
با تأسف و تأثر اطلاع گرفتیم که
یکی از قهرمانان افتخار آفرین
پهلوانی کشور غلام صدیق زرگر
داعی اجل رالیک گفت.

انالله وانا الیه راجعون

در تاریخ معاصر کشور در یکنیم
دهه اخیر کمتر کسی خواهد بود که
بانام صدیق زرگر این قهرمان حماسه
آفرین ورزش پهلوانی کشور ما
آشنایی نداشته باشند. در درازنای
یکنیم دهه نام صدیق زرگر در همه
محافل ورزشی کشور و جهان نام
آشنا و قابل وصف و احترام بوده
است. او که اکنون در میان مان نیست
اما خاطرات نیک و فراموش ناشدنی
او با ما زنده و جاوید است. و هیچگاه
افتخارات و قهرمانی هایش از خاطره
فراموش نمی شود. وقتی تاریخ
رویداد های ورزشی را در طول
سالیان آخر از نظر می گذاریم
وقتی گرد همایی های المپیک را در
نظر مجسم میسازیم و وقتی مسافرت
های حسن نیت گروپ های ورزشی
کشور را به ممالک دوست مرور
میکنیم صدیق در هر حال به یاد میاید.
او بیوسته بر حریفان پیروز بود او



پهلوان صدیق زرگر در اکثر مسابقاتی که اشتراک نموده مقام قهرمانی را نصیب گردیده است.



زرگر در طول حیاتش ده ها بار مدالهای قهرمانی و افتخار را بدست آورد.

در آن مسابقات در وزن ۶۲ کیلوگرام قهرمان شناخته شد. در مسابقات بین المللی پهلوانی که در سر طان سال ۱۳۵۵ در کابل دایر گردید و در آن مسابقات ورزیده ترین کشتی گیران کشور های اتحاد شوروی - ایران - پاکستان - عراق شرکت داشتند به گرفتن مدال نقره موفق شد. بتاريخ ۳۰ عقرب سال ۱۳۵۵ تیم افغانی در مسابقات بین المللی جام محمدعلی جناح منعقد شده پاکستان اشتراك نمود که صدیق زرگر در وزن ۶۲ کیلوگرام عضویت هیات راداشت و در آن مسابقات کشور های افغان - نستان، ترکیه، جاپان، عراق، اندو - نیز با لیبیا و پاکستان شرکت ورزیده بودند و صدیق زرگر در وزن ۶۲ کیلو گرام قهرمان شد اولین مدال طلائی خود را بدست آورد به دنبال آن در مسابقات بین المللی تهران با سایر کشتی گیران افغانی اشتراك نمود که دست آورد این کشتی گیر تیم افغانی اینبار مدال برونز آن مسابقات بود. او هر قدر که مسابقات رابشت سر می گذاشت به همان اندازه افتخارات زیاد را به مردم و میهنش کمایی میکرد.

مرحوم زرگر در دومین باریکه در مسابقات بین المللی بغداد شرکت نمود با مهارت و خارق العادگی آن مسابقات را پیروز مندانه پایان داد و مدال طلائی را با سایر دست آوردهای دیگر کشتی گیران افغانی به کابل آوردند.

در دومین مسابقات بین المللی جشن ۱۳۵۵ کشور ما در کابل که در آن مسابقات کشتی گیران کشور های اتحاد شوروی - ایران - پاکستان لیبیا، کوریا، جاپان شرکت داشتند به گرفتن مدال برونز این مسابقات موفق شد.

مرحوم زرگر چهره در خشان و افتخار آفرین ورزش پهلوانی کشور در سر طان ۱۳۵۷ در مسابقات بین - المللی جام علی علی اف اتحاد شوروی اشتراك نمود که در آن مسابقات کشتی گیران افغانستان - اتحاد - شوروی - بلغاریا چکوسلواکیا، آلمان دموکراتیک، رومانیه و فنلند شرکت داشتند درین رویداد تاریخی صدیق زرگر با مهارت (شایستگی) از مقام قهرمانی خود دفاع نمود. بقیه در صفحه ۴۰

به قدرت و نیروی بازویش جلب کرد. مرحوم زرگر قهرمان افتخار آفرین ورزش پهلوانی کشور محبوب مان افغانستان در مسابقات جشن سال ۱۳۵۴ که تعداد زیاد کشتی گیران کشور های دوست نیز اشتراك داشتند، شرکت نموده و به مقام قهرمانی رسید.

موصوف در طول عمرش هر گاهی که پا بمیدان مسابقه گذاشت کشتی گیری را سراغ ندارم که پشت او را به زمین مانده باشد. و بالاخره مرگ بر او پیروز شد و برای همیشه پشت او را به خاک ماند.

صدیق زرگر در طول ورزشش پهلوانی علاوه بر پیروزیها و کسب افتخارات پیشمارش در داخل کشور، در مسابقات بین المللی و مسابقات حسن نیت به کشورهای دوست سفر نموده چنانکه دو بار در مسابقات بین المللی در تور سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ منعقد شده بغداد شرکت نمود که بار اول به گرفتن مدال برونز و بار دیگر به اخذ مدال طلائی آن مسابقات توفیق یافت. و چهل روز بعد باتیم افغانی به مسابقات شیر - نمگان اتحاد شوروی اشتراك ورزید

رسمی معارف آنوقت شرکت ورزید و در آن مسابقات مقام قهرمانی را حایز شد. و بعد از مدت چند از طریق تیم منتخب معارف در مسابقات انتخاباتی تیم ملی کشور روی آورد که آن مسابقات در جوزای سال ۱۳۵۴ در کابل بوده وی در آن مسابقات چنان شایستگی و برانندگی از خود نشان داد که توجه همگان را

را در لیسه استقلال به پایان رسانیده و بعداً در لیسه حبیبه شامل گردید و تا صنف دهم تحصیل خود را بسا شوق و علاقمندی کامل ادامه داده ولی بعد از چندی به نسبت مرضی محرقه که مدت زیاد این مرض گریبانگیر او بود از ادامه تحصیل محروم گشت وی زمانیکه در لیسه حبیبه مصروف تحصیل بود برای بار اول در مسابقات



پهلوان صدیق زرگر هنگام مسابقه با پهلوان اتحاد شوروی دیده می شود (۱۳۵۷)



اطفال امروز

ترجمه عبدالغیاث نوبهار

تأثیر پر خاش والدین بالای شخصیت طفل

مادران در برابر اطفالشان مسئولیت عظیم دارند و باید یست آنها را همواره افعال و حرکاتشان را تحت بررسی و ارزیابی قرار بدهند و همیشه متوجه باشند که تمام حرکات و افعال آنان در مقابل اطفالشان سالم و بدون عیب است تا اطفالشان را در این تقلید از آنان دچار گمراهی و انحراف نگردند.

بعضی پدران و مادران حرکات و افعال روزانه شان را بدیده سرسری و سطحی مینگرند ولی هر فعل و حرکت آنان در برابر چشمان اطفالشان در حکم یک طرز العمل یا نصب العین است و نزد آنان فوق العاده حایز ارزش بوده هر جر آنها مشی خود قرار میدهند. طور مثال صورت مکالمه خانوادگی را طفل از زبان پدر و مادر خود میشنود و از زبان آنها زبان مادری اش را یاد میگیرد. اطفال عموما سخن در باره چیزهای میگویند که در خانه آنها شنیده اند و یا دیده اند.

این حقیقت را در حین بازیهای اطفال کوچکتر از سن مکتب میتوانیم مشاهده کنیم. در حین بازی آنها از افعال و کردار بزرگسالان تقلید میکنند که مورد مشاهده آنان قرار گرفته باشند. اطفال در این سن خیلی مایلند که ((خانه بازی)) بنمایند و در نقش خود همان حرکات و افعال را اجرا میکنند که همان اعضای خانواده شان آنرا انجام داده باشند.

زندگی اجتماعی و خانوادگی پدران و مادران و همچنان برادران و خواهران بزرگتر تمام جزئیات ((خانه بازی)) اطفال را تشکیل میدهد و شیوه سخنزدن آنها نیز از آنان پیروی میشود حتی در شیوه سخن گفتن اطفال مسلک و پیشه اعضای خانواده هایشان تبارز میکند. همینگونه تقلید و شیوه ها است که شخصیت آنان را پیریزی میکند. اطفال عقیده دارند که پدران و مادران آنان خوبترین زبیا ترین و صادقترین همه میباشند و آنچه را که آنها انجام میدهند به جا و مهم است از همینجا است که پدران و

حرکات و افعال دیگر آنها را از راه مشاهده میگیرد و بلافاصله آنها را تقلید مینماید و بدین طریق تجارب زندگی را کسب میکند. از آنرو حرکات و افعال پدر و مادر و کسانی که بانها تماس نزدیک دارند نقش بارز تربیتی را دارا است و اثرات آن بر نمو و تکامل اطفال بدو نشک خیلی ارزنده است. در سن شمول به مکتب این امر مسلم است که اطفال بمرحله رسیده میباشند که میتوانند حرکات و افعال مردمان دور و پیششان را مورد انتقاد قرار بدهند. و این آگاهی را دارند که کی را مودل تقلید خویش انتخاب نمایند آنها شخصیتهای مورد پسند و قهرمانان دلخواهشان را انتخاب میکنند و همواره از آنان تقلید می نمایند. البته اطفال کوچکتر از سن هفت این قدرت را نمیداشته باشند.

اطفال بسن کودگستان کسب مقیاسی جهت تفکیک اعمال نیک و بد ندارند بلکه در مرحله ای قرار دارند که باید از اعمال خوب و بد تقلید کنند. البته ان اعمال را که بدور و پیش خود مشاهده میکنند.

در باره اینکه انفصال مطلق و یا سازشی توأم با جنجالها و پر خاشهای مکرر پدر و مادر به روحیه اطفال اثر ناگوار میگذارد هیچ شک نیست ولی اینکه کدام یکی از آن بیشتر بر سیستم عصبی و شخصیت طفل اثر ناگوار بجا میگذارد مشکل است بتوان تفاوت کرد. اما پدران و مادران این نکته را هرگز فراموش نکنند که چشمان طفلشان همیشه متوجه اوضاع و حرکات آنان است. چه بسا احتمال دارد زمانیکه آنها بزرگتر شوند و حینیکه خود پدر و مادر گشتند از طرز تلقی و ذهنیت منفی پدر و مادر پیروی خواهند کرد. حتی اطفال به چنان روز هم انتظار نمیکشند بلکه بلادرنگ هر حرکت پدر و مادر را تقلید میکنند. یک معلم دقیق همواره خود را از جریان زندگی خانوادگی طفل واقف نگه میدارد و در مییابد که چه چیز در دنیای زندگانی وی بر تصورات و تخیلات او اثر عمیق داشته است. یکی از خصوصیات متمیزه اطفال کوچکتر از سن هفت اینست که

نقش آن در شناسایی هنرهای

بومی ملیت‌ها و ملت‌ها

چرا برخی از تماشاگران شعبده‌بازی رانوعی جادو گری و چشم‌بندی توصیه میکنند؟

...

آیا امکان ندارد که انسامل‌گونه‌های از هنرهای بومی ما تدارك گردد و در کشور های دیگر به نمایش گذاشته شود؟

این گونه نمایش‌ها با استفاده از ابزار و وسایلی که از نظر بیننده عادی مینماید اما با همه شباهت خود با وسایل هم‌مانند خود با مهارت به منظور خاص اجرای نوعی نمایش اعجاب آور ساخته شده است. شور و شوق فراوان را در بیننده ایجاد میکند و تماشاگر ساده‌را و امیداشت تا نحوه اجرا را با اعمال جادو گرانه و چشم‌بندی و مسایلی دیگر از این مانند در ذهن خود بیوند دهد، این بخش که به وسیله «الکسی و کین نوو» رئیس هیات به اجرا می‌آمده چند باحالت‌های شاد در چارچو به کمیک به اجرا کشیده میشود با مقایسه شعبده‌بازی‌های که تماشاگران در سلسله نمایشات هیات‌های قبلی دیده بودند ساده مینمود و به همین جهت در ختم این بخش بیننده هنوز هم انتظار داشت کارهای اعجاب‌آور تر را مشاهده کند.

از نظر تکنیک کار و مهارت باز-یگران و اجرا کنندگان بخش‌های گوناگون اکروبات همه در کار خود موفق بودند و این موفقیت به حدی بود که حتی بیننده به خواب رفته راهم به شور و امیداشت و ترس و دلهره و اعجاب را در او بر می‌انگیخت نرمش بدن، سرعت گرفت ذهن و عمل، حفظ تعادل و توازن و تکرار و تمرین دایمی که از خصوصیت‌های عمده حرکات اکروباتیک به شمار می‌آید در میان اکروبات‌بازان این هیات در حد ستایش آمیزی

هیاتی از هنرمندان کشور دوست اتحاد جماهیر شوروی، با سلسله نمایشات جالب و تا حدی تازه ای که در استیج کابل نند ازی و در محافل بزرگداشت روز زن به انجام آوردند تماشاگران فراوانی را به سالون‌های نمایش کشاندند این هیات که اعضای آن از میان بر جسته ترین هنرمندان کنسرت مسکو که مربوط وزارت فرهنگ آن کشور میباشد برگزیده شده بودند در بخش‌های آواز خوانی، رقص، اکروبات و شعبده بازی مهارت فر-وانی را در کار برد های هنری از خود نشان دادند، و همین موجب گردید که در تمام روز های نمایش سالون از انبوه تماشاگر پر باشد و هر بخش آن با استقبال پر شور و گرم روبرو گردد.

رقص عربی که زیر نام رقص شرقی به وسیله رقاصه جوان و تحصیل یافته در همین رشته «زلنسکی تسیانانو و لیکوفنا» به اجرا آمد بیش از بخش‌های دیگر باخواست بیننده این نمایشات برابری داشت که انگیزه استقبال پر شور تماشاگران آنرا صرف نظر از فضای خاص نمایش باید در عوامل دیگری هم به کاوش گرفت که ذهن بیننده تیاتر و سینمای ما را به خود اختصاص داده است.

بخش شعبده بازی نیز که در واقع در همه گونه‌های خود اختلاطی است از سرعت عمل و تکنیک خاص

افغان ننداری مانند نورپردازی و امور مربوط به صدا با وسایلی که در اختیار این موسسه گذاشته میشود بر طرف میگردد و هم يك تياتر مدرن تازه در شهر کابل اعمار خواهد شد هم چنین همکاری جمعی از متخصصان امور تياتر که از امسال با افغان - ننداری به آغاز گرفته میشود روزن تازه دیگری است که ما را در رشته شکوفایی هنر تياتر در همه ابعاد آن در کشور نوید میدهد امیدواریم تبادل چنين حیات های هنری که در تبادل تجارب میان هنرمندان هر دو کشور و آشنایی رهروان تازه کار هنر جوی مادر کار تياتر مفید یتي فراوان دارد در سال روان بیش از پیش وسعت یابد و تا جای امکان کوشش به عمل آید نمونه های از هنر بومی سرزمین پر غنای ما هم در کشور های مرقی به نمایش گذاشته شود تا به این وسیله بتوانیم گامی دیگر بر داریم در جهت شناختاندن بخش های گونه گون هنر

پر مایه بومی خود به مردم سرزمین های دیگر و این آغاز چه بجاست که با انسامل های باشد از رقص های، محلی، لباس های محلی و آوازهای محلی که متاسفانه تا کنون در میان خود ما هم تا اندازه ای نا آشنا مانده و شکی نیست که اگر در این زمینه ها تلاش های صورت گیرد نقش ارزنده در معرفی و شناخت فرهنگ مردمی ملیت های افغان نستان به هم دیگر شان خواهد داشت و در قدم بعدی همین فرآورده میتواند زمینه های تازه ای باشد برای تحقیق در زمینه وجود مشترك میان هنر های مردمی در آسیای میانه و کشور های دیگر

یقین داریم بارف مشکلات کنونی افغان ننداری که تنها موسسه مسوول پیشبرد اموری از مانند ی که به نبشت آمد میباشد این مجال در سال روان به پیمان بیشتر از سال های پیش فراهم خواهد آمد و سالون کابل ننداری با شرایطی تازه ای که برایش مهیا میگردد به پرتماشاگر ترین سالون نمایشی کشور مابدل خواهد گردید.

قابل ملاحظه بود و البته نباید از نظر دور داشت که هنر اکروبات در پهلوی دیگر هنر های مردمی مانند رقص، آواز، تياتر، سینما، پیکره تراشی، معماری و غیره بعد از سال های بیروزی انقلاب اکبر در شوروی پهنای وسیعی یافته و امروز رشد آن به حدی رسیده است که صد ها سازمان تربیوی در هر يك از رشته های هنرهای زیبا در آن کشور مصروف تربیه محصلان به صورت حرفوی میباشد و همین شرایط و توجهی که به پیشرفت این گونه هنر ها معطوف میگردد موجب آن شده که اتحاد شوروی در میان کشورهای جهان در تکنیک اجرا ممتاز باشد و نمونه وسخن دیگر در این تبصره فشرده اینکه به اساس قرار داد ها و موا - فقط نامه های فرهنگی که در این اواخر میان افغان ننداری و موسسات کلتوری اتحاد شوروی به امضاء رسیده است در آینده نزدیک از یکسو جمعی از محصلان افغانی برای آموزش رشته های گوناگون هنری ما نند رقص، باله، آلتنگ، تکنیک تياتر خصوصیت های تياتر اطفال، ماسک سازی، اکروبات سرکس و غیره به کمک کشور دوست ما شوروی در آن کشور زیر تربیه و آموزش گرفته شوند و از سوی دیگر با استفاده از کریدت های بولی بلا عوض این کشور دوست هم نواقص تکنیکی

شمع شبستان

گل زد دلم از عشق و بیا وردبسا غم
 شاید بنهد ناله گل پینه‌بدا غم
 ما شمع شبستان کی بودیم که تا صبح
 می بست گل حیرت و می سوخت چرا غم
 بگذشت گناه از سر و نشست خمارم
 بشکست مراتو به و نشکست ایامم
 من خدمت د حقان بکنم یا طلب وصل
 بوی تو زتن میرسد هر دم بسد ما غم

آرزو

همی خواهم که چون مرغان دریا
 به پهنای طرب ما پرکشایم
 زخم پهلوی به امواج خروشان
 سرودمست دریا سراسرایم

...

همی خواهم که چون ابرکهر بار
 گهرها در دل صحرا فشانم
 بیندم سایبان برد شست سو زان
 به هو اشکی که ریزم گل فشانم

...

همی خواهم که چون برق شرر تا
 به سوی دیو ظلمت هاستیزم
 زخم آتش به بنیاد سیاهی
 به جان «تیره روزی» شعله ریزم

...

همی خواهم که موج غریوان
 تپشها در دل دریا سپارم
 بیچم در دل شو ریسده گر داب
 صدفها بشکنم گوهر برآرم

...

همی خواهم که چون مرغ شب‌آور
 بنا لم با نواهای اترناک
 که تا بیدار گردد اهل غفلت
 که تا از خواب خیزد خفته‌ی خاک

...

همی خواهم که چون بال سبک‌بال
 به هر کجای جهان خود را رسانم
 پیام آرزوی سازش وصلح
 به گوش رزمیان در هر خوانم

...

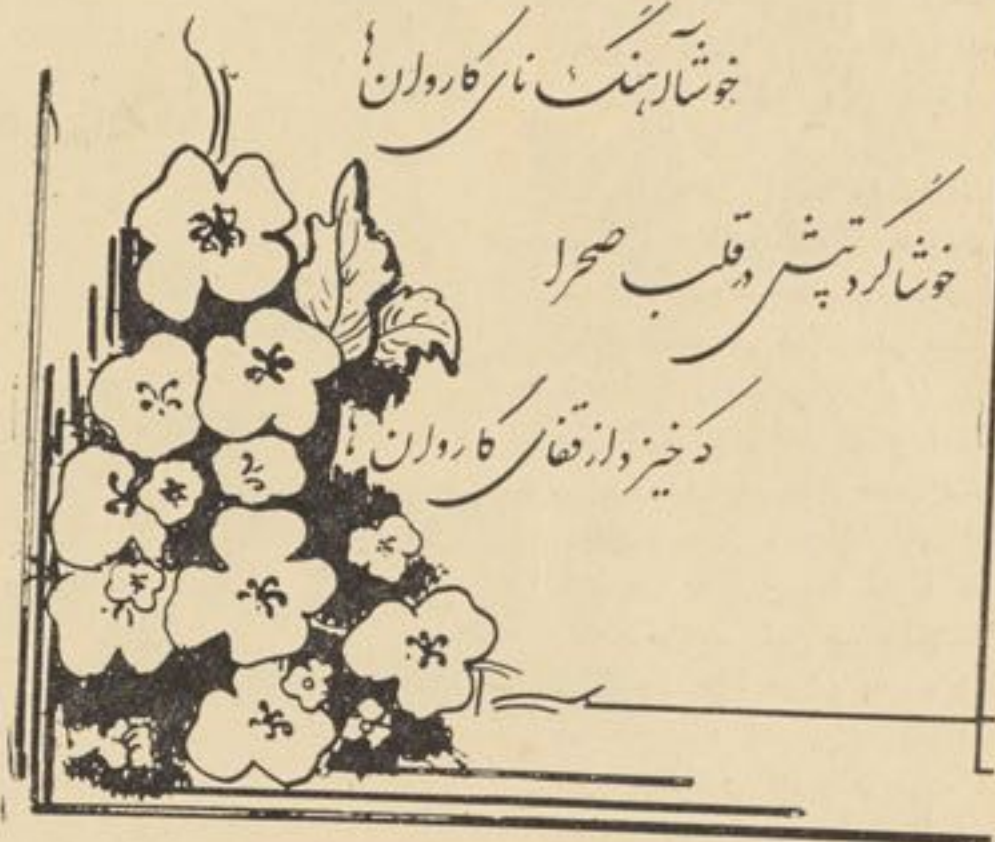
همی خواهم که چون بیک طرب‌ها
 به هر جا مزدهی عشرت رسانم
 جهان لبریز سازم از خوشی‌ها
 نشان غم درین عالم نعمانم

خوشا شور در لاکارولان!

خوشا بهنگ ناکارولان!

خوشا کرد پیش قلب صحرا

دخیزد از قفا کارولان!



داد محمد ((راسا))

دبهار نغمه چلیپری

دبهار له بر کته شاپی دینتسی زر غو نیبری
 طبیعت عطر پاشلی بول وطن‌بری معطر یبری

طراوت دی تازگی ده بنکلی انجونه هوسپیری
 بردی گلو نه به اوربل کی خسی میلونه روانیبری

دسپهار نسیم چه کله به دینتوباندی لکیبری
 پاخوی گلان له خوبه د وینتوب چرس غریبری

...

به دینتو نو او بیدیا وونوی نوی خیز تو کیبری
 ور کوی رخصت زرو ته چه به نوی پیدا کیبری

...

د شاعر به تخیل کی دبهار نغمه چلیپری
 جوړوی هغه شعرونه چی ولس‌بری بیدار یبری

یکروز مرا سردل خود میر نکردی
 و ز لعل لب حاکم تقریر نکردی
 زان شب که من آن زلف تو در خواب دیدم
 حیران و پریشانم و تعبیر نکردی
 یک عالم و عاقل به جهان نیست که او را
 دیوانه آن زلف چون زنجیر نکردی
 بگریست بسی از غم تو طفل دو چشم
 و ز سنگدلی در دهنش شیر نکردی
 با قوس دوای روی تو یکدل به جهان نیست
 تا خسته بدان عمره چون تیر نکردی
 در بردن دل هاو در آزدن جان‌ها
 الحق صنما هیچ تو تقصیر نکردی
 جامی



تقصیر نکردی



توبهار!

توبهاری

بهارش از زنت
تو خوشتر از خود شیر
از تو مرگت کید و ام
هر بهار زین همه زیبا تر
پس باغ و بهار از غم نیت
کس بهین باغ و بهار از غم تو!

بهار

آن روز که مرغهای سفر کرده
خزان
بار دگر بسوی دیاران خود روند
آنروز که سبزه های چمن را
نسیم صبح

آید بسوی کار
گویند شد بهار
...
بها درین دیار ،
در سر زمین پاک شما ای دلاوران
زان روز های خوب ،
کاین نورجان بخش
خورشید تا بناک نظام نوین ما
تابیده پر شکوه ،
گردیده است بهار
آری شده بهار
...

آرد به اهتزاز
آنکه که بر گهای گل از شاخه
های شان

ریزد فرو بزیر
در آنزمان که ناله زیبای آبشار
از گوشه و کنار بیاید زباغها
آنکه که بازوان سپید پری رخان
عریان ز آستین و بعاشق شود
عیان

و آنکه که بوی عطر گل یاس و
نسترن
با عطر ناز بوو گل سـرخ
ویا سمن

آید ز طرف باغ
آنکه که ناله های شبانان دهکده
آید ز کو هسار
گویند شد بهار
...

آری !
ای هموطن ببین ،
هم میهن عزیز ،
این نو بهار ماکه پس از سالها
خزان
آمد درین دیار
وین ملک باستان
این تک درخت پیر و کهن سال
زندگی
گردیده است جوان
مار است تا بخد مت ایسن تک
درخت پیر
از جان بگذریم ،
زیرا که این درخت ،
عمری جفاو جور خزان را کشیده
است
تا بار ور شود ،
این نوبهار ما
گردد جاودان
آنکه شود بهار ...
آری شود بهار ...
محمد عزیز (رویش)

آری !
روزیکه گلر خان پری چهر سبز
پوش

از قریه دسته دسته روند سوی
دشتها
آنکه که پیلان جفا دیده خزان
با عند لیب روند به گلگشت
باغها

بر روی سبزه های چمن با هزار
شوق
بر پای گل نشست و شور و نوا
کنند

آنکه که با غیان کهن سال پر
غرور
با دست پرز آبله و بسا توان
خویش

سرکه اندیشه مردم نکنند
کدوی بوک کم از آن سرنیست
۱ . طبری

شعر پائین در سال ۱۳۵۶ سروده
شده بود اما چون آنزمان امکان نشر
آن نبود اکنون بدست نشر سپرده
می شود .

نوظفر مند و کامگار شود

سرکه در خدمت مردم نبود
بار گردن بود اما سرنیست
دل که در الفت و طن نپید
سنگ را مرتبه زان کمتر نیست
دور زر رفت و عصر زور گذشت
بعد ازین چرخ ، سفله پرور نیست
در نظا میکه کس ستم نکشد
اندران جای برستمگر نیست
چه تباه است حال آن ملت
که در آن احترام مادر نیست

همه سرباز خلق خویشتیم
کس نه کهتر بود که مهتر نیست
زندگی چیست ، رزم کهنه و نو
غیر از این ارتقاع میسر نیست
کهنه امروز گرچه پرزور است
لیک پر زور روز دیگر نیست
نو اگر ناتوان بود امروز
روز دیگر چو او توانگر نیست
نوظفر مند و کامگار شود
کهنه را جز فنا ، مقدر نیست
ای و طن ، ای بهشت شرق کهن
چون تودر بحر نه و در بر نیست
عاقبت گمره و هلاک شود
عشق تو هر کرا که رهبر نیست

عظیم شهبال

برای صبح و بوسه
نوروز

بهارستان و خجسته
بهار

بهارستان و خجسته
بهار

انرژی خورشیدی

جهان های

رام ساختن آفتاب

در جمهوری های آسیای میانه شوروی که هوای گرم و سوزان دارد سالانه دوصدو پنجاهالی سیصد روز آفتاب مستقیماً می تابد و ریزش های بیابان و صحرا را در آن مناطق سوزان و داغ می سازد. بنابراین این شرایط اقلیمی طبیعتاً برای این علاقمندی علمی را در مورد بهره برداری از انرژی آفتاب به طور سرسام آوری ازدیاد بخشیده است این در نتیجه زود به مصر فرسیدن منابع سوخت طبیعی و آلوده شدن محیط به میان آمده در حالیکه ماشین هایی که به قوه انرژی آفتاب فعالیت مینمایند قادر اند برای مدت زمان های نامحدود کار کنند بدون آنکه محیط را آلوده ساخته باشند.

شرکت استفاده از منبع آفتاب که شامل انستیتوت تحقیقاتی انرژی شمسوی نیز می گردد اولین مجمع در اتحاد شوروی بوده که به سویه جهانی در مقام سوم قرار دارد. شرکت مذکور در نزدیکی عشق آباد مرکز ترکمنستان اتحاد شوروی موقعیت دارد.

جریان فلش های روشن نور از طرف روز توجه هر تازه واردترین شهر بخود جلب می کند زیرا این نتیجه فعالیت دستگاه های انرژی آفتابی است که انرژی آفتاب را ذخیره نموده و فابریکات متعدد نظیر فابریکه تصفیه آب معدنی - آب جوشی ها - لغت های آب ترمو-الکتریکی و یخچال ها را به فعالیت وامیدارد.

بایرا موف عضو اکادمی علوم و مدیر انستیتوت انرژی شمسوی ترکمنستان درین باره می گوید: ما باید تسهیلات ساده و شایسته

را روی اساسات انرژی شمسوی انکشاف دهیم. زیرا در ترکمنستان هشتاد فیصد اراضی را صحراها و علفچر ها تشکیل میدهند. درین جمهوری چوپانان در شرا یطدشوار کار میکنند درجه حرارت به پنجاه درجه سانتی گراد می رسد و ذخیره آب کافی نیز برای شان وجود ندارد. علاوه بر این فامیلها رمة دار هستند و مشغول پرورش مواشی می باشند لازم است تا برای آنها تسهیلات در قسمت شستشو و بخت و بز مهیا گردانیده شود. همچنان آن ها به یخچال و حمام نیاز دارند که درین صورت، نداشتن وسایل را حتی (با وجودیکه مزد های بلند دارند) مردم را دلسرد می سازد.

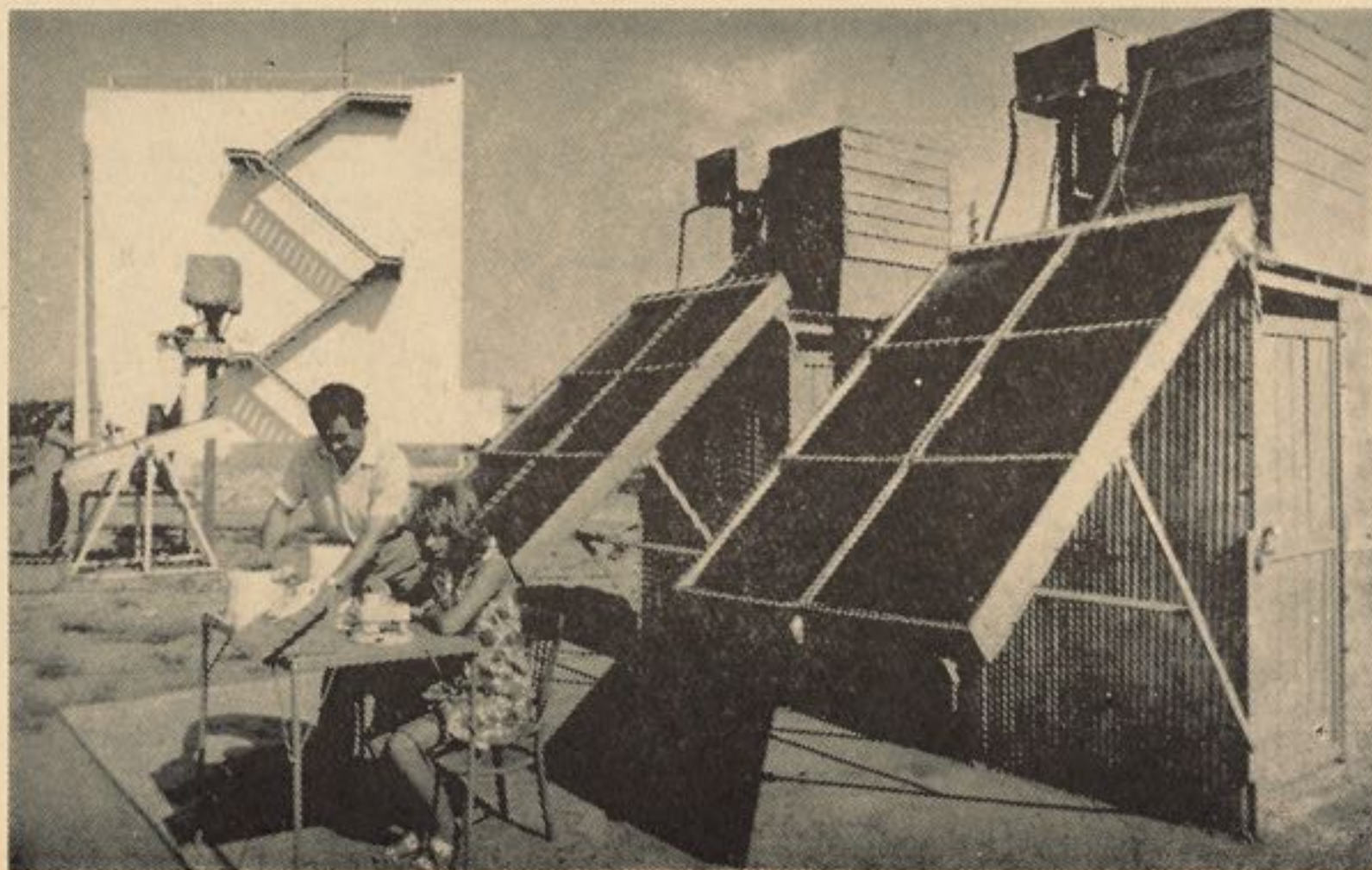
همین انگیزه متذکره سبب بوجود آمدن دستگاه های تصفیه آب گردیده است انرژی آفتاب ما را

قادر می سازد که به سرعت و سادگی به آبهای زیرزمینی دسترسی پیدا نموده و از آن استفاده نماییم البته دستگاه های آزمایشی قبلاً در (حوض شاه) و دیگر محلات به فعالیت خود شروع نموده اند. اولین دستگاه تصفیه آب با یک لغت آبی تر موالکتر یکی و یک مکان آبیاری برای ((گرین هوس)) ها (یا فارم های سرپوشیده سبزیذریعه شیشه) تکمیل گردیده و از چندین سال تاکنون در فارم تربیه گوسفند (آستراخان) واقع در صحرای کارا کوم فعالیت مینمایند.

دانشمندان انستیتوت مذکور یک دستگاه آفتابی را اختراع و به زودی کارهای عملی را شروع خواهند کرد. یک استیشن دستگاه انرژی شمسوی آب گرم و حرارت و قوه برق را برای یک کلبه روستایی

دوطبقه بی تامین خواهد کرد و واحد های ایر کاندیشن نیز فعال خواهند شد. یک ((هات هوس)) یا خانه گرم که به قوه انرژی آفتاب کار می کند نزدیک هر کلبه اعمار خواهد شد که در این هات هوس سبزیجات و میوه جات و کلوریل، الجای (نوعی از خوراکی های غنی از پروتئین که با علوفه یکجا به حیوانات داده می شود) کشت و پرورش می شود.

همچنان در مجاورت نزدیک آن آغل های سرپوشیده گوسفندان قرار خواهد داشت که قادر است هزار الی دوهزار گوسفند را در خود جای بدهد طوری که برای هر یک از آنها محل آب خوری مجهز با لغت های آبی آفتابی که آبرو به داخل دستگاه تصفیه میرساند می باشد.



شاوور های آزمایشی که حرارت آب آنها توسط آفتاب تامین می شود

در سال ۱۳۶۰

سوال جالبی است. و در این موضوع از دو جهت باید صحبت صورت پذیرد، نخست برای آن عده از شاگردانیکه در سال گذشته از ولایات کشور به مکاتب کابل مراجعه نموده اند

فیصدی نصاب حاضری ایشان را از (هشتاد و پنج) فیصد به (پنجاه) فیصد تنزیل بخشیدیم و در میان آنها حتی شاگردانی هم بودند که (پنجاه) فیصد نصاب حاضری را نیز پوره نموده نمی توانستند بنا بر آن ما برای پوره نمودن پنجاه درصد نصاب حاضری شاگردان کورسی رانام ((کورس ا کمال فیصدی حاضری شاگردان) در لیسه استقلال افتتاح نمودیم و در طول مدت رخصتی های زمستانی تمام اعضای ریاست تدریسات ثانوی بدون اخذ هیچگونه مزد و حقوق الزحمه به تدریس شاگردان مذکور پرداختند و بدین ترتیب با ا کمال فیصدی حاضری شاگردان مذکور چندی قبل از امروز امتحان خویش را سپری نموده در لیسه ها و مکاتب مرکز به صنوف مربوطه خویش شامل گردیدند و به دروس خود ادامه می دهند.

وی در مورد آن عده از شاگردان مکاتب ولایات کشور که در سال گذشته به اثر حملات و حشیا نه دشمنان انقلاب شکوهمند شور مکتب شان مسدود و یا تخریب شده بود و در سال جاری دوباره بازو به فعالیت آغاز نموده اند چنین روشنی انداخت: وزارت تعلیم و تربیه به مدیریت های تعلیم و تربیه آن عده از ولایات کشور که بعضی از مکاتب آنها در اثر حملات ضد انسانی دشمنان آتش بجان مردم افغانستان مسدود و یا تخریب شده بود و شاگردان بنا بر عللی نتوانستند در طول سالیکه گذشت دروس روزمره خویش را تعقیب نمایند هدایت داده است تا دروس اینگونه مکاتب را از تاریخ پانزدهم برج حوت ۱۳۵۹ آغاز نموده تا اخیر بسرج جوزای سال جاری ادامه بدهند تا شاگردان بتوانند در این مدت نسبتاً کوتاه با تعقیب یک پروگرام

اند می توانند به مکتب مورد نظر خواه در مرکز خواه در ولایات کشور شامل گردیده بدروس خویش ادامه بدهند.

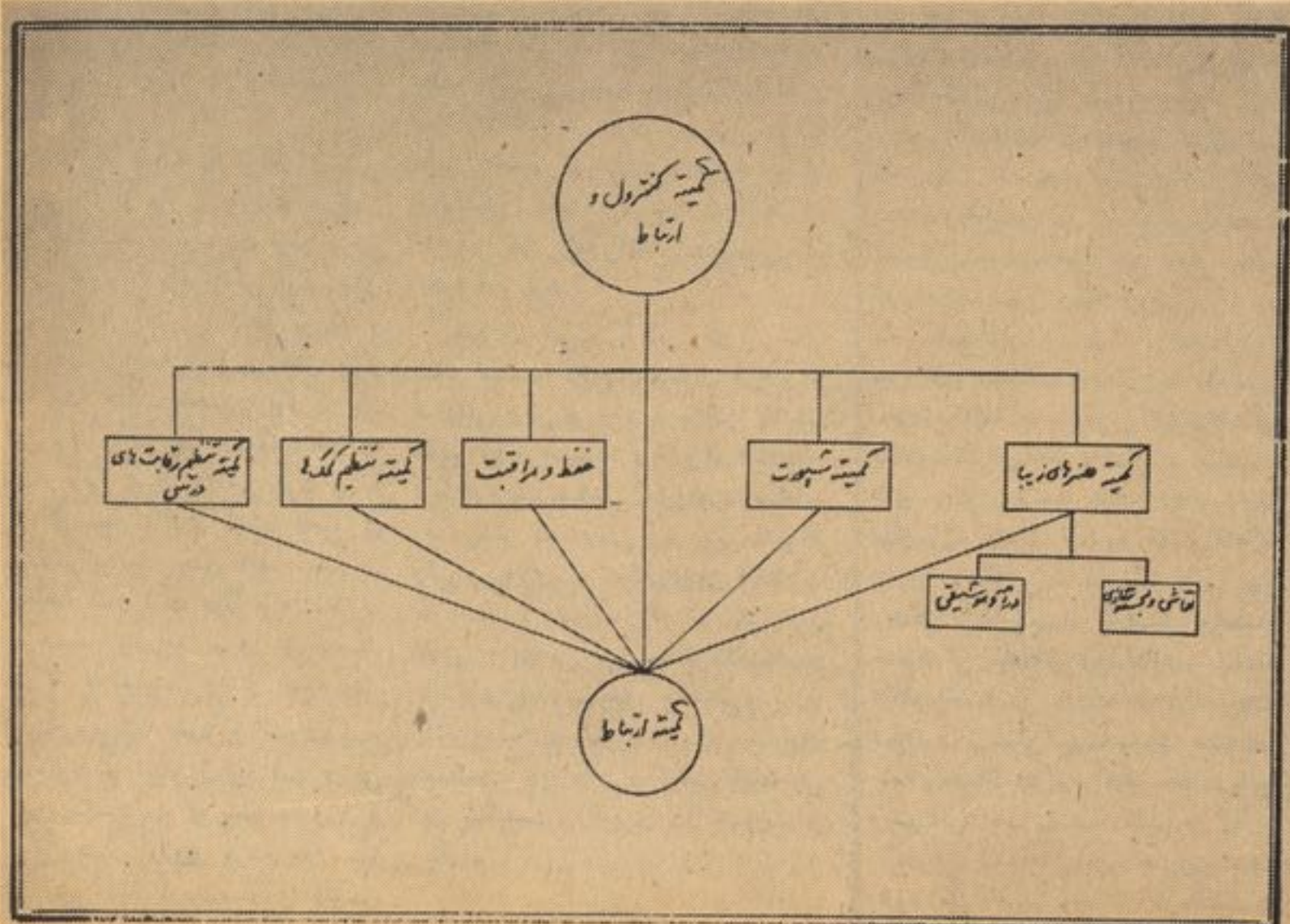
و فامل بجواب این سوال ما که در سالیکه تازه آغاز نموده ایم بسجه تعداد مکاتب در مرکز و ولایات کشور جدیداً تاسیس گردیده اند و تعداد مکاتبی که از سویه ابتدا بی به لیسه ارتقاء نموده اند چند خواهد بود چنین گفت:

در سال ۱۳۶۰ به اساس پلان پیش یمنی شده به تعداد (۵۵۵) باب مکتب در مرکز و ولایات کشور جدیداً تاسیس گردیده است. همچنان به تعداد پنجاه باب مکتب ابتدا بی به متوسطه و چهل ونه باب مکتب متوسطه به لیسه ارتقا می یابند به همین ترتیب به تعداد ده باب مکتب لیسه، جدیداً تاسیس میشود. رئیس تدریسات ثانوی به جواب سوال دیگریکه نقش سمینار های مسلکی را که در جریان سال ۱۳۵۹ از طرف وزارت تعلیم و تربیه برای ازدیاد معلومات معلمان کشور دایر گردیده در امر بهبود وضع تعلیمی مکاتب کشور چطور ارزیابی می نماید گفت:

شکی نیست که تدویر چنین سمینارها در بعیستم جدید تعلیم بقیه در صفحه ۴۷

از ولایات کشور که در سال گذشته به اثر بیداد گری های وحشیا نه گماشتگان بدنام ارتجاع و امپریالیزم مکاتب ایشان به آتش کشیده شده بود و سوابق آنها نیز با سوختن مکاتب از بین رفته اند و اکنون نیز سندی که بتواند هویت شاگردان مذکور را ارائه بدارد وجود ندارد چنین گفت:

ریاست تدریسات ثانوی به عموم مدیریت های تعلیم و تربیه ولایات کشور هدایت داده است تا در مورد تعیین سر نوشت آن عده از شاگردانیکه سوابق درسی آنها در اثر به آتش کشیدن مکاتب مربوط توسط اجیران ارتجاع و امپریالیزم از بین رفته اند چنین تجویز به عمل بیاید و رند، این عده شاگردان در صورتیکه بخواهند به مکاتب مرکز و ولایات دیگر کشور شامل شوند اولاً باید به یکی از معلمین مکاتب مربوطه خویش که آنها را می شناسد مراجعه نمایند و بعد از اخذ تصدیق معلم مربوطه به مدیریت معارف مراجعه کنند تا مدیریت نیز از حقیقت موضوع به اساس تصدیق معلم متذکره تصدیق بعمل آورد، بعداً برویت تصدیق مدیریت معارف که معلمین مذکور آن را حاصل نموده



جوانان و خودارادیت



((پیوسته بگذشته))

از تاریخ باید آموخت

جوانان دلیر وطن! درین هفته به پیشواز سال نو سالیکه یسک بزرگ دیگر از درخت زندگی ما و شما را کم می کند ولی به تجربه و پختگی ما می افزاید مبحث شماره گذشته را دنبال نمی کنیم و هفته آینده باز هم مطلب مذکور که نمایان گر دلیری و حماسه آفرینی مردم ماست دنبال خواهیم شد، لذا برای بزرگداشت شادابی و خرمی و طراوت بر بهار بحث می کنیم، بر بهار طبیعت و بر بهار انقلاب این همیشه بهار مردم ما.

بیاد داریم بهاران گذشته را، بهارانی را که هرگز مردم ما بهار واقعی نداشتند، بوستان وطن بر از هن و اندوه و پژمردگی بود، جای بلبلان را زاغها پر کرده بودند و لذت بردن از همه زیبایی های بهار خاصه یک مشت محدود بود.

این وضع قرنها و سالها ادامه داشت، ولی بهار واقعی مردم ما نیز فرارسید، آری تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و در نتیجه مبارزات مردم ما انقلاب شکوهمند نور به پیروزی رسید و همه کاخ نشینان را از امتیازات شان محروم ساخت و قدرت به دست مردم انتقال یافت و لی دیری نگذشت که جغد ها وزاغها برین بهار آرزوی مردم ما تا خند آری آنها با دستیاری دشمن

بزرگ آرا می بشریت یعنی امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکا امین را به جان مردم ما ما مسور زجر و شکنجه ساختند و یکبار دیگر بهار امید مردم ما به سر ماو یخبندان مبدل گشت. امین خائن که با بهار و طراوت دشمن بوده تعداد زیادی از بلبلان بوستان وطن را به خاک و خون کشید و به قفس افکند، ولی مردم ما از پانه نشستنند و یکبار دیگر بر علیه زاغها و جغد ها شوریدند، آری در زمستان سال ۱۳۵۸ با پیروزی مرحله نوین انقلاب نور مردم ما به بهار همیشه دست یافتند و دیگر هرگز زاغ و زغن را به گلشن وطن راه نخواهد بود.

جوانان خوب و آگاه! درین جای شک نیست که دشمنان آزادی و شادابی وطن و مردم ما در تلاش مذبو خانه هستند و با براه انداختن توطئه و دسیسه می خواهند سگ راه پیشرفت وطن و مردم ما شوند ولی پیروزی مرحله نوین انقلاب به الیات رسانید که نه تنها این تلاشها بجایی نمی رسد بلکه شکست ناپذیری انقلاب ظفر مند مردم ما را نیز الیات نموده است و بر ما شماسنت تابا کار و پیکار انقلابی این شکست ناپذیری را جاودان سازیم.

ادامه دارد.

اکنون سعی می ورزیم تا خویشتن را احساس کنیم و دریابیم که بکدام وضع و حالت روانی قرار داریم تا آنکه بتوانیم نسل جوان را در عملیه های اجتماعی شدن بسر حسب ماده جریانات مهم زندگی بسوی خود ارادیت و آزادی بسر انگیزانیم بدون آنکه جزیی ترین لطمه به آزادی دیگران وارد شود. بصورت عموم ما از پدیده های صعود و نزول انضباط و دسیلین که بجوانان تطبیق میشود حرف می زنیم اما در واقع امر بر یکی از آنها بقدر اوسط هم نتوانسته ایم انضباط و دسیلینی را تطبیق کنیم. در هر جامعه بدون شك و شبهه چه از کلان سالان و چه از جوانان تا حد ممکن مخالف خود ارادیت و آزادی می باشند و حتی بعضی از آنها بامخالفت های علنی شفاهی و زبانی بر علیه آن ایستادگی می کند و بر خی هم هستند که هنوز با فهم کامل و همه جانبه و رعایت احترام متقابل و بدون بزبان آوردن کلمه اعتراض آمیزی به تصامیم معقول و قابل قبول می گریند و در حال و آینده به آن وقع می گذارند. همچنان بعضی از جوانان تا مین و حصول آزادی رادریک ساحه زندگی آسان تر از ساحات دیگر آن می یابند که شاید نزد بعضی دیگر مشکل و دشوار باشد. تفاوت های بارز و علنی بین آزادی های که به مردان و زنان داده میشود محسوس و موجود است. بسیار دلچسپ خواهد بود تا معلومات علمی و تفقه ایرا که توسط بشر شناسان بدست آورده میشود بین ملل مختلف به صورت مقایسوی تحت مطالعه مزید قرار گیرد و سعی بعمل آید تا مابه اوضاع و صحنه های دیگری خویشتن را مواجه سازیم، خاصتا صحنه های که به صورت کلی با ثقافت و روش زندگی، تربیت و تحصیل و انضباط خانوادگی مامغایر و متفاوت باشد آنگاه احساسی را که از مواجه شدن و زیستن بهمچو یک صحنه کاملاً جدید بما رخ میدهد دریابیم و حتی آنرا یاد داشت کنیم.

هریک از ما دارای تجارب منحصر بخود میباشیم. ما از دریافت و شناخت ماهیت و طبیعت انسانی

۱ - جوانی را سراغ دارم که بین دو کشش در یکی از معضله ها و معما های زندگی دست و گریبان بود. او سخت در چنگال افکار ضد و نقیض گرفتار بوده و از لحاظ نظری و تیوری از اظهارات و احتیاجاتش به کمک و خواستن معاوانت آشکارا می شد. اما نمیخواهست سرور و تبختر جوانی را زیر پا گذارد و دست نیاز به طرف کسان دراز کند چنانکه میگفت: ((یقین دارم شما می خواهید در حل این معما ی زندگی به من کمک کنید، پس هر معاوانتی که از شما ساخته باشد در انجام آن دریغ نکنید اما بمن چیزی نگویید و نه به من نصیحت کنید و مشوره بد هید و نه از من چیزی بپرسید، اگر از من چیزی بپرسید و یا به من چیزی بگویید و مشوره بد هید من نه جواب میدهم و نه به آن گوش می کنم ولو که درشت و برحق هم باشید.))

نا تمام
ژوندون

وظیفه جوانان روشنفکر در وضع کنونی

ما را در میان توده ها بخش کرده و به نیروی مادی مبدل نمایند. کسانیکه قلم را تیغ بران مبارزه اجتماعی در جهت خو شبختی و سعادت ز حمتکشان می دانند گفتار فوق را سر مشق قرار داده مطابق بر آن عمل می کند.

نویسنده و هنر مند ز مانسی خد مت گزار واقعی در جا معه شده می تواند که از نیاز های د رو نی مردم واز خواسته های بر حق آنان آگاهی کامل حاصل نمایند. حوادث و وقایع را با چشم باز ببینند. از مداحی و طفره رفتن دروغ بپرهیزد. امروز بر مضمون ترین و قایع تمام تاریخ کشور ما در ساحه گسترده ز ندگی اجتماعی مادر حال تکوین است، اینست عمده ترین موضوع که باید روی آن بحث و بررسی شود هر هنر مند و نویسنده در جهت تغییرات کنونی با بینائی ودانائی بنکرد فقط راهی را که برگزیند که مردم عذاب دیده ای ما از زیر یوغ ظلم و استبداد، آلت فشار و مناسبات فر سوده و رو به زوال فیو دال نجات دهد.

توانستند بپذیرش اصول اندیشه های مترقی بهترین خوی و خصلت انقلابی را فرا گیرند و ز ندگی خود را بر اساس آن عیار سازند. ولی وظیفه روشنفکران در وضع کنونی که میهن عزیز ما در معرض تجاوزات و قیحانه نیرو های اهریمنی ارتجاع و امپریالیزم قرار دارد نباید فقط و فقط به دفاع مسلحانه بسنده کنیم، بلکه جنبه بزرگ دیگری هم وجود دارد! که عبارت از نبرد فکری است. گفته مشهور است که اگر نظریات معینی در بین توده ها نفوذ نماید و مورد پذیرش آنان قرار گیرد به نیروی مادی مبدل می گردد. پس جوانان ما هم باید افکار عالی انسانی و پیشرو عصر

اذهان آنها داخل شده و از نزدیک بآنها در تماس شوند جوانان روشنفکر، برای انجام وظایف مشخص عملی در عرصه سازمان های اجتماعی امور دولتی و موسسات فرهنگی، نقش بارز و ارزنده را ایفا می نمایند امروز بهترین جوانان روشنفکر ما از پشت میز تحصیل علی الرغم مسئولیت های سنگین که در اجتماع دارند سلاح دردست بآبرادر کارگر و دیگر اقشار و طبقات جامعه مابخاطر حرمان دست از دست آورد های انقلاب و امحای کامل باند های مسلح ضد انقلابی روانه جبهات نبرد گردیده اند.

جوانان که نیروی توانا و بازوی برانرژی جامعه بشری بوده و بحق چشم و چراغ کتله های انسانی را تشکیل می دهند رسالت بس عظیم و مسئولیت نهایت سنگین را در قبال خدمت به مردم و پیشرفت و تعالی و آبا دانی جامعه خود دارند. در کشور عزیز ما که انقلاب نور به پیروزی رسیده است و وظیفه جوانان روشنفکر ما را بر مسوولیت تر و سنگین تر ساخته است. بدین ملحوظ و وظیفه سترگ روشنفکران اینست که در جهت حفاظت از دست آورد های انقلاب مجدداً تلاش بورزند در بین توده ها و سبب مردم بخاطر روشن ساختن

ناپذیر فکری، علمی و عملی بوده با ایمان قوی و راسخ و ثبات کامل جوانی در برابر مشکلات اقتصادی، تحولات بنیادی اجتماعی و ملی مبارزه کافی کرده بتوانند.

عناوین جوان در راه خدمت و بر آورده شدن و شکوفائی توقعات ملی در روند تکامل جامعه مختص به عنا صر روشنی آگاه و مترقی متعلق است. که از نور دانش خلاق نیروی جوانی و تجارب کافی و عمیق برخوردار بوده مراحل تیوری و بازتاب علمی و عملی شخصیت ارزنده را پیموده باشند. ولو به هر سن قرارداد دارند. مادر داخل کشور عزیز و محبوب خود از جوانان سازنده و حماسه ساز ورزمنده برخوردار هستیم که تنها به قدرت بازو، اراده و استقامت جوانی، و داشتن افکار پرتوان و بکر و ایده مستحکم و پیشرو با ایمان کامل و سرشار از امید آینده - آینده نیکو پر شکوه و پر جلال و فضایی آزاد عمیقاً داخل پیکار عملی بوده و در نهنگداشت منافع مردم و جامعه نوین و مترقی وطن، باستانی خویش و وظیفه سترگ خود دانسته در شکوفائی هر چه بیشتر سهم بارزی گرفته و میگیرند.

گرفته و عمر ثمری شده نمیتواند. در واقعیت امر جوان کسیست که دارای افکار خلاق و سازنده و عقاید عینی و پیروی مکتب ریا لیسم بوده و عملاً مطابق به مقتضیات عصر و زمان این درك سالم را بخود داشته باشد. ولو تفاوت سن و عمر آنان از چهل و شصت بالا تر باشد.

لقاب جوان شایان آنها نیست که معنا جوان بوده و درك نیرو مند و احساس درونی در اوشان بیدار و رویهم رفته دارای صفات عالی انسانی با اراده، متین و با استقامت جوانی و جوانمردی باشند. و با ثبات این رسالت مندی و مجادله به مقابل مشکلات و نابسامانی روزگار، احساس خسته گی و نا امیدی نه مینمایند.

بلکه رسالت مندی خویش را در محتوای صفات جوانی خوب درك کرده در حرکات و طرز برخورد با مردم و طرز روش با مردم و نفع واقعی همگان و خواسته های اجتماعی شایسته قد علم کرده با قبول اینتر و جا نفسانی ها از صیانت منافع ملی و عمران جامعه پشتیبانی نمایند جوانان رسالت مند و دور ان ساز و پرتحرک، شخصیت ها هستند که حایز نیروی عظیم و عزم خلل

متفاوت است. و از دیدی عده ای آنانی جوان شناخته میشوند که بین سنین هجده الی چهل واقع اند و دارای صفات جوانی به حساب میروند.

و بعضاً هم به گروهی عنوان جوان رامیدهند که دارای اوصاف خون گرم بوده ولی از دوره تجارب و آزمون زمان بدر نیامده است. وهم از نظر بعضی ها کسانی جوان تصور می شود که صرفاً در طرز حرکات شان خود را به اصطلاح تیپیک جلوه داده و استعمال لباس ها و شکل ظاهری و تقلید از ممالک پیشرفته بنمایند ولو که در واقع ثبات و سابقه ای هم نداشته باشند.

پس این همه تصانیف و طبقه بندی ها در تعاریف و تشخیص جوان و جوانی بر مبنای واقعیت استوار نبوده و حاصل آن هم جز اینکه در روابط فامیلی و محیط زیست باعث ایجاد و تفرقه و بی تفاوتی گردیده و روحیه فشرده گی و بسیج شدن و یکرنگی و روحیه کار و عمل را ناتوان ساخته مسبب تولید اشتباهات قرار

نوشته : محمد موسی «راد مش»

جوان واقعی کیست؟

جای تردیدی نیست که آرزوها خواسته ها و توقعات روز افزون مردم و جامعه ما ایجابات و مقتضیات متعددی حیاتی و وظایف و مکلفیتها ی جوانان با احساس و خلاق کشور را به مقابل خواسته ها و نیاز مندی های جامعه و دوران ما حساس تر و عمیق تر ساخته است.

بدین ملحوظ قشر نیر و مند و جوان و روشنفکر در چنین فرصتی از همه بیشتر مخاطب توقعات همگان قرار میگیرند.

اما نقطه قابل بحث و توضیح این است که اوصاف ممیزه و نیرومندی جوان و جوانی در چیست؟

و عنوان جوان مبتکر - خلاق و دوران ساز بکنام قشر و طبقه اطلاق شده میتواند و کدامین اشخاص خواهند بود که طرف چنین خواسته ها و آرمانهای مردم و جامعه قرار گرفته اند؟

از تعبیرات و مطالعات مختلف بر میآید که مفهوم جوان در بسا موارد و محیط و جا معه و ذهنیتها شماره ۲

برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

کتاب دانشمند

خاموش است

کتاب بهترین دوست انسان است. کتاب درجه‌ای به جهان ناشناخته است. کتاب راهنمای خوشبختی است. کتاب اندرزگوی خستگی ناپذیر است.

این ها همه درست است. اینها راهمه میدانیم و تعریف های بسیار بالارزش در باره کتاب بزرگان و دانشمندان گفته و نوشته اند اما چرا این دوست را با اطفال آشنا نسازیم.

چه شیوه‌ی رایجی بگیریم که اطفال با اشتیاق کامل با این هم صحبت دانشمند، متفکر، بی ریا، بی مزد، صمیمی، یکدل و خستگی ناپذیر آشنا شوند؟

بیشتر از پدران و مادران گرفتار ایسن رنج و ناراحتی هستند که فرزندان شان با کتاب، آشنایی ندارند و از این گنج گرانبها بیزار و گریزانند.

تنها با کمی حوصله میتوان بخوبی با این مشکل مبارزه کرد که اطفال بدون کوچکترین ناراحتی به کتاب روی آورند، شب و روز با آن باشند و برای حل مشکلات خود از آن کمک و یاری جویند.

برای رهبری به چنین هدفی، یک بررسی کوتاه روانشناسی لازم است که سعی شود با زبان ساده بیان شود.

بیگمان هر پدیده اجتماعی خواه عینی و خواه ذهنی، معلول علتی است و برای پیدا نمودن آن پدیده می باید به دنبال «علت پدید آمدن آن گشت».

هرگاه می بینیم که طفلی با جسم سالم و روح بانشاط از کتاب، خواه درسی و خواه غیردرسی فرامیگردد باید دنبال علت آن گشت.

دانشمندان روانشناسی در این باره بسیار مطالعه نموده و هر دانشمند علت این بیزاری را به نحوی معرفی کرده اند ولی اغلب راه‌هایی

از این مشکل را نشان نداده اند. مثلا از جمله گروهی معتقدند تنها علتی که اطفال از درس، مطالعه و کتاب دوری می‌گزینند «فقر خانواده است» این دسته از روانشناسان میگویند: اطفالی که در خانواده های تهیدست و فقیر زندگی میکنند به علت کمبود مواد غذایی و انرژی کافی، نبودن وسایل مخصوصا در زمستان و بالاخره عدم توانایی پدران و مادران در بر آوردن نیاز های جسمی و روحی آنها و احساس حقارت این دسته نسبت به همسنگان، دلیل بی علاقه گمی به کتاب و مطالعه است.

البته نظریه مطالعاتی که در قسمت این گروه صورت گرفته است این مسئله عمومیت ندارد و بسیار دیده شده است که شاگردان ممتاز اکثرا از آن خانواده های برخاسته اند که توانایی مالی آنها چندان قناعت بخش نبوده

محمد ظاهر ایوبی

وجیزه‌ها و اندرزها

- شرافت مانند تیری است که چون از کمان جست بازگشت آن محال است.
- کار انسان را از سه بلا بزرگ نجات میدهد - فقر - فساد - احتیاج.
- پیمان شکنی یکی از شاخه‌های درخت دروغ است.
- درخت که از بین خود خود خورده سرنگون می‌گردد.
- مایوس مباش زیرا آخرین کلید که در جیب داری ممکن است قفل را باز کند.
- حرف زدن بدون فکر مانند تیراندازی بدون نشان به هدف است.
- هر چیز درد نیابد شده زیبا است اما زیباتر از همه گشته شدن و جان دادن در راه آزادی و وطن است.
- با مردم دانا زدر حيله در آمدن چنان است که آب را در دهن جویند.
- حفظ جان واجب است اما حفظ وطن و آزادی واجب تر از آن است.
- خردمند طالب کمال است و نادان خواهان مال.
- آدم تنبل از يك گوشه که بگوشه دیگر خزید می‌گوید که عجب سیاحت دور و دراز انجام دادم.

است.

گروه دیگری از دانشمندان به این عقیده هستند که باید ذوق و علاقه اطفال را درست درک نمود و درست‌رشته‌های مورد علاقه او را دریافت مانند رشته ریاضی، نقاشی، شعر، ادب، فزیک، ورزش و غیره خلاصه هر کتابی که طفل از مطالعه آن لذت برد و بتواند ذوق طفل را افشاح کند در دسترس او قرار داده شود.

این بحث ارتباط به اطفالی دارد که هنوز دوران شکستگی استعداد و ذوقی آنها آغاز نشده است که بعضی از آنها به کتابها بیکه زیاد قصه‌های خرس آیند دارد روی می‌آورند.

دسته دیگر از محققان، جدایی میان پدر و مادر را عامل اصلی گریز اطفال از یادگیری، مطالعه و تحصیل می‌دانند و عقیده دارند که خاطره پدر و مادر و مشاهده جای خالی آنها سبب اشتغال دایمی فکر کودک میشود و طبیعتا حوصله برای مطالعه کتاب برای او باقی نمی‌گذارد.

با اینکه این نظریه طرفداران فراوانی دارد و با برخورد هایی که مردم در اجتماع میکنند تا اندازه این عقیده را قبول نموده‌اند، لیکن اگر نظری به زندگی نابغه‌ها، بزرگان و رهبران جهان به افکنیم می‌بینیم که بیشتر از آنها از داشتن نعمت پدر یا مادر محروم بوده‌اند و با

وجود این برای اجتماع خود و حتی بسرای جهان بشریت مولر واقع شده‌اند.

همچنان اگر پدران و مادران به این عقیده باشند که توسط تنبیه کردن، سلی زدن، ناسزا گفتن اطفال را مجبور به مطالعه، نوشتن و غیره می‌کنیم نه تنها مفید نیست بلکه نتیجه است آموخته‌است که ظاهر این اطفال به مطالعه چه کتاب درسی و چه غیر درسی می‌پردازد اما با استفاده از کوچکترین فرصت یا روی صافه کاغذ به نقاشی می‌پردازد. یا تلویزیون تماشا میکند و یا با برادر یا خواهر خود سر صحبت را باز میکند و یا به روی کتاب خوابش می‌برد، بنابراین، اگر توجه و مراقبت پدر و مادر این است باید گفت بی توجهی به مراتب بهتر است.

پس باید علت اصلی را جستجو نمود: برآستی چه عاملی باعث میشود که اطفال با وجود اینکه از نظر جسمی و روانی کاملاً سالم و تندرست است، و از طرز بیان آنهاش همه میتوانند درک کنند که سرشار از هوش و استعداد است، طفلی که از زدن و ناسزا گفتن پدر و مادر و شنیدن جملات رکیک نفرت دارد به یقین وحشت او را از درس و کتاب دو چندان می‌سازد.

باید بگویم که نظریات بالایی را رد نمیکنیم اما با اطمینان می‌گوییم که هیچیک از علل گفته شده نهایی و قطعی نیست پس علت اصلی را جستجو کنیم که نیازه توضیح بیشتری دارد. او تر از همه باید شخصیت طفل را مورد مطالعه قرار دهیم پس از درک شخصیت طفل میتوانیم علت را پیدا نماییم که یقینا راه رفع ایسن مشکل آسان میشود.

شخصیت اجتماعی چیست؟

آزمایش های گوناگون روانشناسی اجتماعی ثابت کرده است که طفل هنگام تولد کاملاً فاقد شخصیت است این اطرافیان او است که آرام آرام به طفل شخصیت می‌دهند و این شخصیت به مرور زمان رشد میکند و شخصیت اجتماعی او امی سازد.

البته اطرافیان طفل عبارت از پدر، مادر، خواهر، برادر او، پس باید گفت که: «شخصیت اجتماعی» طفل در خانواده رشد می‌کند و رفته رفته تصاویری از اطرافیان در مغزش نقش می‌بندد.

اما این نقش ها تنها شکل ظاهری آنهاست
ارزش و تفاوت وضع اشیا برای او مفهومی
ندارد .

مثلا يك مار ممکن است در اطراف طفل دیده
شود و طفل مانند سامان بازی همراه او بازی کند
اما رفته رفته همچنان به انر
تجربه و تحلیلی که طفل میکند ازان موضوع
درک درست کند چون «تقلید» در اطفال بسیار
قوی است اعمال و افعال اطرافیانش بهترین
نمونه اشق اوست ، و هر کاریکه اطرافیانش
انجام میدهند درست و منطقی نباشد کار های
طفل نیز مورد تأیید دیگران واقع نمیشود و
برعکس اگر اعمال اطرافیانش مثبت باشد
شخصیت او درست انکشاف نموده و این
عکس العمل در طفل وضعی را ایجاد میکند که
به آن «شخصیت انکشاف یافته طفل» میگویند.
باید یاد آور شد که اطرافیان طفل را به
دودسته تقسیم میکنند :

دسته اول که مستقیما با طفل در تماس و
معاشرت هستند و دسته دوم کسانی که ندرتا و
غیر مستقیم با طفل در تماس می باشند .
اعضاییکه در ارتباط مستقیم با طفل اند عبارت
اند از پدر، مادر، خواهر و برادر طفل دانشمندان
روانشناسی سه مرحله را در ساختن و با انکشاف
«شخصیت» طفل و دوران تکامل آن در نظر
دارند :

مرحله اول : تقلید کور کورانه، که از دوز
تولد تا سه سالگی است و در این مدت طفل
مطلقا بدون تفکر از اطرافیان خود تقلید میکند.
مرحله دوم را به نام مرحله
بازی نیز یاد میکنند که از سه سالگی تا پنج
سالگی ادامه می یابد .
در این مرحله طفل «خود» را می شناسد و در

برابر هر کاریکه اطرافیان او انجام میدهند
عکس العمل نشان میدهد و تمام کردار، رفتار
و گفتار بزرگان را در قالب بازی های طفولانه خود
تقلید میکند .

مثلا نقش يك معلم ، يك کيسه گار ، پدر
خا نوا ده ، ماد ر خا نوا ده
را اقتدر ماهرانه تمییز میکند که
گویی درین وظیفه مهارت خاصی دارد مثلا اگر

بهار نارنج

در فصل بهار درختان نارنج
شکوفه می کنند و گل سفید و
معطری بو جود می آورند که به
آن بهار نارنج می گویند .
در طبابت یسو نانی از گل
یعنی شکوفه و میوه و برگ درخت
نارنج در موارد مختلف استفاده
می کنند . زیرا این قسمت های
درخت نارنج دارای خواص ضد
تشنج و درد ، خوا با آور، معرق،
مقوی معده ، تب پرو ... است .
برگ و گل درخت نارنج
اختلالات عصبی را مانند تشنج
قلب ، فلج های عصبی ، تشنجات
معدوی بی خوابی و راتسکین
و تخفیف می دهد .
مصرف مقدراری از برگ و گل
نارنج هضم غذا را آسان نموده
و در حین حال عرق آور نیز
می باشد پوست نارنج برای معده
هایی که ترشح زیاد دارد بهترین
دوا و داروی موثر می باشد که
مصرف آن درینحالت معده را
تقویه نموده و اشتها ی دو ران
سلامتی را با زبر می گر داند .
طرز دیگر استفاده از پوست
نارنج اینست که پوست آنرا به
تکه های خورد تبديل نموده یعنی
به اصطلاح خلال می نمایند و بعد
می گزارند که خشک شود بعدا يك
قاشق آنرا در يك گیلان آب
انداخته بعد از جوش دادن برای
مدت پانزده یا بیست دقیقه
آنرا دم می دهند و هر روز يك

گیلاس آنرا قبل از غذا صرف
می نمایند که باعث اشتها ی خوب
می گردد .
همچنان اگر پوست نارنج تازه
نصف کرده شود و زیر خریج (یعنی
آتش) قرار داده شود بهترین ادویه
یسی برای التیام زخمها محسوب
می گردد .
از شکوفه درخت نارنج ها نند
عرق گلاب عرق می گیرند که دار-
رست برای آزارش اعصاب و
سردردی و شکم دردی .
واکثر خا نواده ها خلال نارنج
را با برنج یکجا طبخ نموده که
غذای مفید و خوشمزه یی بنام
نارنج پلو تهیه می شود . اگر
اندکی از جنبه های دارو یی
نارنج دور پرویم بد نیست که
نوعی از استفاده یی را که خانمها
برای زیبا یی خود از نارنج می
کنند شرح دهیم بعضی از خانمها
و دختران جوان که پوست روی
شان دارای سو را خهای کوچک
است که اگر دقیق شویم می
توانیم آن سو را خها را ببینیم
مسلمتا که چنین خا نمهای ازدا-
شتن چنین سو را خها در جلد خود
نا را حث هستند . این خا نمها
برای رفع این نقیصه آب نارنج
را با عرق گلاب مخلوط نموده
و هر روز روی خود را با آن می
شویند که بعد از چند ی جلد
آنها زیبا یی و طراوت خود را
باز می یابد .

پدر یا مادر مقابل طفل به مطالعه روزنامه
مجله و با کتاب بپردازد فوراً طفل کتاب یا مجله
را برداشته و به تقلید از پدر و مادر می پردازد
و تظاهر به خواندن میکند .

مرحله سوم از پنج سالگی به بعد آغاز میشود
در این مرحله اطفال زیاد تر به بازی های گروهی
یا گروهی شروع میکنند و زیاد تر علاقه مندند
که در بازی های دسته جمعی حصه بگیرند و در
حقیقت شخصیت واقعی خود را نشان میدهند .
شخصیتی که کاملا ساخته و یافته مشاهدات
مرحله دوم زندگی او یعنی از سه سالگی تا پنج
سالگی است . و روانشناسان به این عقیده
هستند که شخصیت هر کس ، انعکاس دهنده
شخصیت اطرافیان او است و طفل را مثل يك
آئینه پاک خوانده اند یعنی دیگران شخصیت
های خود را در آئینه پاک ذهن او منعکس می سازند
و آنگاه از مجموع این شخصیت ها شخصیت
اجتماعی طفل شکل میگیرد .
پس هرگاه طفل از درس و کسب دانش و
خواندن کتاب و مطالعه فراموش کند باید علت
آنرا خانواده و اطرافیان او جستجو نمود زیرا
خانواده تأثیر مستقیم روی طفل می گذارد .
و برای اینکه اطفال عادت مطالعه را پیدا کنند
همیشه پدران و مادران به مطالعه بپردازند
و طفل هنگامیکه می بیند پدر یا مادر و یا خواهر
و برادرش مطالعه میکند، به تقلید از آنها
به خواندن کتاب شروع میکند و فوراً به مطالعه
روی می آورد .

شاید در اول این کار به پیروی از حس
تقلید باشد لیکن رفته رفته جزء عادت او میشود
و شخصیتش را اینطور می سازد خواندن و
نوشتن را عادت روزانه خود می داند و مانند پدر
باید عمل میکند .
درین وقت که طفل با تقلید از پدر و مادر
به کتاب و مطالعه علاقه مند شد باید پدران و
مادران برای تهیه کتابهای درخور سن ، سال
ذوق و استعداد پرداخته و طفل پس از مطالعه
این مواد تهیه شده به سوالات گوناگون از پدر-
مادر و اطرافیانش می پردازد درین وقت است که
آنها با حوصله و در خور فهم و برداشت طفل
باید به آن ها پاسخ دهند و هم بگویند که طفل
زیاد تر کتابهای درسی خود را مطالعه کند .
قبول این روش رفته رفته وحشت مطالعه
و یاد گیری را از ضمیر طفل پاک میکند و شوق
روز افزونی به اینکار در او پیدا میشود .
دیگر پدران و مادران و مربیان متوجه این
موضوع باشند که محیط مساعد طفل را زیاد تر به
مطالعه می کشاند زیرا اگر محیط مساعد برای
فراگیری موجود باشد طفل به چیز دیگر
نمی اندیشد .

چيستان

عجایب گنبد و الاتباری
نه در دارد ، نه دیوار و حصار
بنازم قدرت پروردگاری
در دلت هست لشکر بشمار
جواب خشخاش
عجایب صنعت نادیده دینم
پربرویان به بستان تازه دینم
چو دست کردم گل از باغش بچینم
بیک محمل دو صد دردانه دینم
جواب انار

نوی زمانه

راغله راغله راغله ، نوی نوی زمانه
نوی شوه او نوی زده شوی ترانه
لویزی نسکو زبیری زاپه شوی او وراسته
تیره شوه او هیره داو هامو افسانه
گهدی چیاو لگدی دژوندون به زور پورجل
وپی بی یرغلونه جانانه او جانانه
رغری هر خه رغری د زمانه د خخ پشوکی
لوتی لوتی کیری د فکر ونو جیلخانه
نه شی یتنگیدلای زنجیرونه به شلیدودی
شلیزی دیباغی نظر د متو زولانه
زه به دی دگرگی له جگری سره ملگری
خکه می شعرونه کمرل دی لارگی نذرانه

لیکونی : ساردا میترا دهندو-
ستان د کمونسټ گوند دملی شورا
غړی

ژباړونکی : حضرت گل (حسامی)

د بانډونګ

افکار

او زموږ

د دوران

واقعیت

پنځه ویشت کاله پخوا د بین-
المللی سیاسی لغاتو په فرهنگ کې
یو نوی سیاسی مفهوم وړ زیات
شو .
(بانډو نک !)

د اسيا او افريقا د خلکو او هیواد
ونو په اجتماعی ژوندانه کې یو
مهمې پدیدې ، جغرافیایی نوم
ترلاسه کړ . د اندو نیز یا د خاوری
سمسور او میلمه پالونکی بنسار
بانډونک خپل نوی ویاړ همستوونکی
نوم داسیا او افریقا د هیوادود
کنفرانس له خاطره وگاڼه . نوم
چی په ۱۹۵۵ عیسوی کال په دی
بنسار کې تشکیل شو .

کوم شی د دی سبب شو چی د
پنځه ویشتو کلونو له تیریدو
وروسته د دوهم ځل له پاره دایینه
زموږ پام ځان ته را اړوی . نه شی
کیدای چی په دی هکله بیلا بیل
عقاید وجود ونلری .

د بانډو نک کنفرانس د یوستر
بین المللی قوت د پیدایښت په
خیر یعنی د مستعمراتی او نیمه
مستعمراتی تړنو څخه د آزادو شویو
هیوادو او لسونو غورځنګ دی چی
د بانډونک کنفرانس یی په نړیواله
سطحه د عامو دموکراټیکو او کپو
نظریاتو د ریڅو نو په نسبت
لومړنی حرکت وی .

د بانډونک دکنفرانس وروستی
اعلامیه تړن هم داسیا او افریقا
د نامتو دولتی شخصیتو نو په
بصیرت او سترگو رتوب بانسوی
شاهدی و رکوی چی په هغه وخت
کې یی وکولای شول د شلمی پیری
په دوهمه نیمايي کې د نړیوال
تکامل د بهیر حتی عمده تمایلونه
وخلوی .

د دی کنفرانس گډون کوونکی
خوریدلو ا نسا نانو او اولوسونو
د اساسی حقوقو دفاع ته را پورته
شول او د ملتونو د سر نوشت د
ټاکلو د عادلانه حق د رښتیا کیدو
غوښتنه یی وکړه او د نژادی توپیر
غیر انسانی عمل یی محکوم کړ .
سر بیره پردی اگرچی د کنفرانس
په وروستی اعلامیه کې په مستقیم
ډول امپریالیزم نوم نه و اخیستل
شوی . د هغی د یرو موادو مشخص
امپریالیستی ضد تمایلونه درلودل .
د دی تمایلاتو له جملی څخه یو هم
د کنفرانس په واسطه د خلکو په
اسارت کې راوستل لاسبری او د
خارجی استثمار غوڅه غندنه وه .
د بانډو نک د کنفرانس بنسار
وروستی سندکی راغلی و چی :

(. . . استعمار د هغه په ټولو
بنسارندو کې یو دارنگه فلاکت دی
چی باید یی له ځنډه پای ته ورسول
شی) .

دا نظریی چی امپریالیستی ضد
خصلت یی درلود په اوږده موده کې
په بین المللی ډگر کې د مخ په وده
هیوادو د ډله ایزه اقداماتو اساسی
مضمون تشکیللا ده .

بانډو نک همدارنگه د اسيا او
افریقا په تاریخ کې نو مړنی غونډه
وه چی په نوره سطح کې یی سوله
ایز ژوند - سوله ایز کار او سوله
ایزی را تلونکی ته د دی دوه لویو
وچو دو لسوتو تمایل اعلام کړ .
کنفرانس خپله زوره اندیښنه چی
د هغی زمانی د ((سپری جکسپری))
په وخت کې د بین المللی اوضاع د
کې کیچن کیدو سره په رابطه کې
اوله هغی څخه د رامنځ ته شوی
اتومی جکسپری د خطرونو په مقابل
کې څرگنده کړه او دسولوی او امنیت
د بنسپونو د ټینګښت د وسلو
ټینګښت د پوره بی وسلی کولو په
لازه کې د یو گام په خیر - په
اغیز ټاک بین المللی نظارت سره د
دزروی وسلی له منځه وړلو ته بلنه
ورکړه په دی ترتیب سره داسیا او
افریقا هیوا دو نو - د دی

مهمی بین المللی مسئلی په نسبت
خپل دریځ په دقیق ډول سره
مشخص کړ او په څرگنده توګه یی
وښود له چی نه غوازی د دی مسالی
دخل نه جریان څخه په جنسک
اوسی .

کنفرانس د بین المللی مرستی
د مسالی په نسبت پراخ - هر
اړخیزه او دور اند یشانه چال چلند
درلود ، او هغه یی وکړه چی دی
مرستی ته د سوله ایز گډ ژوند
دوستی او ښه گاوندی توب روح
ور پو کړی . دا قضا دی مرستی په
مسایلو باندي - د متقابلې گټی او
د ملی حاکمیت حق ته د درناوی
په بنسپت تکیه شوی وه . کنفرانس
گډون کوونکو هیوادو ته توصیه
وکړه چی د بین المللی قیمتونو د
ټینګښت له پاره او دامو موادو
د غوښتنی په هکله گډی هڅی
وکړی او د دی مسایلو په خیرنه کې
په بین المللی غونډو کې یو شان چال
چلندو لری . د آزاد شویو هیوا دو
دالو ری د بانډی سو دا گسری
په زمینه کې د امپریالیستی حکم
چلولو په ضد - وروسته په اویایمو
کلونو کې په یو عمده تمایل باندي

واوښت .

د بانډو نک کنفرانس همدارنگه
داسیا او افریقا هیوا دو
تر منځ د فرهنگي تماسونو خاص
رول ته اشاره وکړه او په عین حال
کې یی په نړیواله سطح کې د پراخو
مرستو اهمیت یادکړ او په دی هکله
یی د هر ډول توپیر ډله مینځه
وړلو غوښتنه وکړه . د اجتماعی
پر مختک د مسایلو سره په رابطه
کې داسیا او افریقا د هیواد و لسه
پاره نوی اصولی چال چلند د
دکنفرانس په واسطه په تصویب
شوی وروستی سند کی ثبت شو .
په دی اسانس چی ((ټول هیوادونه
باید حق ولری چی په آزادانه توګه
خپل سیاسی او اقتصادی دی
سیستمونه او د ژوند طریقې))
د ملګرو ملتونو د سازمان د
اساسنامی د مفهوم له مخی غوره
کړی . د کنفرانس گډون کوونکو
په عملی توګه دامپریالیزم «داحق»
چی دودی په حال کې هیوادو باندي
خپل په زړه پوری اجتماعی نظام
وروستی ، نفی کړ . وروسته بیسا
د مستعمراتی سیستم د وروستی
تس نس کیدو په جریان کې - په
نړیوال ډگر کې د سو سیا لیستی
لوری په مخ کې نیوونکو هیوادو د
ورځ په ورځ زیاتیدو نکی شمار سره
دانفی ، په واقعیت واوښت .

با لخره د کنفرانس په اعلامیه کې
د سوله یز گډ ژوند اصول :
(بانچا شیل)) په خپل مشخص
شکل کې چی په هماغه وخت کې یی
بین المللی شهرت تر لاسه کړی و ،
ځای شول .

د بانډو نک د لاس ته راوړنو په
اجمائی راغونډونی سره کسولای
شو نتیجه واخلو چی د ځینو
ارتجاعی محافظو د مخالفت سره سره
بالاخره د سولوی په شرایطو کې د
خپلواکی وده په لاره کې د استعمار
لهجغ څخه دآزاید و نکو هیوادو او
خلکو اساسی لوری نیول ، داکثریت
په وسیله تصویب شو . اما په هغه
وخت کې په کنفرانس کې د گډون
کوونکو د نیت په هکله دا پوآزی
یوه اعلامیه وه چی په راتلونکی کې
یی باید تحقق موندلای وای .

د یوی دا رنگه لوری نیولی په
خاطر ډیری سختی مبارزی په مخ
کې وی اومتا سفا نه ، داسیا او
افریقا ټولو هیوادونو او له هغی
جملی د بانډونک د کنفرانس

گهون کور و نه شول کولای چی
په راتلو نکی کی د باندونک دروح
او مصوبو په نسبت خپله وفا داری
خرگنده کړی . د ((سړی جگړی))
قیودات ، او سیاسی او نظامی
پکتو نو پوری تعلق چی دامپریالیزم
له خوا رامنځ ته شوی و ، په ځینو
مواردو کی واقعی استقلال ته له
تمایل - او په بین المللی چارو کی
د مستقل نقش خخه پیاوړی را
خرگند شول .

په ظاهری توگه - د دی علت
چی د باندونک د کنفرانس
وروستی تصمیم دآسیا او افریقا
د هیوادو د نوی کنفرانس درابلنی
په هکله په کاروانه چول شو ، هم
همدا واقعیت و .

سره له دی هم ، اصلی لوری
نیول چی په باندو نک کی مشخص
شو ، په همیشنی ډول سره
تینگیزی . د امپریالیزم او استعمار
په زیان په نړی کی د قوتونو د
اندول تغییر ، چی د سو سیالیستی
سیستم د قدرت وده او داستعمازی
امپریا توریو د تس نس کیدو د
پروسی زیات چتک کیدلو (په تیره
بیا په افریقا کی د شپیتو کلونو
په پیل کی) په دی شاهدی ورکوله

له دی چاری سره مرسته وکړه د
استعمار د تس نس کیدو او د
لسگونو هیوادو د آزادی د اعلامیه
سره یو ځای آزادی بڅینو نکسی
مبارزی پخپله زوره محتوا ترلاسه
کړه چی نه یوازی د انگلستان او
فرانسی او نورو د مشخص استعمار
سره بلکی د امپریا لیزم سره د هغه
سیستم په څیر چی د دی هیوادو
اسارت ته یی ادامه ور کوله او هڅه
یی کوله چی له هرڅه وړاندی یی په

هغوی باندی په اقتصادی زمینه کی
نوی استعماری اسارت او هراڅیزه
تر نه تحمیلو له ، لاس او کریوان
کیدو .

په عین حال کی خرگند یدله
چی د بین المللی اوضاع کړ کیچن
کیدل او ((سړه جگړه)) چی یو غوره
عنصر یی د امپریا لیزم او له هرڅه
وړاندی د امریکا د امپریا لیزم په
واسطه او له هغی جملی په آسیا کی
د نظامی پکتونو د سیستم ایجادول
دی . په دی مبارزه کی د بسری د
تر لاسه کولو له پاره خنډونه رامنځ
ته کوی . دا پکتونه لکه سینتواو-
سننو (په پیل کی د بغداد پکت)
چی شوروی اتحاد ته متوجه وو ، د

امپریا لیستانو له خوا زموږ په
لویه وچه کی له هرڅه وړاندی دنوی
استعماری هډ فونو د ترسره کولو
د آلی په څیر په کاریدل . په دارنگه
شرایطو کی د ۱۹۶۱ کال په
سپتا مبر کی د بلگراد په کنفرانس
کی د ناپییلو هیوادو غور څنک له
سازمانی لحاظه شکل ونیو . دی
کنفرانس د باندو نک د افکارو
ژوندی پاته کیدل په خرگنده توگه
وینودل او داسی ښکاری چی په
نویو شرایطو کی د هغوی د فعالیت
ادامه ده . په باندو نک کی تدوین
شوی اصول چی پورته اشاره ورته
وشوه د غور څنک د پروگرام
بنسټ تشکیل کړ . په بلگراد کی
یی یوبل اصل یا محدودیت ، یعنی
نظامی پکتونو سره د نه یوځای کیدو
اصل په هغی وراضافه کړ ، او له
ملی آزادی بڅینو نکو غور څنکونو
سره مرسته د ناپییلو د غورڅنک
د یوی غوره وظیفی په عنوان
وټاکل شوه .

نظامی پکتونو سره د نه یو ځای
کیدو فکر لکه خرنگه چی پوهیږو
د هندوستان ددولتی نامتو شخصیت
او د هغه هیواد د لومړنی صدراعظم
جواهر لعل نهرو له خوا مطرح او
فرمول بندی شوی و . هیواد پال
او دموکرات جواهر لعل نهرو درک
کوله چی د خپلواک شویو هیوادو
راتلو نکی سر نوشت تر زیاته
حده پوری په نړیواله سطح کی د
مستقلو دریخونو په نیولو کی د
هغوی د پیاوړی تیا پوری اړه ولری .

جواهر لعل نهرو د خپلواک
هندوستان د راتلونکی باندینیسی
سیاست په هکله د سنجش او تفکر
په ترڅ کی د ۱۹۴۶ کال په
سپتامبر کی د ډهلی له رادیو څخه

په خپلی بیانی کی اعلام کړ چی
قصد لری د ټولو بین المللی مسایلو
په نسبت خپل دریخ د هندوستان
گټوته په پاملرنی سره وټاکي او په
نړیواله سطح کی (د هغه ډلبندیوله
سیاست څخه چی یو ډبل په وړاندی
ولاړ دی په څنک پاته شی) د هغی
دوری په شرایطو کی د سو سیال-
لیستی هیوادو په ضد (سړی جگړی)
ته د امپریا لیستانو له خوا لمن
وهل کیده او مشهور جون فاستر-
دالس اعلام کړی وه . هر څوک
چی (له مونږ سره نه دی زمونږ-
مخالف دی) د هغه دریخو نو
امپریا لیستی ضد ماهیت کوم چی

جواهر لعل نهرو فرمو لبندی کړی و
دارنگه رو ښانه و چی د دالس د
زیر عکس العمل موجب شو او
هماغه دالس و چی دا دریخ یسی
(له اخلاقی مبادیو سره مغایر) ونو
داوه .

وروسته بیا نهرو خو خو څله
توضیح کړه : که چیری هندوستان
اعلام کړیدی چی د یوی ډلبندی
پوری به ونه ښلی ، داچاره په
بین المللی مسایلو کی له بی طرفی
انفعال یا ځانگړ تیا غوښتنی سره
هیڅ ډول گډه وجه نه لری او د
(دوو څوکیو په منځ کی د کښینا-
ستلو) په معنی نه دی . د دی په
خلاف نهرو په ناپییلتوب کی د هند
له پاره هغه امکان لیده چی په

نړیوال ډگر کی په فعال ډول او په
خپلواکی کړ نلاری سره د عمل
میدان ته ودانگی . نو موږی دی ته
تیاری وښود له چی له ټولو هیوادونو
سره د برابر و حقوقو په بنسټ
مرسته وکړی او په مشخصو
مسایلو کی له هغوی څخه ملاتړ
وکړی کوم چی د هند له گټو سره
موافق دریخونه لری .

د پام وړ ده چی نهرو د مانیل
او بغداد د تړون د لاسلیک کیدو په
ارتباط (چی د دی تړونونو په سبب)
دآسیا په جنوب ختیځ او جنوب
لو یدیځ کی نظامی بلو کونه تشکیل
شو) د ناپییلتوب د سیاست محتوا
لا زیاته مشخصه او دقیقه کړه .
نهرو په دی هکله د هند په پارلمان
کی خرگنده کړه .

د هغه عواملو څخه د استفادی په
ځای چی د سولی ، بی وسلی کولو
او د کړ کیچ د کمښت په لوری کی
عمل کوی ، هغوی په قصدی توگه
ددی عواملو دودی مخه نیسی اونور
تما یلات چه د کرکی وحشت او
اندیښنی حس پیاوړی کوی اود بی
وسلی گو لو مخه نیسی هڅوی . نهرو
ددی یادو نه وکړه چی حتی دمانیل
په کنفرانس کی دهند ساده گهون
«پاتی لایه سیتوکی دغږیتوب منل»
به په دی معنی وی چی مونږ دخپل
نا پییلتوب له اساسی سیاست څخه
منځ اړولی دی .

په دی تر تیب کوم وخت چی
دنا پییلتوب د فکررینه دهغه (عدم)
په مقطع کی لکه «په هغه بلوکوکی نه
گهون چی دسترو دو لتو نوله خوا
منځ ته راغلی دی» تر څیر نی لاندی

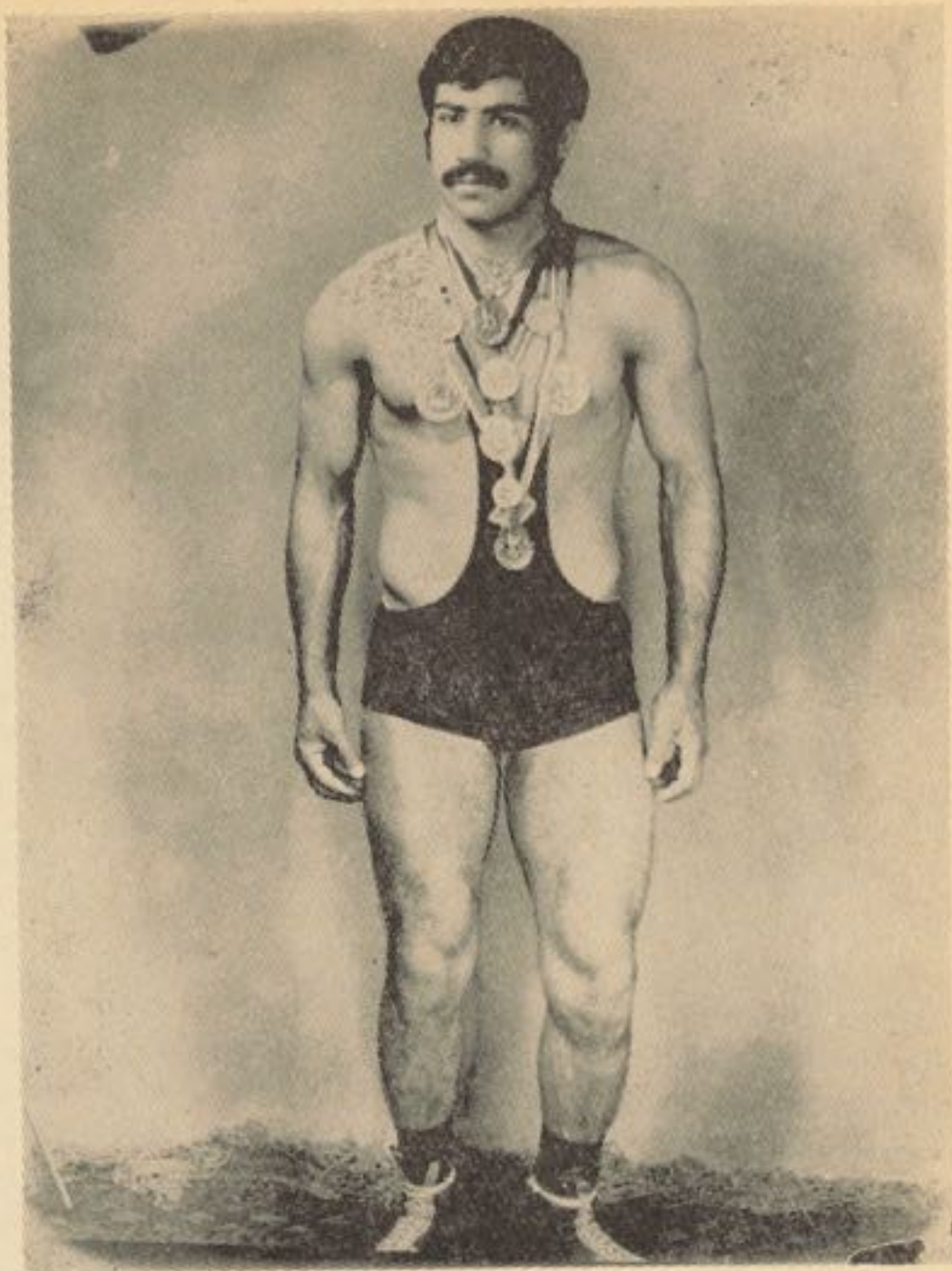
نیول کیری ښکاری چی داستعمار له
منگلو څخه دآزاد شویو هیوا دو له
پاره ددی امکان غوره کول چی له
کومو بلوکونوسره یوشی یانه شی ،
اصولا وجود نلری . دآسیا یا افریقا
په لو په وچه یابه لاتینه امریکا کی
هیڅ یو داسی بلوک نه شته چی
دشو روی اتحاد له خواتشکیل شوی
وی او اوس هم وجود نلری . یوازی
هغه بلوکونو و جود در لود چی
دامریکا دامپریا لیزم له خواتشکیل
شوی وه لکه سینتو اودبغداد پکت . او
خپلواک شویو هیوا دوتنه یوازی یو-
سوال په منځ کی پروت و دی تړونو-
کی شامل شی یا تری بهر پاتی شی .
او همداوهم دریخ وه چی بالاخره

«دناپیلتوب» په نامه مشهور شو
دا دحیرا نتیا ځای نه دی چی
دنا پییلتوب دغور څنک غوڅ اقدام او په
طبیعی توگه له هر څه وړاندی دآسیا
او افریقا هیوادو دامپریا لیزم
استعمار او نوی استعمار
د نړی د پالیسی او د سولی او
سوله ایزگه ژوند په خاطر اوله هغی
جملی هغه اصول چی «دخپل سر-
نوشت دټا کلو له پاره دخلکو حق
استقلال اود اقتصادی اجتماعی

او فر هنگی ودی دلاری په غوره کولو
کی دآزادی امکان» په هغه کی ځای-
شوی وه دامپریا لیستانو له خوا
دمنفی او سخت عکس العمل موجب
شوه . دناپییلتوب ددی ماهیت دپیل
په ضد چی دامپریا لیستی ضدقو-
تونو دعا مو دمو کرا تیکو دریخو نو
بیا نوونکی دی- امپریا لیزم ترنه
پوری خپلی پر له بسی تبلیغاتی
جگړی ته دوام ور کوی . اگرکه هر-
څومره په خبر وکی «زما نی تغییر
خوږ لی دی» خپل ځان ددی غورڅنک
او رجن» پلوی» ښی .

دورو ستیو کلو نو په ترڅ کی
دنا پییلتوب دغور څنک په ضد دارتجاج
دسیسو او تو طنو خورا زیات زور
اخیستی دی اودا چاره په لومړی
پړاو کی په معا صره نړی کی ددی
غور څنک دنقش او نفوذ دټینه کمښت
پوری اړه لری . امپریا لیستان په تیره
بیا له دی مو ضوع څخه سخت په
تشویش کی دی چی نه یوازی سیا-
سی نوی استعمار له ماتی سره مخامخ
دی «نظامی بلو کو نو تس نس کیدل
دامپریا لیزم پوری دتړلو رژیمو نو
نسکور یدل» بلکی نوی استعمار ری
اقتصادی لاری چاری هم کوم تا ئیر
نه لری .

نور بیا



مرحوم پهلوان صدیق زرگر

بقیه صفحه ۲۷

مرگ نا به هنگام...

مرحوم زرگر درحوت سال ۱۳۷۵ با سایر کشتی گیران افغانی برای اولین بار در مسابقات بین المللی جام دانکولف بلغاریا شرکت نمود که با گرفتن مدال برونز به کشور مراجعت نمود. صدیق زرگر چهره طلایی ورزش پهلوانی کشور در اولین جشن انقلاب نور درین رویداد عظیم و تاریخی با کشتی گیران کشور های اتحاد شوروی بلغاریا، چکوسلواکیا و عراق دست و پنجه نرم کرد و مدال طلای اولین جشن تاریخی انقلاب شوروی افغانستان قهرمان را مال خود ساخت. در حوت سال ۱۳۵۸ با هم در مسابقات بین المللی جام دانکولف منعقد در بلغاریا در وزن ۶۲ کیلو گرام شرکت ورزید. او در مجموع چهار مسابقه را چنان ماهرانه و استادانه در برابر ورزیده ترین چهره های قاره اروپا (دارندگان افتخارات سرشناس مسابقات مختلف اروپایی و جهانی) پشت سر گذاشت که تمام تماشاگران زال فستیوال بلغاریا به مهارت شجاعت این کشتی گیر با قدرت کف میزدند و احساسات نیک شان را تازو میدادند سرانجام در پایان آن مسابقات مدال برونز به وی تعلق گرفت و آرام و خونسرد به سکوی قهرمانی همراه با دیگر برندگان مدالهای طلا و نقره بالا رفت و سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان بخش گردید و همزمان به آن بیرق ملی کشور محبوب مان نیز به افتخار پیروزی این چهره ر قهرمان به اهتزاز درآمد.

این چهره پر درخشش پهلوانی کشور در مسابقات انتخاباتی المپیک ۱۹۸۰ مسکو در وزن ۶۸ کیلو گرام شرکت ورزیده و درین وزن با وجود که بار اول بود اشتراک ورزیده عنوان قهرمانی را با مهارت چشمگیر حایز شد و پیش از آنکه تیم عازم دهکده المپیک ۱۹۸۰ مسکو شود وی همراه

ادامه میداد ولی مرگ نا به هنگام او را مجال نداد تا افتخارات بیشتر نصیب شود او جوانی بود بشاش صمیمی و دوست داشتنی او در دست ستگیری و سخاوت به ناتوانان دست کم از دیگران نداشت او علاوه بر مصروفیت های ورزشی اش عضویت اتحادیه های صنفی افغانستان را نیز داشت و درین راه هم خدمات قابل قدری را انجام داده است.

در آخر یکبار دیگر مرگ نا به هنگام وی را به همه اعضای فامیل مرحومی و سایر دوستان و هموطنان شرافتمند خود تسلیم گفته برای مرحومی از باز گاه ایزد متعال طلب مغفرت می نمایم.

یاد و کشتی گیر دیگر افغانی سفر به کشور بولند نمود. و از آن مسابقات مونتقانه به کشور باز گشت. زرگر همراه با سایر ورزشکاران افغانی عازم المپیک ۱۹۸۰ جهانی مسکو گردید و در جریان تمرینات برای آمادگی بیش از پیش آن مسابقات در ناحیه گردن صدمه دید و به اثر توصیه دوکتوران موظف از آن مسابقات محروم گشت.

مرحوم زرگر قبل از اینکه داعی اجل را لبیک بگوید مصروف سپری نمودن دوره مکنیفت عسکری بود با آنهم دست از تمرین نکشیده تمرینات خویش را گاهی در کلب ورزشی قوای مسلح و زمانی در کلب ورزشی افغان تحت نظر خلیفه امیر جان

بقیه صفحه ۱۵

مولانا جلال الدین...

سایند، سه روز در آنجا ماندند و در دو مین روز ماندنشان به خدمت شیخ عطار رسیدند. عطار، آن زمان واپسین روزهای زندگی را میگذراند ((چند روز دیگر مغلان به نیشاپور میریختند و سرش از تن جدا میگردند.))

او که آوازه دانش بهاء الدین را شنیده بود. در تجلیلش کوشید، آنگاه عطار جلال الدین را دید که با رقه هوش و هوشمندی از دیدگانش سا طع بود.

روبه بهاء الدین کرد و گفت: زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند، نگاهش و سینمایش چنین حکایت میکنند.

جلال الدین که هنوز در آغاز راه دانش پژوهی قرار داشت سر بریز افکند و خموش ماند و عطا سخن سرای پا کدل عرفان پیشه گسه جلال الدین هرگز یادش را از خاطر نزد او، افزود:

در خموشی او، یک آسمان سخن میخوانم...

پس دستها را بر آسمان گشود، برای جلال الدین دعا خواند، و برادر آغوش کشید و نواخت و مشنوی ((اسرار نامه)) را بنام او ساخت.

عطار بحق از آتش روح جلال الدین سخن گفته بود.

ناتمام:
ژونون

مغلان چون سیلی که بسی محابا در نشیبی افتد در خراسان سر ازیر میشدند، داستان خونریزیهای آن فتنه گران، دهان به دهان، شهر به شهر می گشت و خراسان را یک پارچه کاروان کوچک چند ماه راه پیمود هول هراس میساخت، دروازه ها فرو میریخت، شهرها یکا یک از مقاومت میافتادند، مردان هزار هزار در رودخانه های خون غرق میگردیدند، کودکان در آغوش مادران و مادران در بر کودکان، در خواب خونین مرگ فرو میرفتند و پشته ها از کشته ها بالا میرفت.

بهاء الدین در این گیر و دار دهشتناک، بر آن شد که سمرقند را بگذارد و رهسپار سفر حج گردد.

کاروان بیم آلود، دیگر بار در بدری را از سر گرفت، آنان از برابر مرگ که هر دم فریاد میکشید میگریختند، شهرها را پیای پشته سر مینهادند و شتابان پیش میتاختند، اما سیاه مغول تا زنده تر مینمود و هر گاه در راه میامسودند بیم آن بود که خیلی از مغلان بر سرشان ریزند و در یکدم، دود از دودمانشان برآورد.

شتابنده چون برقی، پیش می تاختند که به نیشاپور رسیدند، در آنجا لختی میتوانستند بیس-

عاید ملی در سال...

محسوب میگردد، فروش و صدور گاز طبیعی به اتحاد شوروی برای ما اهمیت خاصی دارد و ضمناً باید گفت که بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند شور، اتحاد شوروی قیمت گاز طبیعی را سه مرتبه بالا برد و در سال روان از درک فروش گاز مبلغ قابل ملاحظه ای یعنی ۱۳۵ میلیارد افغانی بدست خواهد آمد، متقابلاً اتحاد شوروی یک سلسله مواد مهم مورد ضرورت را به ما تحویل داده و اهالی کشور را باگندم، شکر، مواد نفتی، سامان و آلات و غیره مواد مورد نیاز ما تأمین مینماید، موجودیت روابط ثابت و استوار تجاری با اتحاد شوروی و توسعه منظم آن تا ثیر مثبتی را بار آورده است که در رشد اقتصاد افغانستان قابل توجهی باشد.

برای حل پرابلم بیکاری و تأمین کار برای نیروهای فعال انسانی در جهت مثبت تولیدی چه پروژه ها و پلانهای عاجل را در دست اجرا دارید؟

جمهوری دموکراتیک افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان توجه خود را همیشه روی استفاده معقول و موثر از نیروهای فعال انسانی افغان - نستان معطوف داشته و میدارد تا از یکطرف قوای بشری به طور موثر مورد استفاده قرار گیرد و از جانب دیگر کوشش میشود تا هر فرد نیاز مند را با کار و شغل معین تأمین نماید تا بیکاری از میان رفته تسهیلات و شرایط مساعد زندگی برای هر فرد زحمتکش فراهم گردد.

انکشاف و تجدید ساختار زیر بنای مادی و تکنیکی کشور از طریق اعمار پروژه های صنعتی دولتی و خصوصی، فعال ساختن آنها، بهره برداری از اراضی جدید، تأسیس فارم های دولتی و سایر موسسات زراعتی و همچنان رشد سریع امور ترانسپورتی، مخابرات و غیره موسسات و ادارات غیر تولیدی موجب اشتغال اشخاص مستعد به کار خواهد شد.

بنا به عمل پیاده شدن همه این طرحها آیا پیش بینی شده میتواند

که تعداد بیکارانی که به کارگمارده میشوند به عنوان مثال تا دو سال دیگر به چه پیمانها خواهد بود و باز هم به صورت مقایسوی فیصدی افزایش کار یا بجا نظر به دو سال پیش از این در چه حد خواهد بود؟

به اساس پیش بینی کمیته دولتی پلانگذاری جمهوری دموکراتیک افغانستان در جریان سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ تعداد اشخاص مشغول به کار به ششصد و چهل هزار نفر و در مدت ده سال به یکمیلیون و پنجصد و هشتاد و نه هزار نفر و یا چهل فیصد افزایش خواهد یافت.

در سال ۱۳۶۷ - پنج هزار و پنجصد و پنجاه و دو هزار نفر و یا نود فیصد تعداد مجوعی قوای بشری کشور در رشته های مختلف اقتصاد ملی مصروف کار خواهد شد و این نکته قابل یادآوری است که چنین

نظریه سیر تکاملی و شرایط تاریخی و اجتماعی کشور، زراعت افغانستان بیشتر متکی به میتود های ابتدایی و منسوخ است به همین اساس صرف از راه عصری ساختن تدریجی زراعت بر اساس انکشاف عمران اراضی، تطبیق بیشتر کود های کیمیاوی، اصلاح تخم های بذری و بهبود وضع مالداران با استفاده از وسایل، سامان و آلات مدرن در امور زراعتی میتوان تولیدات محصولات زراعتی و تکامل اگر و تخنیک را تا مسین نمود، طرز پیشبرد زراعت و مالداران را بهبود بخشید و ثمر بخشی کار را ارتقاء داد.

بنابراین طبق پلانهای انکشاف اقتصادی و اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان در نظر است که زراعت کشور با تراکتور ماشین و افزار کوچک زراعتی معاصر تأمین شود، به منظور فراهم آوری تسهیلات لازم برای دهقانان در مورد خریداری ماشین آلات زراعتی در سال گذشته جمهوری دموکراتیک افغانستان تصمیم گرفت که در قیمت فروش سامان و آلات

اتحاد شوروی قیمت خرید گاز طبیعی افغانستان را بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند شور سه مرتبه بلند کرد و در سال ۱۳۶۰ عاید ملی ما از درک فروش گاز به ۱۳۵ میلیارد افغانی خواهد رسید.

ارقام بالاترین شاخص درسرا سر جهان به شمار میرود.

به منظور حل موفقیت آمیز مسایل مربوط به کار یابی اهالی طرح و ترتیب پیشنهادات در مورد بهبود سیستم معاشات و تأمینات اجتماعی در چوکات شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، ریاست عمومی کار و تأمینات اجتماعی تأسیس گردیده که به فعالیت آغاز نموده است، این ارگان با اشتراک وزارت خانه ها و دوایر مربوط اهداف حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در حصه تأمینات کار و استفاده موثر و درست از نیروهای فعال انسانی در عمل پیاده خواهد کرد.

در شرایط کنونی چه پلان و برنامه ای در جهت مکانیزه ساختن زراعت کشور در دست اجرا دارید؟

ها میتوان کار های مختلف زراعتی را در فارم های دولتی، کوپراتیف ها و سایر اراضی انجام داد، در تأسیس استیشن های مکانیزه، در امور مکانیزه ساختن زراعت، به دهقانان تسهیلات لازم را فراهم نمود که در نتیجه امور زراعتی بهبود یافته و محصولات زراعتی افزایش خواهد یافت، در چوکات استیشن های میکا نیزه کورس های مسلکی شروع به فعالیت نموده که در آن کادر های داخلی میکا نیزاتور های ورزیده تخت تر بیه و آموزش قرار گرفته اند.

شما به صورت عموم در پلان گذاری دولتی از چه میتود ها و روش های استفاده میکنید، از نظر کیفی مدل پلانگذاری افغانستان میتود کدام کشور است و برای مدل قرار دادن چه دلایلی دارید؟

سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان منعکس کننده منافع واقعی مردم زحمتکش افغان - نستان میباشد، این سیاست تعیین کننده اهداف و وظایف پلانهای سود مند اقتصادی و اجتماعی نیز میباشد.

امروز شکی نیست که انکشاف متناسب اقتصاد ملی با استفاده موثر از تمام منابع مادی و مالی و قوای بشری و تسریع آهنگ رشد اقتصادی تنها از طریق پلانیزه ساختن اقتصاد امکان پذیر میباشد پلان گذاری علمی به مثابه وسیله حل وظایف مبرم اقتصادی و اجتماعی به شمار میرود.

در هنگام طرح و ترتیب پلان های اقتصادی خویش از تجارب کشور دوست اتحاد شوروی استفاده مینماییم، اتحاد شوروی در جهت تربیه متخصصان پلانگذاری و در مورد ترتیب فورم و میتود های پلانگذاری و در تطبیق آنها به شرایط مشخص افغانستان به ما کمک میکند، هم چنان با در نظر داشت موجودیت سکتور های مختلف، در هنگام طرح و ترتیب پلان های اقتصادی از تجارب دست داشته کشورهای در حال رشد، مانند کشور دوست هند نیز استفاده میکنیم.

طرح و ترتیب پلان بر اساس

بقیه در صفحه ۵۰

زراعتی چهل فیصد کاهش به عمل آورد که این تصمیم به عمل آمدن و اکنون در نظر است که به زود ترین فرصت ماساده ترین آلات و افزار زراعتی ساخت وطن را تولید نماییم.

بنا به تأسیس استیشن های مکانیزه در کشور اهمیت زیادی قائل هستیم، طی سال گذشته در ولایات بلخ، جوزجان، بغلان و کابل چهار نوع از این استیشن ها تأسیس گردید از کشور دوست اتحاد شوروی که در قسمت ایجاد استیشن های مکانیزه از تسهیلات خریدتی و مساعدت های تخنیکی به ما کمک میکند در حدود سیصد عراده تراکتور، هشتاد عراده کمپاین، یکصد عراده ماشین آلات مختلف النوع زراعتی تولید شده است، با استفاده از این ماشین



تهیه و تنظیم از: صالح محمد کهنساز

سرگرمی‌ها و مسابقات

جدول کلمات متقاطع

۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
						X						X									
									X												
										X											
											X										
												X									
													X								
														X							
															X						
																X					
																	X				
																		X			
																			X		
																				X	
																					X

طرح کننده «بلقیس از لیسه بوبوجانی خیر خانه»

فون است - ۸ - گیرنده - از شاهکار
 های ادبی و یکتور هوگو - برای
 قهرمانان داده میشود - ۹ - از آنطرف
 دریای مشهور کشور ما - ناقل برق
 ترس پشتو - نشان نامکمل - ۱۰ -
 زبان - اگر آخرش تکمیل گردد
 نویسنده کتاب کاپیتال است -
 ردیف کیفیت است - ۱۱ - ضمیر
 اشاره - زیرش آب سرش آتش است
 از حروف الفبا است - موت پراکنده
 - ۱۲ - پهلو ان - صفت شخصی که
 جانش را در راه وطن فدا کنند -
 ضمیمه به پشتو - شرکت هوایی
 ایست در کشور ما - ضمیر اشاره
 - ۱۳ - انفجار آن خطرناک است راه
 کوتاه - حرکت دهنده - از حیوانات
 اهلی است اگر معکوس شود یکی
 ازدانه های شطرنج می گردد - عزیز
 زیاد میدهد - ۱۴ - عکس شب - از
 خو را که باب - غبار نا تمام - آچار
 نارسیده - دو حرف و دو خانه -
 عکس را در آن میگذارند - ۱۵ -
 عدد بیگانه - فلمی به اشتراک و -
 جنتی مالا - وده نکرده - آغاز و انجام
 برک - نوعی از چا کلیت ها - عکس خیر
 - ۱۶ - اثر کارل مارکس - از بول
 های رایج کشور های شرقی - از ممالک
 غربی - ۱۷ - کلیاتش شهرت زیادی
 دارد - بالای آب قرار دارد - لذات
 فلسفه و تاریخ فلسفه اثرش
 میباشد.

عهدی :-

۱ - مهر بانی - بایش را قطع سازید
 تائیکی از کشورهای افریقا بی گردد.
 از سمبزیجات بهاری که هم تازه و هم
 پخته خورده میشود .

۲ - موسیقی شبان - از ماه
 های سال - در اثر زیاد شدن باران
 از کوه ها سرآزیر میشود - عدد
 بیگانه - ۳ - تکرار صدای حیوانی
 است که به پاسنداری مشغول می
 باشد - چهارم - از ولایات کشور ما -
 از حیوانات شایخدار و شوخ - یک
 حرف و دو خانه - ۴ - انجام نیافته
 است - شب بی آغاز عربی - آرامی

زهر - ردیف کردن - ۵ - از آنطرف
 به سالنک نرسیده در بین
 شاکلی - چرت زدن ناتمام - منظم
 آن مبنا است - ۶ - چهره - گردن بند
 در قفس سینه جادارد - با تغییر کم
 شکار میشود - ۷ - اندر نیست -
 یکی از داستان های ما کسیم -
 گورکی که بزبان پشتو ترجمه شده -
 از خردگان - دوحرفش از ماه
 هایی است که روز کارگردان تجلیل

شعرای نامی کشور ما - خود ما -
 راست نیست - همزیست که بدوران
 مذاکرات و مباحثات صورت می گیرد.
 محل - ۴ - رفیق کمان است - ساز
 ناتمام - سردشمنان کشور را به آن
 میخواهیم - از آنطرف سیل پراکنده
 آغاز و انجام هوا - بالای چت قرار
 دارد - ۵ - ضمیر اشاره - از فلزات
 از ممالک عربی - نام خدا دیوار - ۶ -
 اجل نارسیده - زندگی آخر سراید
 بندگی در کار نیست این نمونه
 شعر اوست - دروازه - از یونان
 است - فلمی سریال بود که از
 تلویزیون نمایش داده شده -
 ۷ - بند پراکنده - وظیفه کارگر
 از اعضای مهم بدن - منظم آن

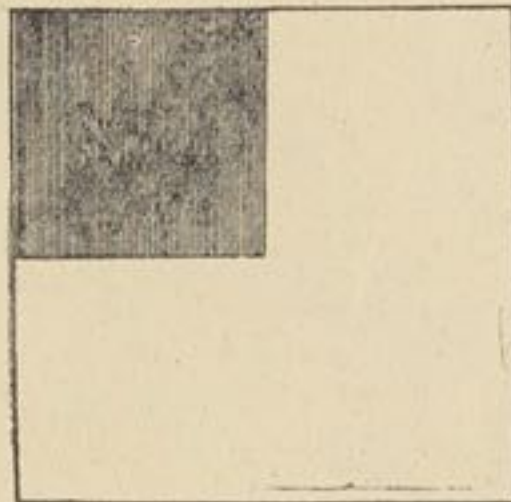
افقی :-
 ۱ - یکی از کشورهای آسیایی
 از امراض ساری و خطرناک -
 توسط خط دیورند از بیکر کشور
 عزیز ما جدا گردیده است .
 ۲ - یکی از کشورهای اروپایی
 کتابیست از محمد حجازی - جمع
 سیاره - ۳ - هنر و کمال - از

شفابخانه جنگ ای

های ارتجاع يك بازویش را تاشانه از دست داد بهترین امکا نا ت برای تداوی اش توسط شفا خانه مذکور فراهم گردید که در نتیجه بازوی مصنوعی در بازوی قطع شده مذکور نصب گردید که ابتدا بانگاه گذرا شخص اصلا عقلش نمیتواند باور کند که بازو از خودش نیست .

مریض مدعی است که در اثر تمرین ورزش که بوسیله ((خانم هولم)) تنظیم و رهنما یی میگردد ، وی ناراحتی اش را توانسته فراموشی بدارد . اولیا ی امور مراکز درمانی آلمان بخصوص مرکز در مسانی متذکره باندا ی رسا و صمیمانه و بابانگ مملو از نوعدوستی متذکر شدند که این عمل ما یعنی کمک به زحمتکشان مترقی جهان در واقع حکم همبستگی با نیرو های مترقی وزحمتکشان را دارا است ، مافقط در راه اعاده صحت آنها نیکه متعلق به کارگران وزحمتکشان عمل مترقی است ، میکوشیم اشعه ایکس نیز درین شفابخانه در راه تداوی مریضان و مجروحان موارد استعمال فراوان دارد . در حال حاضر از جمله (سه صد و پنجاه) مریض شفابخانه جنگلی دو بتمیز بیش از نود فیصد آن ، از کشور های

مترقی ونقاط دور افتاده آورده شده است که قسمت اعظم آن معا لجه وآماده برگشت به میهن خود اند . دکتور (یونگ میشل) متصدی ((شفابخانه جنگلی)) گفت که : برگشت مریضان پس از صحتیابی که آنها به اسرع وقت صورت می پذیرد وخاطرات خوشی که در مان شدگان از وسایل عاجل در مانسی متخصصین ما دارند ، بنوبه خود ثبوتی است برای روش خوب ونسوخ پرستانه ما . ما پیوسته در خدمت زحمتکشان قرار داریم . برای ماکار مندان شفابخانه اعم از دکتوران ، نرسمها و متخصصین شفا خانه جنگلی کما ل رضایت مندی است که توانسته ایم در راه تحکیم نیروی زحمتکشان وترقی پسندان و همه آنانیکه در راه بهبودی و بهر روزی بشرگام میزنند ، موثریت خود را ثابت بداریم .



پدری بعد از فوت خود يك قطعه زمین را برای چهار پسرش به میراث گذاشت که به شکل مربع بود و لی قسمت چهارم آن شوره زار و متباقی

آن حاصل خیز بود . برادران خواستند که زمین را بین خود تقسیم نمایند اما هر چند کوشیدند نتوانستند که آنرا مساوی و به يك شکل بسازند درین کار عاجز ماندند حالا از شما میخواهیم زمین مذکور را طوری تقسیم نمایید که زمین شوره زار درین قسمت شامل نباشد و به يك شکل و يك مساوی تقسیم نمایید طریقه آنرا نیز برای ما بنویسید .

این خواننده جوان کیست ؟



ماچهره یکی از خوانندگان مشهور جهان را به چاپ می رسانیم اگر باچهره اش ویا آوازش آشنایی داشته باشید اسمش را برای ما بنویسید .

میکردد - ۸- ادب کوتاه - همین لحظه قلم را گرفته - نوعی از بکس های دستی - قاصد زمستان - از حروف همزم انتخاب نماید - ۹- خودما - سیمای بی سر - گل میدهد - ۱۰- زراعت پیشه - خودم - رنگ نشده - اثر گورکی - ۱۱- دوپانزده - ردیف جذر - نصف محبت - هستم به پشتو - ۱۲- دروازه دهن - اره کوتاه - شکست - ادانشده - ۱۳- از ولسوالی های شرقی کشور - درجام ساقی - اسپ به پشتو - مرکز کشور ما - ۱۴- رد یا - آتش به پشتو - در چاه بکار میرود - ۱۵- با تغییر کم يك عدد میشود - از درختان سر سبز - ردیف خوب - از آخر آخر است - فیل پابریده - ۱۶- گروه -

این علامه چیست ؟

شاید درین فکر خوا هید بود که این علامه خطر و مرگ است شاید هم درست فکر کنید مگر برای تان میگو ییم که این علامه عبارت است از يك نوع تکت پوستی که در یکی از کشورهای جهان برای استفاده به چاپ رسید آیا میتوانید برای ما بنویسید که این تکت برای چه و در کدام کشور به چاپ رسید .



این دختر کیست ؟



به این چهره خوب دقیق شوید از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب پدرش را خواهند شناخت اوجیهانیان را خندانند و لی همان قدرت خنداندن در چهره دخترش نیست نهفته است آیا میتوانید اسم خودش واسم پدرش را برای ما بنویسید .

این ها کیستند ؟



به این چهار چهره متوجه شوید این ها چهره های مشهوری هستند که زمانی والدین آنها شهرت جهانی داشتند . اگر با اسمای آنها آشنایی داشته باشید برای ما بنویسید .

اهداء : به زنان مبارزی که در بدترین شرایط استبداد درفش نبرد را بر زمین نگذاشتند.

نوشته : و . کور لنگو
ترجمه هومن

چند نکته در باره نویسنده :
ولادیمیر کورلنگو ، معروفترین نویسنده پایان سده نهم و بیستم (۱۸۵۲-۱۹۲۱) یکی از چهره های شناخته شده عصرش بود. ماکسیم گورگی، نویسنده و بنیان گذار رسبک واقع گرایی اجتماعی ، که با کور لنگو آشنایی نزدیک داشت ، در مورد او می نویسد :

((هر قدریکه به او نزد یک می شدم ، به همان اندازه به این باور می رسیدم که کورلنگو بزرگترین انسان گرای زمانش هست . من هرگز در بین ادمان متمدن ، به اندازه او به مردی بر نخورده ام که مانندش تشنه حقیقت و عدالت باشد و هیچکس همتای او در جستجوی حقیقت زندگی نبود .)) میراث ادبی کورلنگو ، شامل داستان های کوتاه ، ناول های کوچک و کتاب پر حجمش به نام ((تاریخ معاصر)) که در آن نسیم سده رویداد های زندگی رو سیه انعکاس یافته ، تصاویری از سایبریا ، جایگه او در تبعید بسر برد و خاطرات تو لستوی ، چخوف ، گار سین و نویسندگان دیگر می باشد .

با این کلمات می توان به ژرفای باوروی به آزادی انسانی پی برد :
((انسان به شادی چنان نیاز دارد که پرنده به پرواز)) .

((راننده ، تا ایستگاه فاصله زیاد مانده است .))
(فکر می کنم که پیش از توفان به آنجا نرسیم . ببین ، توفان برف چه قیامتی بر پا کرده است . مثل اینکه قطب شمال بر ما نازل شده باشد !!)

به راستی توفان برف ، لحظه به لحظه نزدیکتر میشد . نزدیک شدن شب ، سوز هوارا شدید تر ساخته بود . توتو های برف زیر چرخ گادی برفی (نوعی از گادی های بدو ن چرخ که در مناطق سرد و پر برف ازان برای حمل و نقل کار میگیرند .) به هرسو پراکنده شده ، و از سوی جنگل انبوه و تاریک زوزه باد سرد زمستانی ، زمستان کشنده شمال ، به سوی ما راه می کشید . شاخه های درخت های یخ زده جرنک جرنک به هم می خورد و انبوه درخت های کاخ دران شام زود رس و تاریک زمستانی ، بهم فشرده و تیره تر به نظر می آمد .
سردی و نارامی ، برای آزار

ما دست به هم داده بود ا ارا به برفی تنگ است و میله های آن دو پهلویم را می آزارد . شمشیر و تفنگچه های سپاهیان ، جرق جرق به هم میخورد و صدای دینگ دینگ از تنگ ارا به برف رو همراه با فریاد توفان برف ، بهم می آمیزد .

ولی خوشبختانه ، بالاخره در حاشیه جنگل ، نور کم رنگ ایستگاه ازدور پدیدار شد .
دو سپاهی ، در حالیکه صدای بهم خوردن پراک های جنگی شان به خوبی شنیده می شد ، در دروازه یک کلبه تاریک داغ و پر از دود ، برف را از سر و روی شان تکان دادند . این کلبه دود زده را ایستگاه می نامیدند . زن خانه که نا آرامی و اندوه از سر و رویش می بارید ، یک تریشه چوب سو زان را در اجاق زمینی ، جا به جا کرد :
زن چیزی است که بخوریم ؟
به خانه چیزی نیست .
ماهی ، شما نزدیک دریا قرار دارید .
چیزی ماهی که داشتیم همه را پلنگان آبی بلعیدند .

خیر کچالو ...

نی مردان خوب ، امسال کچالو ها را همه یخ زد .

وضع همینطور بود . و لسی خوشبختانه که سماوار را آتش انداختند . جای کمی ما را گرم ساخت .

زن خانه کمی پیاز و نان خشک در بیرون ، توفان برف لحظه به لحظه را در تگری بیدی برای ما آورد . افزایش می یافت . گرد برف تن خویش را به شیشه های کلکی می زد و شعله چراغ تب تب می لرزید و بل و گل می شد .
زن می گوید :

شب را باشید . در این عوای توفانی کی رفته می توانید ؟

یکی از سپاهیان جواب می دهد :
بسیار خوب ، می مانیم .

رویش را به طرفم گشتا نده با لحن پر سنده گفت :

آقا شما خو بسیار عجله ندارید . می بینید که این جا چه جایی است و شمارا کجا می برند ؟

سکوت بر کلبه بال گسترده . زن خانه نیز قتیله چراغ را با صدای خشکی پایین کرد . آن را بف نمود ، و خوابید . تنها صدای دیوانه وار باد ، سکوت اندوه بار و غم انگیز را می شکستاند .

خواب نمی توانستم . مثل اینکه فریاد توفان برف خوابم را بر هم زده باشد . افکار دلتنگ کننده و ملالت انگیز ، یکی پشت دیگر بر ذهنم فشار وارد می کردند .
همان سپاهی ژاندارم ، کلبه بیشتر سخن زده بود با لحن مودب پرسید :

آقا هنوز خواب نکرده اید ؟
او سر پرست دو سپاهی دیگر بود . آدم دوست داشتنی به نظر آمده و چهره مهربانش جلب توجه می کرد . او که در کارش آدم چالاک بود می توانست کمتر خشن باشد و به همین دلیل کمتر سختگیر بود و به مقررات خشک اهمیت چندانی نمی داد .
خوابم نمی آید .

((می خواهم برایت قصه یسی بگویم ، البته اگر خسته نمی شوی . حادثه ای که بر خودم گذشته است .))
گفتم ((مهم نیست بگو .))

بخش دوم

در سال ۱۸۷۴ ، وارد خدمت عسکری شده و به قطعه سواری شروع بکار کرد .
ژوندون

مرا از حمله یشکی های به اصطلاح ((جدیدی)) راسا به آنجا فرستادند. سعی کردم و ظایفم را به خوبی انجام دادم. گاهی به رسم و گذشت می بودم و گاهی به پمپه و تمرین و بارها هم به بردن زندانیان از این بندی خانه به آن بندی خانه ((شما)) خودتان می دانید که این کارچقدر دشوار است. به زودی نظر آمران را جلب کردم سرکرده ما که رتبه توری داشت، از جمله ((وطن داران)) بنده بود. روزی مرا پیش خود خواند و گفت:

((گاوریلوف، می خواهم ترابه مقام خرد ضابطی بلند ببرم. آیا گاهی تبعیدیان و زندانیان را به سایبریا برده ای؟
جواب دادم:

((عالیجناب هیچگاه نی!))
((می خواهم به این کار هم مهارت پیدا کنی. کار ساده و آسان است: می روی و می آیی)) برای من گفتم که وظیفه مقدس است. البته باید این را خاطر نشان کنم که هیچگاه با تبعیدی چون شما نرفته ام. ممکن این کار ساده باشد. ولی باید آدم به بسیار چیزها آشنایی یابد، فرمانها و اوامر را بداند و در برابر او ضاع واکنش سریع داشته باشد و همینطور... یک هفته بعد ضابط امر مرا نزد تورن که در آنجا یک خرد ضابط دیگر هم حاضر بود می برد. تورن برای من گوید:
((ترا مو ظف ساخته اند که تبعیدی را ببری))
و رویش را به طرف خرد ضابط نمود.

((این هم زیر دستم بوده و نوکار است.))
پس آنتر اضافه کرد که چشمان ما را باز نگهداریم و ابراز امید کرد که ما چون آدم های چالاک هستیم به کار خویش موافق خواهیم بود و افزود:
((شما دو شیزه ما رازوا را که زندانی سیاسی در زندان قلعه است از آنجا انتقال می دهید. این هم مکتوب های امر است. فردا سفر خرجتان را بگیرید. حالا رخصت هستید!))

به این ترتیب، خرد ضابط ایوانف بحیث آمرم و من مثل این سپاهی همراهم، زیر دستش گردیدم. آمر همیشه کیسه ای که در آن مکتوب های رسمی و اوامر

است، همراه دارد. سفر خرج را می گیرد. حساب خرج به دستش است و شخص زیر دستش به کار دیگر مثل: توجه به مسایل شخصی نگهداری از سامان و لوازم و اوامر را اجراء می کند.

فردا که قرارگاه را ترک کردیم، تازه نور سپیده با مداد بلندی هارا روشن کرده بود. ولی عجیب این بود که ایوانف به همان پکاهی یکی دو پیاله شراب نوشیده بود. اگر راست بگویم او برای اینگونه کارها مناسب نبود و به همین سبب مدت ها پیش تنزیل مقام داده بود. او پیشروی آمران سرا پایک آدم انضباطی خود را نشان می داد، و گاهی از همکاران خویش خبر چینی می کرد. ولی همینکه از نظر آمران دور می شد، دیگر همه چیز یادش می رفت و تمام توجه اش این بود که شراب بنوشد.

به زندان رسیدیم. مکتوبی به زندانیان دادیم و منتظر ماندیم. حس کنجکاویم در مورد این دختر زندانی تحریک شده بود. میدانستم که راه دور و درازی باوی خواهم رفت. درست همین راه بود، به استثنای اینکه وی شهری بود و شما یک روستایی. کنجکا و به خاطری که این اولین سفرم بود و فشار شگفتی به مغزم سنگینی می کرد که یک دختر زندانی سیاسی چه قسم خواهد بود.

تقریباً یک ساعت منتظر ماندم. تا اثنایه شخصی وی جمع شد. همه آنها یک بسته می شد که در آن یک دامن و یک یا دو چیز دیگر قرار داشت. البته چند جلد کتاب هم بود و هیچ چیز دیگر. فکر کردم: پدر و مادرش مردمان ساده و خوارند با شد. وقتی که بیرون آمد، نو جوانیش مرا تکان داد. یک دختر کوچک بسیار کم سن، به نظر می آمد. موی های کمرنگش را به شکل یک چوتی به عقب سر انداخته بود و کومه هایش از شدت شرم سرخ گردیده بود. ولی پسانتر دیدم که وی چقدر رنگ پریده است و رویش چون گچ سپید شده بود. این رنگ پریدگی تا پایان سفر دوام داشت. از همان لحظه ای که چشمم به او افتاد، دلم برایش سوخت. ولی هیچگاه در دلم این اندیشه که وی را باید شکنجه داد، راه باز نکرد. البته او ممکن دست به جنایت سیاسی زده باشد، ولی به آنهم



به دندان گزید. چه نگاه تکان دهنده! اگر راست بگویم مرا ترسانند و جرأت نکردم به او نزدیک شوم و لی ایوانف که مثل همیشه آدم بی مبالا بود، هم چنان با فشاری کرد. به طرفش نزدیک شد و گفت:

((امر آمر است!))
دختر چنان چیغ زد که حتی ایوانف گامی به عقب گذاشت. رنگ چهره اش پریده تر شد. خون از صورتش به کلی د وید. از چشمانش برق خشونت بارجهید. با هایش را به زمین کوبید، و کلمات فریادگونه از دهنش برآمد. اگر راستی بگویم به مشکل توانستم چیزی بشنوم. ناتمام

دلم برایش بسیار می سوخت. هنگامیکه لباس میپوشید، کرتی را به تن و کلو ش هایش را به پا می کرد، اثنایه خویش را به نشان داد. این امر بود که باید همه چیز زندانی را تلاشی می کردیم و از نظر می گذرانندیم. ما از او پرسیدیم که اگر پولی داشته باشد، او فقط یک روبل و بیست کوبک همراه داشت که آنرا ایوانف برای نگهداری گرفت.

سپس گفت:
((دو شیزه باید سرا پایتان را تلاشی کنم.))
ناگهان خون به صورت دختر دوید. از چشمانش برق خیره کننده بیرون شد، و کومه هایش سرخ تر گردید. لبانش را با اندوه زیاد

جواب نامه های شما

سلام علیکم خوانندگان و همکاران عزیز :
امید داریم بهار پدram و شادا برابه خوشی سپری کنید و باین
دو مصراع سعدی :

درخت غنچه بر آورد و بلبان مستند

جهان جوان شدویاران به عیش بنشستند
حریف مجلس ما خود همیشه دل میبرد
علی الخصوص که پیرایه بر او بستند .

می پر دازیم به پاسخ نامه های رسیده دوستان :

دوست عزیز محمد یو سلف متعلم لیسسه عمر شهبید

سلام همکار عزیز . حل جدول متقا طع شما را به متصدی صفحه
مسابقات و سر گرمیها سپردیم که هر گاه صحیح باشد ذکر
از نام مبارک تان در زمره حل کنندگان جدول متقا طع
برود .

و دعای می کنیم که از رقابت و دوستی با پیمانها دوری یا بید
و دوست زمانه و مبارزه گردید .

دوست عزیز و فانجفی کار مند جن و پرس بلخ

بارچه شعر از سالی شما را خواندیم و به استقبال بهار
به نشر می پر دازیم

نوبهار است چمن زیبجهان خواهد شد

گل و سنبلی بوطن مشک فشان خواهد شد

میگسا زان لب جو با ده گل رنگ زند

چشم ما بر گرم پیر معان خواهد شد

گر ز لطف و گرم خویش بسویم آیی

فرش راه قدمت دیده و جان خواهد شد

داغهای که بدل زان رخ گلگون دارم

از سر بت من لاله عیان خواهد شد

گردش سال مه و عهد جوانی وصال

همچو برقیست و زانظارنها خواهد شد

بوستان سبز و دمن موج زنان از لاله

بزم یاران و دمی رطل گران خواهد شد

بوفای تو قسم ای گل زیبای بهار

خنده لعل لب آفت جان خواهد شد

دوست عزیز محمد داود متعلم صنف دهم تخنیک نونی

سلام برادر ، نامه یی شمارا به متصدی صفحه مسابقات و
سر گرمیها حوا لت کردیم ، از آن صفحه اطلاع را بگیر یدو
همیگونه همکار یی خوش را ادامه دهید ، مو فق با شید

دوست عزیز عبد ا لقتدیر بران . سلام همکار ارجمند . شعر
(من ترا نه میخوانم)) شمار از مز مه کردیم و آنرا حوا لت
کردیم به متصدی صفحه بر گزیده ها ، و آن چار پاره را در
اینجا بخوانید :

مبارک باد روز میمونت ای هو وطن
ز آسمان می چکد کنون مشک ختن

چندی ز گلشن دوربو دم محزون بودم
ز فیض بهاری باز میر و م سوی گلشن

دوست عزیز احمد شاه حسین هوتکی

سلام همکار مهربان . پاسخ به سوالات صفحه مسابقات و
سر گرمیها را به گرداننده آن صفحه حوا لت کردیم ، همکار یی
تا ترا ادامه دهید ، مو فق با شید .

دوست عزیز محمد ظا هسرایوبی

سلام همکار بسیار خوب ژوندون . نامه یی شما به اداره
رسید و حاوی مطالب دلچسپی بود . راستی دل همه از این
سارقان ادبی داغ دارد و خدا انصاف شان بد هد که این
چنین بی دریغ مال دیگران را به سرقت می برند . و اینسک نمونه یی
از شعر شما که برای سارقان ادبی گفته اید .

بتو ای سارق ادب تقدیم هزاران نفرین

بتو سارق و دزد قلمی فر اوان نفرین

گر نویسی اثر دیگران بنام خود

از این بی ادبانه عملت ، بیکران نفرین

مده انوری دزدی را بیاد دیگران

ز شرق تا بفر بمارا ز انوری دزدی نفرین

از همبر با نی و لطف تان ، در حق مجله و کارکنان مجله ، امتنان
داریم . فکاهیات از سالی تا ترا به متصدی صفحه خنده
سپردیم که به نشر آن همت گمارد . و پوستکارت قشنگ تانرا به
صفحه جواب نامه اختصاص دادیم که در فرصت مناسب به چاپ
زنیم و به همین ترتیب همیشه پوستکارت های قشنگ بفر
ستید و ما را خوشحال سازید ، اما نوشته دیگر تان ... آن
نوشته ، در شماره های پیشین مجله ، در صفحه جواب به نامه ها
به چاپ رسیده است ، مطمئن با شید . مطالب از سالی شمارا
، که از همکاران خوب مجله هستید هیچگاه بی پاسخ نمی
گذاریم ، باز هم مطمئن با شید .

دوستان عزیز روشنانه زرین و حمیده مبارز متعلمان صنف
دوازدهم لیسسه حوای پلخمیری

بعد از سلام ، بهاران سبز و پراز نشاط و طرب برایتان آرزو میکنیم
و همه روز کار تانرا نوروز می خواهیم ... از اینکه سال نورا به
ما میمون و خجسته خواسته اید ، تشکر و پوستکارت گونهای
قشنگ تانرا هم به کارکنان مجله هدیه کردیم .

نامه « یک ریاضی دان به معشوقه اش » را خواندیم و لذت بردیم .
انتظار نشر آنرا در یکی از شماره های آینده مجله در صفحه برگزیده
ها بکشید .

آرزو مندیم از همکار یی های ناب و نغز تان با این مجله دریغ نورزید ،
سعادت و موفقیت تانرا خواهانیم .

دوست عزیز غلام حیدر یگانه

دو شعر سروده طبع شما بنا مهای « بهاران » و « مسافر » به متصدی
صفحه شعر مجله تحویل داده شد که امیدواریم آینه بندان آن صفحه
گرداند ...

والسلام

در سال ۱۳۶۰ ...

و تربیه برای رشد ذهنیت مسلکی و فنی معلمان نقش ارزنده بی را دارا خواهند بود ولی سیمینار هایی که از طرف وزارت تعلیم و تربیه ناکتوندایر گردیده اند برای آشنا-یی معلمین کشور با متود سیستم جدید تعلیمی مابوده است و بس. ما تد ویر چنین سیمینار ها یی را از این جهت نهایت از زنده و سودمند می دانیم که از یک طرف معلمان کشور را با سیستم جدید تعلیم و تربیه آشنا می سازد و از طرف دیگر معلومات معلمین را در رشته مسلکی آنها ازدیاد می بخشد و آنها را با تکنیک های جدید درسی آشنا می سازد.

وی در این مورد علاوه نمود :
مادر مکاتب کشور به موجودیت معلمین سیمینار دیده ارزش و اهمیت زیادی قایل هستیم و در نظر داریم تا ساحه تدویر چنین سیمینار هایی را وسعت بیشتر ببخشیم و زمینه آن را مساعد گردانیم تا همه معلمین کشور مابتوانند از مزایای این نوع سیمینار ها مستفید شوند.

باتوجه وزارت تعلیم و تربیه بود که در سال ۱۳۶۰ - انستیتوت اکمال تخصص معلمان در چوکات این وزارت تاسیس گردید .

درین انستیتوت همه معلمین مرکز و ولایات کشور کورس های کوتاه مدتی را تعقیب خواهند کرد و مطابق به اصل فیصله شده، هر معلم مجبور و مکلف است که بعد از گذشت هر چهار سال به سویه های مختلف همینگونه کورس ها را تعقیب نماید و اجرای این امر سطح آگاهی معلمین کشور را به شیوه های جدید اصول تدريس بیشتر می سازد.

(و فاعل) بیاسخ این سوال که آیا در شرایط فعلی وزارت تعلیم و تربیه مطابق به ضرورت مکاتب کشور معلمین مسلکی در اختیار دارد و یا از این رهگذر با مشکلاتی مواجه است، چنین روشنی انداخت: وزارت تعلیم و تربیه در شرایط فعلی بقدر کافی معلمین مسلکی در اختیار دارد و از این رهگذر بامشکل بزرگی مواجه نمی باشد ولی از آن جایکه با از دیاد مکاتب کشور چنین تقاضایی بیشتر عرض وجود

می نماید موسسات تعلیمی کشور قادر خواهد بود تادر آینده نیز مطابق ضرورت، معلمین مسلکی زیادی را تربیه نموده در اختیار وزارت تعلیم و تربیه قرار بدهند. ممکن است بگوئید در سال جاری بچه تعداد شاگرد در مکاتب سراسر کشور به دروس خویش آغاز نموده اند ؟

- اکنون که مکاتب سرد سیر شروع شده مجموعاً ۱۰۲۹۲۴۲ شاگرد در دوره ابتدا یی و (۱۰۳۰۶۲) در دوره ثانوی مصروف تحصیل اند .

رئیس تدریسات ثانوی در مورد پروگرام های جدید تربی که در مکاتب کشور تازه به کار آغاز کرده اند چنین گفت :

در پهلوی دروس مکاتب پروگرام های بهتر و سرگرم کننده برای شاگردان هم در داخل وقت رسمی و هم در خارج درس روی دست گرفته شده است این پروگرامها تازه در اختیار ادارات لیسه ها قرار گرفته، و مطمئن هستیم که با تطبیق آن در بلند بردن سطح ذهنیت شاگردان کمک همه جانبه خواهیم نمود .

مثلاً ایجاد کمیته های مختلف با شرکت معلمین و شاگردان که این کمیته ها داخل لایحه وظایف خود مکتب ولیسه بوده و بهترین راه مصروف ساختن شاگردان و انکشاف دادن علاقه ها و استعداد های نهفته شان میباشند . ما در مجموع شش کمیته فرعی و یک کمیته بنام کنترول و ارتباط در رأس این شش کمیته داریم . کمیته های فرعی عبارت اند از :

۱ - کمیته هنر های زیبا که دو شعبه دارد .

الف - نقاشی و مجسمه سازی .

ب - درامه و موسیقی .

۲ - کمیته سیورتی .

۳ - کمیته حفظ و مراقبت .

۴ - کمیته تنظیم کمکها .

۵ - کمیته تنظیم رقابت های درسی

۶ - کمیته ارتباط

۱- در کمیته هنر های زیبا میتوانیم یک تعداد زیاد شاگردانی را که علاقه مند به رسم، خیاطی، نقاشی، مجسمه سازی، درامه و موسیقی باشند، داوطلبانه تنظیم نماییم تا توانسته باشند استعداد های شان را تبارز دهند .

دوم - کمیته سیورت :

علاقتمندان ورزش سیورت را جمع آوری نموده و زمینه خوبی را برای تشویق و ترغیب شاگردان و ایجاد مسابقات سیورتی بین تیم های دو لیسه و یا دو منطقه و یادو ولایت را مساعد می سازیم که در اجرای این مسابقات یک سلسله مشکلات و علاوه اینکه از نزدیک بامسایل و مشکلات سیورتی خود آشنا می شوند و برابلم های خود را با هم دیگر طرح نموده با درد ها - علاقه ها - و آرزو های مشترک همدیگر آشنا شده در مجموع راه حلی برایش پیدا خواهد کرد.

ما یقین داریم که چنین دید و بازدیدها در روحیه شاگردان اثر بسیار مثبت و عمیق به جا خواهد گذاشت

۳ - کمیته حفظ و مراقبت :

این کمیته مسئول مراقبت سراسر مکتب است حفظ و مراقبت گلها، نهال ها، میز ها و چوکی ها و دیوار ها، کتب، حاضر ی، مسایل محیطی و کانتین، مسئولیت اولی آنها را تشکیل میدهد .

این کمیته مکلف است مواد خوراکی شاگردان را که از طرف کانتین به فروش میرسد در روز های گرم تابستان که زمینه مساعد برای نشو و نمو میکروب ها است شدیداً کنترول کنند آنها مسئول کامل حفاظت و مراقبت آب نوشیدنی مکاتب هستند.

۴ - کمیته تنظیم کمکها :

این کمیته مسئولیت دارد تا کمکها یی را که از طرف دوستان و موسسات ذیصلاح و قناتو قناتامیرسند به اسرع وقت درست و منظم بدسترس شاگردان مستحق گذارند . بر علاوه آنها مسئول اند تا شاگردان فوق العاده، مستحق و کسان یی را که جهت ادامه تحصیل به کمک نیاز دارند تشخیص نموده و به مقامات مربوطه معرفی نمایند .

۵ - کمیته تنظیم رقابت های درسی :

این کمیته مسئولیت دارد تا یک تعداد مسابقات درسی را بین صنوف مختلف در مضامین مختلف پلان گذاری کند که نتیجه این رقابت ها جهت بالا بردن سطح دانش معلومات و استعداد شاگردان تاثیر زیادی خواهد داشت . طوریکه گفتیم ما در نظر داریم از آغاز ماه ثور امسال با همکاری اعضای مسلکی تدریسات ثانوی و دیپارنمنت های مربوط مشترکاً دروس نمونه تهیه نموده و بهترین دروس را که مورد تایید همه قرار بگیرد در صنوف تطبیق نماییم البته برای نتیجه گیری آن میتوان یک سلسله مسابقات درسی را به میان آورد که این کمیته مسئول ارزیابی نتیجه آن بوده برای پلان های آینده ما را رهنمای خواهد نمود .

۶ - کمیته ارتباط :

عبارت از کمیته ایست که باتمام کمیته های فوق ارتباط داشته و مسئول کنترول همه جا نبه کار کمیته ها، نظم مکتب شاگردان و معلمین میباشد و موظف است تا همه جوانب کار هارا بررسی نموده و به کمیته کنترول و ارتباط که در راس آن اشخاص باصلاحیت چون مدیر و یامدیره مکتب و مسئولین دیگر قرار دارند بسپارد .

کمیته کنترول ارتباط مکلف است تا مشکلات کمیته ها را بنا پلان کار شان عمیقاً بررسی نموده و به مراجع بالاتر جهت همکاری و پیدا کردن راه حل معرفی نماید .

باید یاد آور شد که هر کمیته از خود پلانی جداگانه کار داشته که مسئولین تدریسات ثانوی درین قسمت همراه آن ها و قناتو قنات همکاری می نمایند .



بدون شرح

دو تایی با هم بازی

کنند

پدر مشا هده کرد که پسرش باچاقو کرمی را که در کنار باغچه میخزید دونیم کند. پدرش با دیدن این عمل با عصبانیت رو به پسرش کرد:

- این چکاری بود که کردی...
یک بچه بسن و سال تو نیا یسد
اینقدر بی رحم باشد!
پسر جوابداد:

- پدر جان ... بر عکس ... من بسیار هم دل رحم دارم و قتی دیدم این کرم تنهاست، او را دونیم کردم که بتوانن دو تایی با هم زندگی کنن !!



دلایل خوب

کشف بزرگ ر وانشناسی

روانشناس پشت میز خو دنشسته بود و با دقت با احمد چهار پنجساله گفتگو می کرد تا علت نا را حتی های روحی او را کشف کند. بدینجهت پرسید:

- خوب پسر جان ... بگو اگر گوش چپ تو را با چاقو قطع کنن، چه اتفاقی رخ می دهد؟
احمد گو چك بلا فاصله جوابداد:
- خوب معلومدار است ... که حسن شنوائی خود را تا حدی از دست مید هم.
روانشناس گفت:
- بسیار خوب ... حالا اگر گوش راست تو را هم قطع کنن چه خواهد شد؟

احمد بدون تأمل جوابداد:

- بینائی خود را از دست می -
دهم !

روانشناس با شنیدن این حرفی مثل اینکه پیروزی بزرگی بدست آورده باشد رو به پدر و مادراحمد کرده گفت:

- بچه شما با مشکل بزرگی روبرو می باشد.

... باید برای آن یک فکراساسی کرد... برای اثبات این موضوع سوالات خودم را ادامه مید هم .. سپس رو به احمد کرد وگفت:

- خوب احمدجان... چرا بریدن گوشهائیت، باعث از بین رفتن حس بینائیت میشود؟

احمد گو چك بدون اینکه تغییری درقیافه اش بدهد باخونسردی جوابداد:

- برای اینکه کلاه من بسیار کلان است ... و قتی گوشهائیم قطع شود پائین می آید و پیش چشمهائیم را می گیرد.



بدون شرح

چاره جویی

داکتر شفا خانه دستور داد که بود که موهای همه مریشان را از بیخ ماشین کنند یکی از دیوانه ها به رفیقش گفت:

- کاری کن که سلمانی نتواند موهای سر ما را از بیخ ماشین کند من چند تا میخ در بین سر تو می گویم تا وقتی خواست سرت را ماشین کند ندانه های ماشین به آن تصادم کند و بشکند.

دو ستش این فکر را بسیار پسندید و فوراً دست به کار شد بعد از آنکه او سه تا از میخ را برکله رفیقش میخ کرد به نا را حتی به او گفت:

- نمی فهمم چرا همه وقت که یکی از میخ ها را می گویم از جا می پری؟ البته که سرت دردمی - کند؟

- نی برای این نیست فقط می - ترسم چکش را به جای میخ بسرم بزنم.



بدون شرح

نواسه به مادر کلان: بی بی جان پدرجانم ترا باتیلفون کار دارن

د حقيقت د ليكلو په لار كې پنځه خنډونه

جبر باندې اعتراض چې ولى انسان خراب ژوند كوي .

كورنى ته پوره بې پروا يسى كله چې هيڅ فايده هغى ته نشته ورسپيري ، په داسې هيوادونو كې وېزې خلك په چټياتو تورن وي او هغه خوك چې هيڅ نه لري او دفاع تړى نه كوي په بې اهميتي تورن دى . او هغه خوك چې د حكمرانا نو په باب شك لري . هغوى په خپل قوت شكمن بو لي ، هغوى چې دخپل كار اجوره غواړي په لټې تورن دى . او داسې نور ، په داسې حكومتونو كې انديښنه او تفكر په پوره ډول خيانت بلل كيږي ، مفكوره به هيڅ ځاى كې نه ښووله كيږي او كه په اند كه ډول چير ته سودا پور ته كړي مخه يې نيول كيږي .

داسې لياري چې سړى دمفكوري دبر ياليتوب په باب فكر كوي په هغه ځايو كې چې لو يسان ضرورت وړ ته لري لكه داندېښني برى سړى په نظامي او فني پوهنو كې و پلټي ، په هغه تشكيلاتو كې چې دو ږيو انبارو نه ډير كلو نه پاتې وي يا دمصنوعى ټوكراخترع انديښني او مفكوري ته ضرورت لري . زموږ په دوران كې چې ظلم او بې عدالتي د خلكو داستثماريدلو په خدمت كې دى (داكثر يتي پوړى) دبلې طبقې په لاس كې دى داقليت پرته له دې چې اجتماعي زمينه به هر ځاى كې ښكاره شي . بله چاره نشته ، د حقيقت د لارې مبارز يسن كو لي شي داسې ځاى پيدا كړي .

چې ددښمن په نظريو څه پټ وي ، اساسي مسا له داده چې تعليم ور كو لو كې اصولي انديښنه وكړي . هغه روش چې په هر ځاى او هر كار كې داسې اړخ و پلټي چې بدلون مو مې او بدلون پكسى راوستل شي ، مستبد حكمرانان دبدلون سره ضديت لري . غواړي چې دامكان په صورت كې د جهان كارونه او شيان د زرها و كلو نو په دوران كې لكه چې اوس څرنگه دى

همداسې دهغوى په نظر پاته شي ، ښه داده چې سپوز مې د حرکت څخه ودرېږي او لمر به خپل ځاى كې ثابت يا ته شي ، كه دا سې وشي نو هيڅو لك به وړى هم پاتې نه شي . او دښمنې ما ښام ته به هم پې نيازه وي . كه هغوى توره له تيكي راوايستنه نو دښمن بايد د خواب حلق ونه لري . اودا حق بايد دهغوى دپاره سرته و رسپيري . دتجر بې هغه ميتود چې دكارونو دنا بودى آوازي پورته كړى دى . هغه درسته وسيله ده چې خواري كښانو ته زړه ورتوب ورسپيري . يوه بله خبره چې فاتحانو ته وسپارله شي داده چې په هر ځاى او هر كار كې ضديت پيدا كيږي ، او پرمخ ځي ، دتجر بې ميتود يعنى ديا لكتيك چې د شيانو او كارو نو دپيژندنې لپړې را ښي امکان لري دهغه مو ضوعا تو په څير نه كې چې يو وخت د رهبرانو له نظره پټ پاتې شوه داستفادې او عمل لاندې ونيوه شي دا ميتود موږ به بيا لوزي او كيميا كې هم پكار و لي شو او كولى شو چې پر ته له ستري رسوايي څخه دكورنيو د را تلونكي دوران په را سپړ لو كې تړى گټه واخلو ، ديو كار اړيکه دبل سره چې هر وخت په تغيير كې دى ، دديكتاتورانو په نظر كر غيږ نه انديښنه ده چې په مختلفو ډو لوتو يې طرحه كو لي شو . او له يو ليس سره زموږ لانجې ته ضرورت نشته .

داو ضاع ، احوال و گسور و فعل او انفعالاتو سمه څير نه په دقت سره چې يو سگړت خر خوونكي له هغه سره سرو كار لري ، ممكنه ده چې ديكتاتور ته كلکه ضرر به وي . په لږ فكر سره علت موندې شي . هغه حكومتو نه چې دخلكو پر گټې د خو شبختي پسي بيا يې ، بايد له دې فكره چې خلك د حكومت دلاسه دخپلې بد بختي په باب سوچ و كې مخه ونيسي ، هغوى چې دناو په قضا په باب څه وايي نو كه عيب وي به ناوړه قضا كې نه په حكومتونو كې ، هغه خوك چې دكارونو دخرا بې په علت ونو پسي گرزى ، پرته له دې چې د دوى پلټنه حكومت ته و رسپيري د زندان د تورو تښو څخه دننه كيږي . خو كيداي شي په كلې ډول د حاكم سره مخالفت وشي اودناو په قضا په مورد كې ناوړه مروج شيان و وايي او په دا گه يې كړي . چې بدسر نو شت د نورو خلكو كاردى په خاطر چې حقيقت خپور شي تدبيرو نه لازم دى .

لټيز او نتيجه :-

زموږ دوخت ستر حقيقت چسې په هغه باندې يوا ځي پوهيدل مشكل له منځه نه وړي ، خو پر ته له هغه هم بل هيڅ حقيقت پيژند لي نه شو دادى چې زموږ نړى دو حشت په كندو ورسمه ده ځكه د تو ليسدى وسايلو مالكييت په زور او جبر سره ساتل كيږي ددى خبري زړه ورتوب چې آيا موږ په و حشت كې غرق يو (يو حقيقت دى) څه فايده لري كه ددى خبري علت چې و لي موږ په دې و ضع كې بند يا تې يو پوره نه برسپيره كيږي ؟ موږ بايد ووايو چې كه فساد راو لي . نو دما لكانه اړيكو د ساتني په خاطر يعنى هغوى چې د فساد او كړاو مخالف دى په دې سبب چسې گمان كوي پر ته له فساد هم كيداي شي ما لكانه اړيكي وساتي ، او دا غلطه ده ، موږ بايد حقيقت ووايو هغه و حشت نا كه و ضعه چې زموږ به هيواد (دليكوال هيواد المان دى) حاكمه ده دهغه عمل پوري چسې و حشت له منځه وړي ، امکان ولري ، يعنى هغه عمل چې ما لكانه اړيكي له منځه يو سي ، موږ بايد دا حقيقت هغوى ته و ښا يو چې له هر چا زيات دمالكانه اړيكو څخه په كړاو وي او له هر څه دمخه دهغى په بدلون كې خپله فايده و ينسي يعنى دكار خاوندانو او هغه چا ته چې د دوى و حدت غواړي . ځكه دتو ليد دوسايلو خا وندان نه دى هو ا څو مړه چې د هغوى په گټو كې برخه لري او پنځمه خبره دا چې په تدبير سره كارو شي .

دا پنځه ستونزې بايد موږ په يو وخت كې حل كړو ځكه ممكنه نه ده چې په و حشت آميزه و ضع كې حقيقت و پلټو او هغوى چې له دې وضعې څخه په كړاو دى . انديښنه ونه كړو ، كله چې پر له پسي دوه زړه توب له منځه وړو او واقعي اجتماعي اړتيا طات دهغو په نظر چې ددى خبر تيا نه په استفاده سره آماده وي و پلټو ، بايد دا فكر هم وكړو چې حقيقت بايد په هغه صورت چې هغه شان ښكاره كړو چسې دسلاح په څير دهغوى په لاس ورشي او په عين حال كې . متوجه او سو چې زموږ ته بير داسې وي چې زموږ كار ددښمن له خاونه كشف اوختي نه شي . څرنگه چې بهتره او ښه اشكال دادى نو ددى ضرورت په اساس ليكوال بايد حقيقت ووايي او دهغه و جود ضروري دى .



مسعود شمس کمره مین را دیو
تلویزیون که در تهیه عکس های رنگی
برای مجله ژوندون همکاری مینماید.



عبدالرحیم مدیر شعبه صحافی
مطبعه دولتی که در قسمت صحافت
مجله ژوندون همکاری جدی می نماید.

۲۱د مخ پاتی

پسرلی او دهغه ذکر...

لنډی د پښتو ادب یوه ډیره درنه او غوره برخه ټا کی. مشخص ویونکی یی معلوم نه دی او نه په خانکړی جنس پوری اړه لری لنډی په ولس پوری اړه لری او د ولس شتمنی ده د لنډیو زیاته برخه په پنځو پوری اړه لری چی هغوی ورته ټکی وایی داڅو لنډی دپسرلی په باره کی ویل شوی دی .

پسر لی را غی گلان ډیر شول داوربل گل به خپل آشنا لره وروپه پسرلی راغی و نی شنی شوی زما دزړه ونی ږلی و هلی دینه پسر لی راغی و نی شنی شوی زمانا بناد زړگوتی واورى اورینه پسر لی زما په نیچه خوا شو زما په شناختو پوری وتری گلونه ومو ویل چی دپسر لی ذکر به چار بیتو کی هم و خپرو دا لاندى اته مسری زنجیری چار بیته په یوی برخه کی میر هزاره شاعر پسر لی داسی ذکر کړی دی :

مو سم دپسر لی دی شگو نی شوی دهن وازی
کوکی په برخه تری

سیلو نه دبلبلو زاغ کنار گر څی یوازی
راوختی کو تری .

راکوز شه له دماغه بازی خو به په هوا څی
خاکی بنده بشر یی .

تل وایه ، میر هزاره ، دا خوازه ، خوازه بیتونه
دعشق په بنه منبر .

سرو کی او نیمکی زمونږ ددو لسی ادب یوه ډیره شتمنه برخه ټا کی لکه څرنکه چی لنډی کسوم مشخص ویونکی نه لری دغه سروکی هم مشخص ویونکی نه لری بلکه په ولسی پوری اړه لری دا لاندى سرو کی پسر لی ډیر یاد شوی دی .

سر :

گل په دا ما نونه ، پسر لی راغی ، جنکو ر اوپه په اور بل کی زړه گلونه
گل په دا مانونه :

سر په لنډی کی :

گله خزان در باندى راشه روی گل ، گل په دا ما نونه - چی بلبلان
دی بینوا شپ لی دینه وی گل-گل په دا ما نونه - پسر لی راغی ، جنکو
راو په بهوربل کی زړه گلو نه وی گل-گل په دا مانونه ...

دا د پسر لی ذکر په پښتو شعر او شاعری کی هیله ده چی
د گرانو لوستونکی ادبی تنده به یی ما ته کړی وی که شه هم زما
دا خپرنه هر اړ خیزه نه ده هیله ده چی ومنل شی .

د معیوبو کسانو حقوق

دو لټونه ټول هغه پر نسپیو نه او حقوق په نظر کی و لری چی په دغی هغو کسانو سره ژوند و کړی چی دوی یی داوولاد په خیر نیو لی وی او په ټولو اجتماعی ، تخلیقی یا دساعت تیریو په فعالیتو نو کسی گډون و کړی . هیڅ یو معیوب کس باید تر هغه ځایه چی دهغه یادمنی په هستو تخی پوری اړه لری ، دیوه بیل سلوک مورد ونه گرزی ، او هغه غیر له هغه سلوک څخه وی چی د هغه یا هغی مو قف یی لازم گرزی .

به ۱۹۷۱ کی دملگرو ملتو

عمومی اسا مبلی په ذهنی لحاظ د

معیو بو کسانو د حقوقو په باب یوه

اعلامیه خبره کړه ، او د ملی او بین

المللی عمل غوښتنه یی و کړه ، چی

له دغی اعلامیې نه باید دیوه گډ

عمل ، او دمرا جمی دیوه چو کاپ

په حیث استفاده و شی . چی هغه

حقوق خوندي شی ، چی په هغی کی

یی ذکر شوی دی . عمومی اسامبلی

ددغه کار په کو لو سره په ذهنی

لحاظ له معیو بو اشخاصو سره

دکومک ضرورت په نظر کی ونیوه ،

چی دوی د فعالیت په بیلو بیلو

ساحو کی خپلو استعدادونو ته

انکشاف ور کړی او په نور مال

ژوندانه کی تر هغه ځایه چی ممکنه

دهیو خل بیا دا خل شی .

معیوب کسان حق لری چی خپلو کورنیو سره وا وسپیری ، یا له هغو کسانو سره ژوند و کړی چی دوی یی داوولاد په خیر نیو لی وی او په ټولو اجتماعی ، تخلیقی یا دساعت تیریو په فعالیتو نو کسی گډون و کړی . هیڅ یو معیوب کس باید تر هغه ځایه چی دهغه یادمنی په هستو تخی پوری اړه لری ، دیوه بیل سلوک مورد ونه گرزی ، او هغه غیر له هغه سلوک څخه وی چی د هغه یا هغی مو قف یی لازم گرزی .

معیوب کسان باید داستثمار

په مقابل کی ، دټولو امتیازی او

تبعیضی سلو کونو په مقابل کی چی

دهغو دمقام د پاره سپکاوی او

کسر شان وی ، وساتل شی .

معیوب کسان باید د دی

قدرت و لری چی له حقوقی مرستی

نه استفاده و کړی . او دا په هغه

وخت کی چی ددوی د شخصی او

ملکیت د پاره د غسی مرسته یا

با لکل حتمی شوی وی . که داسی

وی چی ددوی په ضد حقوقی طرز

العملو نه موجود وی ، هغه حقوقی

طرز العمل چی تطبیقیری ، باید

ددوی فزیکي او ذهنی حال په کامل

ډول په نظر کی ونیسی .

به ۱۹۷۶ کی عمومی اسا مبلی

ددی سپار ښتنی وکړه چی ټول غړی

بقیه صفحه ۴۱

عا یدملی...

وپیروزی همه بخش های طرح های علمی و عمیق پلانهای اقتصادی کشور را آرزو میکنم لطفا تشکرات ما را قبول کنید .

من هم موفقیت شما را و همه وسایل ارتباطی جمعی را در امر آگاهی رسانی بیشتر به مردم افغانستان و ایفای رسالتی که به عهده دارنده آرزو دارم .

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری واپ - جوار ریاست مطابع دولتی - کابل
تلفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹
سوچپورد : ۵۵ - ۲۶۸۵۱
تلفون ارتباطی دفتر : ۲۱
تلفون توزیع وشکایات ۲۶۸۵۹

حماسه‌ی آرش کمانگیر

پیوسته بگذشته

یادآوری :

بایوزش از خوانندگان عزیز . این نوشته به نسبت تراکم مضامین از شماره اول سال بازمایند که حال دنباله آنرا مطالعه میفرمایید .
اداره

آرش از مرگی که آمیخته با سکوت باشد از مرگهای زیرلغاف او به پیشواز مرگ میرود نازدهمی رانجات دهد نیکی هارا باز گرداندو بدی هارا به گورستان نیستی بسپارد . نیایش را دوزانو بر زمین بشپاد به سوی قله ها دستان زهم بکشاد برا، ای آفتاب ، ای توشه ی امید . برا، ای خوشه ی خورشید . تو جوشان چشمه ای من تشنه‌ای بیتاب برا ، سر ریزکن تاجان شود سیراب چو یاد رکام مرگی تند خود آرم چو در دل جنگ با آهریمن پر خاشجو دارم به موج روشنایی شتسو خواهم ز گلبرگ توای زرینه گل من رنگ و بو خواهم

شما ای قله های سر کش خاموش که پیشانی به تندر های سهم انگیز می سائید . که برایوان شب داریدچشم انداز رویایی که سیمین پایه های روز زرین رابه روی‌شانه می گوید . که ابر آتشین رادر پنه خویش می گیرید غرور و سر بلند ی هم شما راباد امیلم را بر افرازید چوپر چمها که از باد سحر گاهان بسسر دارید .

غرورم را نگهدارید . بسان آن پلنگانی که در کوه و کمر دارید . آرش کمانگیر د لبسته و پاددار آیین‌نیاکان است او به جان ودل خدمتگزار باغ آتش است خورشید را واقتبدا سخت دوست می دارد او عاشق او چها بلند ی هاو کوهستان هاست . چشمه ساران راو آبدی هاو سر سبزی هارا می ستاید او نغمه‌تین سخن را در هنگام ازخورشید و آتش آغاز می کند سفر او سغراز سوی اسارت بهسوی آزادی و از سوی تاریکی بهسوی خورشید های پاک ودر خشان است او درکاری که پیش روی دارد از آفتاب و آتسو

کوهستان ها یاری می ضفید او از کوهستان های بلند از عقابان آسمان پیمای خواهد که غرورش را نگاهدارند غرور انسانی او را غرور آریایی اش راکه نمی خواهد در پای‌تورانیان اهل سیاهی و ظلمت پرستان بی خرد ریخته شود . او همیشه غرور خود و مردم خویش را پاس داشته است . و تاپی جان نیز باخود تعهد کرده است که پاس بدارد . زمین خاموش بود و آسمان خاموش تو گویی این جهان راود با گفتار آرش گوش به یال کوهها لغزید کم کم پنجه ی خورشید هزاران نیزه ی زرین به چشم آسمان پاشید .

نظر افکند آرش سوی شهر آرام . کودکان بر بام د ختران بنشسته برروزن مادران غمگین کنار در مرد ها در راه

سرود بی کلامی باغی جانگاه زچشمان برهمی شد بانسیم صبحدم همراه کداین نغمه می ریزد کد م آهنگ آیامی تواند ساخت . طنین گمها بی استواری را که سوی نیستی مردانه میرفتند

طنین گامهایی راکه آگاهانه میرفتند دشمنانش در سکوتی ریشخند آمیز راه واکر دند . کودکان از بامها او را صدا کردند مادر ان او را دعا کردند پیر مردان چشم گرداندند

دختران بفرسوده گرد بند هادر مشت همره ی او قدرت عشق و وفا کردند لفظه ی ایتر فرا رسید لفظه ی قربانی بزرگ . آرش بر بلندجایی رشت بر فرازالبرزکوه «آن مشت درشت روز گار .»

نگاهی خاموش و مبهوت به سوی شهر انداخت دختران جوان رادید که دل‌هایشان می تپید و برروزن هانشسته بودند به سر نوشت مین خویش و آرش می اندیشیدند ما در آن غمگین را کنار در ها دیدکه بیتابی ونا فراری می کردند مرد هزارید که یگان یگان ودوتاو

سه تاباهم گپ می زدند . به سر نوشت آرش وکشورآزادگان می اندیشیدند نگاه های رامی دیدکه باهم ردوبدل می گردیدند خاموش بودند اما صدزبان داشتند . آرش همه ی دست هارا یک دست می دید همه ی آوازاها رایک صدا دامنه ی البرز کوه و شهر پر از صداها شده بودند پرازشور و هیاهو و هوورا . اوسایه‌هایی رامی دیدکه به سوی او می آمدند او را یاری می کردند . به شور و شتاب و ایثارش وا می داشتند .

آرش راهی که در پیش گرفته بود به آن ایمان داشت وعقیدتی خلل ناپذیر وراستین آرش نخستین گام رابه سوی قربانگاه گذاشت بهسوی قربانگاه هستی ساز و زندگی آفرین . دشمنان هنوز به پیروزی آرش باور نداشتند

او را ریشخند و استهزای کردند . دشمنان فراسیایان پاسداران بیداددر سکوتی ریشخند آمیز برای آرش راه راباز می کردند «لفظه ی دیدار نزدیک بود همه را دل ودست می لرزید .» باری شهر و کوهستان را شوری بزرگ فرا گرفت صدا هانا م آرش را تکرار می کردند . باد نام آرش رابه دور دست ها می برد کوهستان صدا های زنده باد آرش را بازتاب می دارند : «کودکان او را از بامها صدا کردند و مادر انش دعا کردند .»

«آرش ما همچنان خاموش از شکاف دامن البرز با لارفت و از پی او پرده های اشک بی در پی فرود آمد . دو بساره به قصه ی «عمونوروز» گوش می کنیم که ساده ترازهر تفسیری است و گویاتراز هر تحلیلی . واین یاد داشت هارا با قصه ی پیر مرد پرداخته سیاهش کسرابی که بهترین پایان هاوشیوا ترین «حسن ختام» هاست به پایان می بریم .

بست یکم چشمپایش را عمو نو روز خنده بر لب غرقه در رویا کودکان با دیدگان خسته و بی جو

در شگفت از پهلوانی ها
شعله های کوره در پرواز
باد در غوغا
شامگاهان
راه جویانی که می جستند آرش رابه روی
قله ها پی گیر
باز گردیدند
بی نشان از پیکر آرش با کمان و ترکشی
بی تیر
آری آری جان خود در تیر کرد آرش
کارصدده صد هزاران تیغه ی شمشیرگرد آرش .
تیر آرش را سوارانی که می راندند بر -
جیحون .

به دیگر نیم روزی از پی آن روز
نشسته بر تناور ساق گرد وپی فرو دیدند
و آنچه را از آن پس
مردایران شبر و توران باز نامیدند .
آفتاب .
در گریز بی شتاب خویش
سال ها بر بام دنیا پاکشان سرزد .
ماهتاب
بی نصیب از شبر وی هایش همه خاموش
دردل هر کوی و هر بر زن
سر به هر ایوان وهر درزد
آفتاب و ماه رادر گشت
سال ها بگذشت
سال ها وباز

در تمام پهنه ی البرز
وین سراسر قله ی مغموم و خاموشی که
می بیتیید .

واندرون دره های برف آلودی که می دانید
رهگذر هایی که شب در راه می مانند
نام آرش راپیایی در دل کبسار می خوانند
و نیاز خویش می خواهند

بادهان سنگ های کوه آرش می دهد پاسخ
می کند شان از فراز واز نشیب جاده ها آگاه
می دهد امید
می نماید راه
در برون کلبه می بارد

برف می بارد به روی خارو خاراستگ
کوهها خاموش
دره ها دلتنگ

راه هاجشم انتظار کاروانی باصدای زنگ ..
کودکان دیری است در خوابند
در خوابست عمو نوروز
می گذارم کنده ای هیزم در آتشدان
شعله بالامی رود بر سوز ..
ختم

دولتی مطبوعه



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**